

هیأت


سال دهم، شماره ۱۰۰، شعبان ۱۴۳۵
خرداد ۹۳، قیمت: ۲۰,۰۰۰ ریال



- جامعه منتظر و نقش و جایگاه ساده‌زیستی کارگزاران
- مدیریت جهادی الگوی مطلوب مدیریت در اسلام
- مردی که دروازه خرمشهر را گشود
- انتظار؛ توطئه و تهدیدها
- مجاهدین و قاعده‌ین

مفکران





کسی که بخواهد از راه گناه به مقصدی برسد، دیرتر به
آرزویش می‌رسد و زودتر به آنچه می‌ترسد گرفتار می‌شود

امام حسین (ع)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یادداشت سردبیر

ایام مبارک اعیاد شعبانیه را پیش رو داریم در این ماه سوم شعبان ولادت با سعادت سرور و سالار شهیدان سومین گوهر ولایت و امامت است که همین مناسبت روز پاسدار نامیده شده است. چهارم شعبان ولادت فرزند رشید علی ابن ابی طالب و ام البنین (سلام اله علیها) حضرت ابوالفضل العباس (ع) می باشد و به پاس جانبازیهای ایشان در صحرای کربلا در حمایت از مبارزه با ظالمین روز جانباز نام گرفته است.

روز پنجم شعبان مصادف با سالروز ولادت سیدالسادین امام زین العابدین علی ابن الحسین (ع) چهارمین امام همام شیعیان است. ایشان نیز در سرزمین کربلا حضور داشته اند و عدم شهادت ایشان در روز عاشورا ذخیره ای برای استمرار خط امامت و ولایت بود. حضرت علی اکبر پسر بزرگ امام حسین (علیه السلام) در یازدهم شعبان سال ۳۳ هـ ق متولد شده است وی نیز در روز عاشورا در سرزمین کربلا در دفاع از دین و آرمانهای الهی به شهادت رسید. میلاد این دردانه امام حسین (ع) در تقویم کشور به نام روز جوان نامگذاری شده است. نیمه این ماه پر شور و سرور آخرین حجت الهی حضرت بقیه اله الاعظم امام زمان مهدی موعود (ع) است.

در تقویم شمسی مهمترین اتفاق خرداد ماه سالگرد ارتحال امام راحل رهبر و معمار کبیر انقلاب اسلامی است. قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ مردم در حمایت از امام خمینی (ره) یکی دیگر از مناسبتهای این ماه می باشد.

اما مهم ترین اتفاق در تقویم انتخاب حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (مدظله العالی) به رهبری انقلاب است که با ارشادات امام در دوران حیاتشان در چهاردهم خرداد ماه سال ۱۳۶۸ توسط خبرگان رهبری انجام شد. این انتخاب موجب شادی در دل مردم و یاس و ناامیدی دشمنان نظام و انقلاب گردید.

در این شماره از نشریه به فراخور مناسبت های پیش رو سعی شده است مطالبی قابل توجه جهت استفاده گیرندگان نشریه چاپ و تهیه گردد.

گزارش دو همایش بزرگ مسئولین هیاتهای رزمندگان در قم و مشهد مقدس نیز بخشی از مطالب مجله را به خود اختصاص داده است، اولی همایش مسئولین هیئات واحد خواهران (پیروان عترت) در قم که با حضور ۲۵۰ تن از مسئولین این واحد برگزار گردید و دومی همایش مدیران هیاتهای رزمندگان سراسر کشور در مشهد مقدس بود که در این همایش نیز ۴۰۰ نفر از مدیران هیئات رزمندگان اسلام حاضر بودند. امیدواریم مطالب و گزارش های ارائه شده در این شماره مورد رضایت حضرت باری تعالی و ائمه معصومین (ع) قرار گیرد.





سرمقاله

الگوی مطلوب مدیریت در اسلام

■ دکتر یدالله جوانی | نامگذاری سال جاری با عنوان سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، بر حسب شرایط و اقتضانات کشور و نیازهای انقلاب و نظام اسلامی صورت گرفته است. مقام معظم رهبری از شعار سال به عنوان نقشه راه یاد کرده و هدف راهبردی حرکت بر اساس این نقشه را، افزایش اقتدار ملی اعلام فرمودند: فرهنگ، علم و دانش و اقتصاد، سه عنصر اصلی در تولید قدرت و افزایش اقتدار ملی برای ایستادن در مقابل زورگویان و باج‌گیران عالم است اصلاح وضعیت در حوزه فرهنگ و اقتصاد در شرایط کنونی، به جز با «عزم ملی» و «مدیریت جهادی» ممکن نیست. اقتصاد کنونی کشور، اقتصادی آسیب‌پذیر در برابر فشارهای بیگانگان و دشمنان بوده و ایجاد تحول اساسی در اقتصاد ایران و تبدیل آن به یک اقتصاد مقاوم و آسیب‌ناپذیر یک ضرورت است. تحول اقتصادی بدون تحول فرهنگی ممکن نیست و ایجاد تحول در دو حوزه فرهنگ و اقتصاد، با تکیه بر عزم ملی و مدیریت جهادی حاصل می‌شود.

منابع مادی و انسانی با ساز و کارهای گوناگون جهت تحقق اهداف است.

تعریف مدیریت جهادی

مدیریت جهادی یکی از سبک‌های مدیریتی با ویژگی‌های خاص بر اساس آموزه‌های دینی و بویژه فرهنگ جهادی است بنابراین مدیریت جهادی را می‌توان یک مدیریت دینی در برابر مدیریت سکولار دانست آنچه امروز در مراکز علمی جهان در حوزه علم مدیریت مطرح می‌شود و از آن با عنوان «مدیریت علمی» یاد می‌گردد، مبتنی بر اندیشه و تفکر سکولاریسم است در تفکر سکولاریزم حوزه دین از حوزه سیاست جدا بوده و سکولارها بر عدم دخالت دین، خدا و آخرت در هر نوع برنامه‌ریزی برای امور اجتماعی انسان تأکید دارند. در نقطه مقابل این نوع نگرش و دیدگاه، از نظر اسلام ناب، خدا، دین و آخرت، نقش اساسی و تعیین‌کننده در تمام برنامه‌ریزی‌ها برای فرد و اجتماع دارند. بنابراین می‌توان

در بخش‌های مختلف کشور
۳- تدوین راهبردها و ارائه راه کارهای نهادینه سازی مدیریت جهادی در تمامی بخش‌های مدیریتی کشور
در این نوشتار به اختصار مدیریت جهادی از نظر تعریف و ویژگی‌ها با بهره‌گیری از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. تعریف مدیریت: صاحب نظران علم مدیریت، تعاریف گوناگون با رویکردهای متفاوت برای مدیریت ارائه کرده‌اند به عنوان نمونه می‌توان به تعاریف زیر اشاره کرد:
۱- مدیریت عبارت است از؛ هنر کشف استعدادها و فرآیند تجهیز، تنظیم و هدایت نیروها در جهت اهداف سازمانی.
۲- مدیریت عبارت است از علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته جمعی برای نیل به هدف مطلوب با حداکثر کارایی. با توجه به تمامی تعاریف در این حوزه می‌توان گفت مدیریت فراگرد به کارگیری موثر و کارآمد

مدیریت جهادی در شرایط کنونی، به این دلیل مورد تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی قرار گرفته که دیگر سبک‌ها و الگوهای مدیریتی را ناکامد و غیر مناسب برای جامعه اسلامی و نظام دینی می‌دانند. در نظام اسلامی به عنوان یک سازمان سیاسی و در تمامی بخش‌ها و سطوح فعالیت‌های دولتی و غیر دولتی در جامعه اسلامی، مدیریت مناسب و کارآمد، مدیریت جهادی خواهد بود سبک مدیریت کنونی در کشور و در تمامی بخش‌ها و سطوح، مدیریت جهادی نیست. بنابراین باید تحول اساسی در سبک‌های مدیریت پدید آید و مدیریت‌های ناکارآمد کنونی به مدیریت کارآمد جهادی تبدیل گردد برای تحقق این مهم باید گفتمان سازی کرد برای گفتمان سازی در بحث مدیریت جهادی، حداقل در سه محور زیر باید کار دقیق علمی و تبیین صورت گیرد.
۱- بحث‌های مفهومی و نظری در حوزه مدیریت جهادی (تبیین چپستی مدیریت جهادی)
۲- بررسی آسیب‌ها و چالش‌های مدیریت کنونی



مهدی موعود (عج)، مظهر رحمت و قدرت حق و مظهر عدل الهی است و کسانی که بتوانند با این کانون شعاع رحمت و تفضلات الهی، ارتباط روحی و معنوی برقرار کنند، در تقرب به خداوند، توفیق بیشتری می یابند، زیرا نفس توسل و توجه و ارتباط قلبی با آن حضرت، موجب عروج و رشد روحی و معنوی انسان می شود.

هوشیاری و شناخت موقعیت ها و شرایط، شایسته سالاری، مجاهدت و ایمان، تعبد، ساده زیستی، سخت کوشی، قانونمداری، نظم و انضباط، احساس مسئولیت و مسئولیت پذیری، عزت و اعتماد به نفس، نشاط، با همت و اراده راسخ، مدیریت داوطلبانه، تحول آفرین، پویا، خودباور، مشارکت پذیر و ...

مدیریت جهادی، مدیریتی کارآمد:

در دوران پس از انقلاب اسلامی، کارآمدی مدیریت جهادی به اثبات رسید طی ۳۵ سال گذشته در هر حوزه‌ای که سبک و الگوی مدیریت جهادی مورد توجه واقع شد، کارها به خوبی پیش رفت و موفقیت‌های بزرگ یکی پس از دیگری حاصل گشت. دوران دفاع مقدس، بهترین گواه برای اثبات کارآمدی مدیریت جهادی است، تشکیل جهاد سازندگی و کارهای بزرگ این نهاد انقلابی، بر مبنای مدیریت جهادی بود، سپاه پاسداران، بسیج مستضعفین، مؤسسه روپان از سازمان‌ها و مؤسساتی هستند که با تکیه بر مدیریت جهادی طی سال‌های پس از انقلاب، کارهای بزرگی را انجام داده‌اند. کارهای بزرگ در این سالها، در پرتو مدیریت جهادی، بر مبنای باور و نظریه «ما می توانیم» صورت پذیرفت و جهانبانان را شگفت زده کرد، پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس، پیشرفت‌های علمی و دست یابی ایران به علوم و فناوری‌های نوین مانند هسته‌ای، پیشرفت‌ها و دستاوردهای بزرگ در صنایع دفاعی و نظامی و ... همگی در پرتو مدیریت جهادی و بر مبنای باور به نظریه «ما می توانیم» به دست آمده است این باور را حضرت امام (ره) در ملت ایران پدید آورد باوری که جوهره اصلی مدیریت جهادی است کسی که در راه خداوند جهاد می کند به نصرت الهی ایمان دارد و در مسیر کار خود، هیچ بن بستری را بر نمی تابد و برای رسیدن به هدف تلاش می کند. در نظر مدیران جهادی که برای خدا کار می کنند و به نصرت الهی ایمان دارند، کار نشد ندارد، زیرا مدیران جهادی با تمام وجود بر این باورند که: «و الذین جاهدوا فینا لننھدینھم سبلنا و ان الله لمع المحسنین» (عنکبوت ۶۹)

دشمنان است بر همین اساس در ادبیات انقلاب اسلامی و در بیانات حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، واژه‌های جهاد نظامی، جهاد فرهنگی، جهاد اقتصادی، جهاد سیاسی، جهاد علمی و ... ملاحظه می گردد. حقیقت جهاد و عرصه‌های مختلف آن را مقام معظم رهبری اینگونه تبیین می فرماید: «جهاد یک بار معنایی ویژه‌ای دارد. جهاد در همه‌ی مرزهای اسلام با کفر موضوعیت دارد و در تمام عرصه‌های زندگی مانند نظامی، سیاسی، فرهنگی، علمی و حتی اقتصادی مطرح است. در جهاد، حضور و روبرویی و مبارزه با دشمن مفروض است.» حقیقت جهادی در تمامی عرصه‌های فردی و اجتماعی ایرانیان با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی موضوعیت پیدا کرده اکنون اسلام با تمام قوایش در برابر کفر با تمام قوایش صف آرای کرده و نظام اسلامی با محوریت ولایت فقیه و پشتیبانی ملت ایران، در تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و نظامی و ... با دشمنان خدا و بشریت در حال مبارزه است.

ویژگی‌های مدیریت جهادی:

با پذیرش سبک مدیریتی رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان «مدیریت جهادی»، مدیریت مطلوب مورد نظر ایشان برای اداره کشور در سطوح مختلف باید دارای ویژگی‌های خاص باشد بررسی‌ها نشان می دهد معظم له در مقاطع مختلف، در اظهاراتش قریب ۷۰ کلید واژه را برای توصیف مدیریت مطلوب از نظر اسلام یا همان مدیریت جهادی بر شمرده‌اند تامل و اندیشیدن در این ویژگی‌ها، مدیریت جهادی مورد نظر مقام معظم رهبری را شفاف و گویا نموده و از طریق تمرکز بر این ویژگی‌های مدیریتی می توان گفتمان معظم له در توسعه مدیریت جهادی و نهادینه سازی آن را پیش برد. برخی از این کلید واژه‌ها عبارت است از: مدیریت برای خدا، مدیریت ولایی، عدالت‌گرایی، تدبیر و قدرت تصمیم‌گیری، عقلانیت و منطقی، ابتکار و نوآوری، تجربه و دانش و مهارت، بصیرت

گفت مدیریت جهادی، با بهره‌گیری از ابزار علم و فناوری و هم‌جهت با اراده الهی و بر اساس نقشه الهی به تمشیت امور می پردازد. در این مدیریت، خدا و کار برای خدا از یک طرف و خدمت به خلق خدا و گره‌گشایی از کار کشور و مردم از طرف دیگر، عنصر اصلی و تعیین کننده می باشند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شهردار و کارکنان شهرداری تهران در زمستان سال ۱۳۹۲، مدیریت جهادی را اینگونه توصیف فرمودند: «در اداره کشور باید روحیه خدمت به مردم با نیت خدایی و با تکیه بر علم و درایت یا همان روحیه مدیریت جهادی حاکم باشد تا بتوان از مشکلات عبور کرد و به پیش رفت اگر مدیریت جهادی یا همان روحیه کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور قابل حل است و کشور حرکت رو به جلو را ادامه خواهد داد.»

عناصر اصلی در مدیریت جهادی

با توجه به ویژگی‌های بر شمرده شده برای مدیریت جهادی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی این سبک مدیریت دارای عناصر اصلی سه‌گانه زیر است:

- ۱- نیت الهی، ایمان و انگیزه الهی.
- ۲- جهاد، کار و تلاش خستگی ناپذیر
- ۳- علم و درایت

بنابراین از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی که خود تجسم و عینیت بخش مدیریت جهادی هستند مدیریت جهادی را می توان در یک جمله کوتاه، ترکیب ایمان، علم و کار جهادی دانست.

مفهوم جهاد در مدیریت جهادی

جهاد از نظر لغوی به معنای کار و تلاش و کوشش است، لیکن از نظر اصطلاحی بار معنایی خاص دارد کسی که در راه خدا کار و تلاش می کند را مجاهد فی سبیل الله گویند. جهاد در راه خدا عرصه‌های گوناگون دارد و عمدتاً هنگام به کار بردن واژه جهاد، یکی از این عرصه‌ها به اذهان خطور می کند و آن، قتال، مبارزه و جنگیدن با دشمنان اسلام است گستره جهاد در راه خدا، بسیار فراتر از حوزه نظامی و جنگ مسلحانه با



ماهنامه فرهنگی - مذهبی
هیأت رزمندگان اسلام
سال دهم، شماره ۱۰۰،
شعبان ۱۴۳۴
خرداد ۹۳
قیمت: ۳۰.۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:
هیأت رزمندگان اسلام
رئیس شورای سیاست گذاری:
حجت الاسلام والمسلمین
اسماعیل سعادت نژاد
مدیر مسئول:
محمدصادق آهنگران
سر دبیر:
محمد قهرمانی
مدیر اجرایی:
احسان اکبری
صفحه آرا و گرافیک:
احسان حسینی

همکاران این شماره:
حجت الاسلام علی مهدیان
حجت الاسلام میرزا محمدی
حجت الاسلام امیر محسن عرفان
حجت الاسلام زهیر دهقانی آرائی
جمشید قنبر پور

با سپاس فراوان از:
دکتر سنائی راد
حمید مقدم فر

نشانی:
تهران، میدان فاطمی، نبش خیابان
فلسطین و زرتشت، جنب بانک صادرات،
پلاک ۵۵۴، واحد ۵
تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۶۰۴۳۰
نمابر: ۰۲۱-۸۹۷۸۰۳۱۳
سامانه پیام کوتاه: ۰۹۵۱۶-۲۰۰۰
صندوق پستی: ۱۱۱-۱۵۷۱۵

نشانی الکترونیکی:
heyat@e-heyat.com
www.e-heyat.com



ذکر فضائل اهل بیت (ع) راه
جلوگیری از اختلافات ۶

اصرار بر مشترکات ۱۰

جامعه منتظر و نقش و جایگاه
ساده زیستی کارگزاران ۱۶

مهارت های دعاخوانی ۳۶

اقتدار ملی پشتوانه ای برای عزت و
لستقلال ۳۸

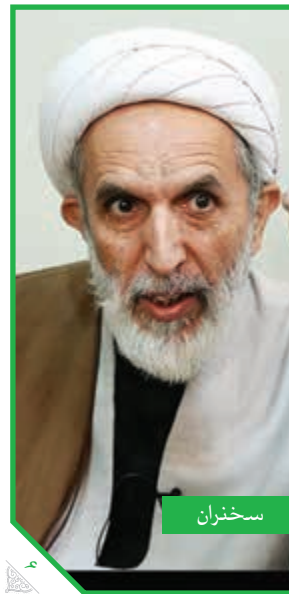
تاریخ تحلیلی اسلام - وقایع سال ششم
هجرت ۴۰



دفاع مقدس



اندیشه



سخنران



انتظار؛ توطئه و تهدیدها ۲۰

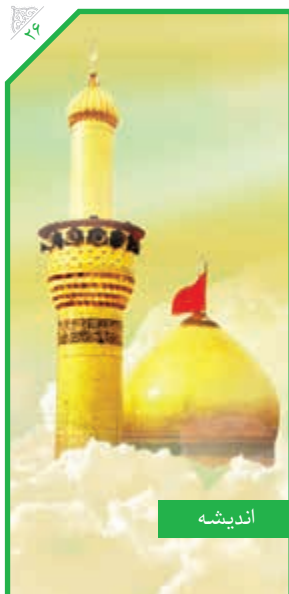
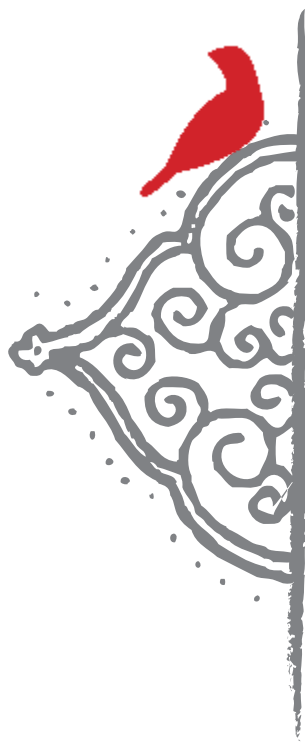
مجاهدین و قاعدین ۲۶

«مردی» که دروازه خرمشهر را گشود ۳۴

بیستمین همایش سراسری خولهران
پیروان عترة در قم برگزار شد
۴۲



بیستمین همایش سراسری مدیران
هیات رزمندگان اسلام در مشهد
مقدس برگزار شد
۴۶



اندیشه



گزارش هیأت



گزارش هیأت

در همه کارها و اعمال و رفتارمان
دقت لازم را داشته باشیم
۶۰

و عاقل قدر خود را بدانند، پیامبر مردمند
۵۸

پای صحبت هر سخنران و در هر هیأتی
نباید رفت
۵۹



روز شمار تاریخ و دفاع مقدس
۵۲

همان هایی که در جنگ جبهه ها
را اداره می کردند امروز ما را یاری
می کنند
۵۶



اختصاصی هیأت

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی طائب ذکر فضائل اهل بیت (ع) راه جلوگیری از اختلافات

برنامه ریزی دشمن جهت تشدید اختلافات مذهبی

نجف در پنجاه سال اخیر خیلی متفاوت بود با خروجی حوزه علمیه قم، یا خروجی حوزه های علمیه مشهد متفاوت بودند با خروجی های سایر حوزه ها، مثلاً در مشهد ارتباط با فلسفه و عرفان ارتباط خوبی نبود بنابراین طلبه هایی که از آن بیرون می آمدند خیلی ارتباط با عرفان و فلسفه نداشتند و یا حیثاً ضدیت داشتند. پس بنابراین مدل و نوع درس و تبیین در حوزه ها مشخص می کرد

معارفشان، خط اسلامشان و احکامشان را از روحانیت و آخوندهایشان می گیرند. نکته دوم: این که ما در جهان اهل سنت و هم در جهان تشیع مراکز علمی که به نام حوزه های علمیه است داریم و همیشه در این حوزه ها تفاوت های دیدگاهی وجود داشته است، پس بر اساس همین تفاوت دیدگاهی رفتار خروجی ما هم متفاوت می شده، مثلاً در بین شیعه خروجی حوزه های

بسم الله الرحمن الرحيم نکته اول: مطلبی که امروز لازم است خیلی به آن توجه بشود فهم جغرافیای سیاسی مذهبی جهان است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می دانیم که اسلام چه در بین تشیع و چه در بین برادران اهل سنت توسط علما ترویج می شود و همیشه مردم دین خودشان را از علما می گرفتند هم در اهل سنت و هم شیعه. تردیدی نیست که



امام بزرگوار و عزیز و معصوم و
قطب عالم امکان و ملجا همه
خلاق، اگرچه غایب است و
ظهور نکرده، اما حضور دارد.

که خروجی‌ها چگونه است. این مسئله در حوزه‌های اهل سنت هم بود. مادر بین اهل سنت حوزه‌های علمیه متفاوت داشتیم. مرکزیت تربیت طلبه و روحانی برای جهان اهل سنت چند نقطه بود دمشق، قاهره (مصر)، پاکستان و عربستان این چهار مرکز مهم ترین مراکز تربیت روحانی و طلبه برای جهان اسلام اهل سنت بود. در حوزه‌های مصر و دمشق آن تفکر و مدل درسی یک مدل عمیق و به تعبیر ما اهل بیته بود یعنی در آنجا تعلیم تعالیمی بود که واقعاً اسلام و اخلاق یاد می‌گرفتند و می‌آمدند در مساجد موعظه و سخنرانی و... در واقع یک سطح از اسلام را تبیین می‌کردند که در آن محبت اهل بیت و معرفی صحابه بود. بنابراین خروجی آنجا خروجی نبود که مسئله شیعه و شیعه‌گری برایشان اصل باشد - نه اینکه مطرح نباشد - ولی برایشان اصل نبود. در حقیقت یک مسئله پذیرفته شده جنبی بود. مثلاً نهج البلاغه را درس می‌دادند و مکتب جعفری هم به عنوان مذهب پنجم پذیرفته بودند. حالا اگر هم نمی‌پذیرفتند، حساس نبودند. الا یک رگه‌های بسیار کمی که فرض بفرمایید در هر جایی ظهور و بروز می‌کردند. اما اصل مکتب دمشق خیلی متمایل به فلسفه و عرفان و مباحث کلامی بودند. در پاکستان حوزه بین دمشق و قاهره و عربستان در تغییر بود. در عربستان مکتب، مکتب وهابی تدریس و دروس فارغ از هرگونه فلسفه و کلام بود و مشخصاً بر احیاء تفکرات ابن تیمیة ای و ضد شیعی و بزرگنمایی برای صحابه و این که مخالفین صحابه مهدورالدم هستند. اینها سالیان بسیاری در عربستان درس می‌دادند اما خروجی‌های مکتب عربستان خیلی مشتری نداشتند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وقتی استکبار با موج انقلاب ما و

ناتوانی خودش در مقابله با این موج مواجه شد فهمید که این مکتب دارد جلو می‌رود و به دلیل آن سختیهای محبتی که نسبت به اهل بیت در ذات این مکتب هست خیلی گسترش سریعی در جهان اسلام پیدا می‌کند و از آن طرف هم سپاه کفر نیرو برای مقابله ندارد.

آقای کسینجر در سال ۶۲ اعلام کرد «ما برای توقف

این ماشین قوی که راه افتاده و در حال به خطر انداختن هستی ماست هیچ راهی نداریم جز اینکه باید جنگ شیعه و سنی به راه بیندازیم و جهان اهل سنت را در مقابل اینها به میدان بیاوریم». آن زمان عمق کلام کسینجر و اینکه این راه را با چه شیوه‌ای می‌خواهند اجرا کنند نمی‌دانستیم بدلیل اینکه ما درگیر جنگ و مسایل جنگ بودیم فکر نمی‌کردیم اینها چطور می‌خواهند اینرا اجرا و عملیاتی کنند.

شیوه آنها چه بود؟ آمدند مکتب عربستان که در اختیار اینها بود و از آن خط می‌گرفتند، آن مکتب این تیمیه را با تعلیماتی که در مدارس عربستان بود جایگزین کردند. این چنین که اگر کسی علیه صحابه حرفی

بزند مهدورالدم است. اینجا توجه داشته باشید که در طول تاریخ اسلام از زمان امام حسین (ع) یک مسئله همیشه به عنوان یک مطلب محرمانه محسوب می‌شد و آن برائت از جبهه مخالف بود. این همیشه یک سر بود یعنی همیشه دستور بر این بود که با مردم مدارا

کنید، شما فضائل اهل بیت را بیان کنید و از طرف‌های مقابلتان صراحتاً چیزی نگویید. در زمان بنی عباس دیگر انگیزه‌ای برای زدن اهل بیت وجود نداشت چون حب اهل بیت به شدت گسترش پیدا کرده بود و خود بنی عباس هم به عنوان اهل بیت آمده بودند سر کار. بنابراین اگر بنی عباس خودشان بخواهند اهل بیت را بزنند در بین

مردم توجیهی ندارند.

آمدند روی این نکته که اهل بیت نسبت به معتقدات شما نظر منفی دارند شروع به کار کردند. یعنی از بعضی شیعیان که توجه نداشتند این مسئله را ظهور و بروز دادند. بعضی‌ها را کشیدند به مرحله لعنی. وقتی این موضوع سر بلند کرد آمدند گفتند که هر کسی بزرگان صحابه را لعن کند از دین بیرون رفته، بعد مذهبی درست شد به نام رافضی، یعنی شیعه رافضی.

کسی که شیعه بود، اعتقاد داشت که ائمه برتری دارند اما رافضی کسی بود که اعتقاد به برتری داشت و طرف مقابل را لعن می‌کرد. شیعه به آنها کاری نداشتند و می‌گفتند که محب اهل بیت هستند اما اگر

کسی متهم به رافضی می‌شد واجب القتل بود. تمام تلاش بنی امیه این بود که عنوان رافضی بر ائمه ما بچسبانند فلذا وقتی امام کاظم (ع) را به زندان آوردند و به شهادت رساندند، ابتدا که جنازه امام را از زندان بیرون آوردند مواجه شدند با استقبال مردم و هارون از

آقای کسینجر در سال ۶۲ اعلام کرد «ما برای توقف این ماشین قوی که راه افتاده و در حال به خطر انداختن هستی ماست هیچ راهی نداریم جز اینکه باید جنگ شیعه و سنی به راه بیندازیم و جهان اهل سنت را در مقابل اینها به میدان بیاوریم

بعضی‌ها را کشیدند به مرحله لعنی. وقتی این موضوع سر بلند کرد آمدند گفتند که هر کسی بزرگان صحابه را لعن کند از دین بیرون رفته، بعد مذهبی درست شد به نام رافضی، یعنی شیعه رافضی

این موضوع ترسید بنابراین دستور داد در شهر جار بزنند «این امام رافضی هاست» . رافضی‌ها چه کسانی هستند؟! کسانی که از نظر عموم مردم باید به قتل برسند، چرا؟! چون لعن می‌کنند. با عنوان رافضی توانست مردم را کنترل کند.

آمدند در مکتب وهابیت (از سال ۶۲ شمسی) این جریان درسی را با قوت در مدارس تدریس و ترویج کردند. یعنی به طلبه ای که در آنجا درس می‌خواند می‌گویند که صحابه در این

حد فضائل هستند و هر گس

که آنها را لعن کند واجب

القتل است و ما باید ببینیم

که شیعه لعن می‌کند یا نه؟! اگر لعن کرد رافضی است و

اگر رافضی است پس واجب

القتل است و اول ما باید آنها

را بکشیم و بعد برویم سراغ

صهیونیستها. این شد متن

درسی آنها. بنابراین آنهاپی

که از این مدارس بیرون می‌آیند و می‌روند برای مردم تبلیغ می‌کنند آن چیزی که به مردم می‌گویند این است که داستان شیعه و لعن می‌شود اصل و همه ی حواس مردمی که پای منبر این آقایان می‌نشینند این است که بروند ببینند شیعه لعن میکند یا نه؟! لذا آمدند با پول عربستان و با قدرت و حاکمیت در مصر و پاکستان آن نوع درس را در این‌ها تزریق کردند. ۵۰۰ مدرسه علمیه در پاکستان راه اندازی کردند، در چین، در بوسنی و هرزگوین، تاتارستان و در کشورهای تازه استقلال یافته و هر

کجا که جا پیدا کردند رفتند و حوزه علمیه زدند. چون پول خوب دادند، هزینه می‌کردند بنابراین مردم به مدارس

اینها جذب می‌شدند. تعلیم

و تربیت از آنچه در الازهر و

دمشق بود خارج شد و شد

تعلیم و تربیت وهابیتی و رافضی

گویبی ائمه جمعه و امام جماعت برای

بلاد مختلف، شهرها، دهات. اکثریت

افراد می‌شدند که فقط و فقط می‌روند و

برای مردم توضیح می‌دهند

که صحابه در این مطالب

دارای فضائل هستند و

این مسئله را حساس

می‌کنند و اگر کسی

صحابه را مورد لعن قرار

دهد واجب القتل است

و اول باید مسئله او را

حل کرد بعد به مسئله

صهیونیست پرداخت.

این تفکر گسترش پیدا

کرد بدون اینکه ما توجه داشته باشیم

. آرام آرام جلو رفت. یک میدان مین

بزرگی سر راه انقلاب گذاشت که اگر

این انقلاب کوچکترین اشتباهی بکند

به جای اینکه اسرائیل را از صحنه روزگار

محو کند در این میدان مین خودش از

بین می‌رود. منتهی این میدان مین باید

چاشنیش عملیاتی شود یعنی هنوز مردم

است که آیا شیعه در زمان موجود لعن

می‌کند تا رافضی باشد یا نه و لعن نیست

و اینها رافضی نیستند پس نباید با آنها

جنگید. این را باید برای عوام الناس جا

بیندازند یعنی وقتی برود اون بالا بگوید

این مسئله را حساس می‌کنند
و اگر کسی صحابه را مورد لعن
قرار دهد واجب القتل است
و اول باید مسئله او را حل کرد
بعد به مسئله صهیونیست
پرداخت



کنند. اما اگر ما الان به جغرافیای سیاسی توجه کنیم اگر متوجه باشیم می توانیم دشمن را ناکام کنیم، یعنی آنها ما فقط ذکر فضائل اهل بیت ببینند دقیقاً خرج ۲۷ ساله ی آنها همه از بین خواهد رفت و اسرائیل از بین می رود. حضرت آقا فرمودند که ما بارها گفته ایم و بارها تکرار کرده ایم انگار حاضر نیستند گوش کنند. اینها فکر می کنند ولایت آقا ضعیف شده. متوجه نیستند که امروز جهان شیعه اگر بخواهد به هدف خود برسد راهی غیر از این وجود ندارد. کوچکترین اشتباه مواجه شدن با یک میلیارد مین و انفجار آنهاست. مسلمانی

که با انگیزه می جنگد غیر از مشرک و کافری است که هیچ انگیزه ای ندارد. این مسلمان وقتی که دستگیر می شود می گوید بیخود خودت را خسته نکن، حورالعین ها منتظر من هستند. حالا این از کجا به این رسیده، از همان صبری که کردیم. آقا خود جهان شیعه را نگاه می کند. اگر جهان سیاسی مذهبی را خوب برای افرادمان توضیح دادیم می فهمند وقتی به شما می گویند صبر نکن این برای چیست؟! دیگر نیازی ندارد که آقا بگویند. حکمت و فلسفه مسئله را می فهماند دیگر نیازی به دستور تبعیدی نیست. یعنی شاید تعجب کنند. طوری می شود که سر شیعه را بیخ تا بیخ می برند.

ما هم عرض می کنیم اگر این ویروس سرایت کرد آن وقت می بینید که شمشیر از زیر گلی اسرائیل در می آید و آن صحبتی که کسینجر گفته بود تحقق پیدا می کند. کسی که لعن می کند همکار کسینجر شده بدون اینکه خودش بداند.

شیعه لعنت می کند، بگوید نه فلانی و فلانی و فلانی پس در اینجا مکمل کار آمریکا چیست؟ مکمل برنامه این است که ما لعنت کنیم. فقط کافی است از اینجا لعنت صادر شود این می شود مکمل (این آن چاشنی می شود). امروز در بلاد مختلف مصر و... این ائمه جمعه ای که اینجا تربیت شده بودند در خطبه ها بعضاً فریاد می زدند شیعه دشمن است مردمی که آن پایین نشستند سوالشان این است که

چرا شیعه دشمن است؟! از یک منبری ما کلیپ می سازد که دارد لعن می کند. یک قطعه ای از این ماهواره ها. آقای... یاری به نام شیعه می آید و رسماً لعنت می کند و مکرراً این را می گذارد و می گوید ببینید این شیعه است منتهی

باز به ماهواره توجه ندارند. اگر احیاناً هیات هایی که ما در ایران داریم اگر از اینجا لعن بر صحابه برود بیرون این دیگر صد درصدی است.

بنابراین ما امروز تا بهم ریختن اسرائیل، وقتی روی زمین نگاه کنیم می بینیم فاصله بسیار اندکی داریم. اسرائیل و خود آمریکا نیرو ندارند اما اینها از سال ۶۲ که کسینجر گفت ما تنها راه نجاتمان این است که جنگ شیعه و سنی به راه بیندازیم اینها سرمایه گذاری کردند. امروز آنها می خواهند محصول برداشت کنند. امروز یک اشتباه در جهان شیعه کافی است که کمک کند به آنها تا از پولی که تا به الان خرج کردند کاملاً بهره برداری

**امروز آنها می خواهند
محصول برداشت کنند. امروز
یک اشتباه در جهان شیعه
کافی است که کمک کند به آنها
تا از پولی که تا به الان خرج کردند
کاملاً بهره برداری کنند**





بخش اول

راه حل تحقق وحدت اسلامی

اصرار بر مشترکات

وحدت و انسجام امت را می‌توان از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی دانست که بنا بر فرموده امیرمؤمنان علی علیه السلام از منتهای والای خداوند بر مردم است که ارزشی برای آن نمی‌توان تصور نمود. آن حضرت در این باره می‌فرماید: **فان الله سبحانه قد امتن علی جماعه هذه الامة فیما عقد بینهم من حبل هذه الالفه الی ینتقلون فی ظلها و یاوون الی کنفها بنعمه لا یعرف احد من المخلوقین لها قیمة لانها أر جح من کل نمن و اجل من کل خطر.**

نهج البلاغه خ ۱۹۲ بحار الانوار ج ۳۴ - ص ۲۲۳



حجت الاسلام
میرزا محمدی

پیروی از ایشان را داشته باشد و این راه و مسیر را دنبال ننماید. با این نگاه بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حاکمیت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در ایران بارهبری و زعامت امام راحل (قدس سره الشریف) حفظ وحدت و انسجام مسلمین از اصول و ارزشهای اصلی انقلاب به حساب آمد که در واقع نشأت گرفته از همان سیره تعلیم‌اهل بیت علیهم السلام بوده. اما با این حال بعضی از جاهلان و کج‌اندیشان، این دستور شرعی و عقلانی را نوعی «سیاست

و شکست و نابودی و ناکامی را در پی دارد. این سنت تغییر ناپذیر تاریخ است. از این رو اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیز به عنوان هادیان و پیشوایان امت اسلامی همواره در پی تحقق این معنای عظیم بودند و کلام و سیره آن بزرگواران از شاخص‌ترین الگوها برای تحقق انسجام اسلامی است به گونه‌ای که با اندکی بررسی در روایات و سیره رفتاری ایشان به اهتمام آن بزرگواران به مقوله وحدت و انسجام اسلامی پی خواهیم برد. پس چه بی‌راهه می‌رود اگر کسی ادعای

خداوند بر این امت منت گذارده و بین آنان ریسمان الفت و اتحاد را گره زده است که در سایه آن آمد و شد کنند و به کف حمایت آن پناه گیرند این نعمتی است که احدی نمی‌تواند بهایی برایش بگذارد زیرا از هر بهایی گران قدر تر و از هر چیزی پرارزشی، باارزش تر است. وحدت و همبستگی در هر جا و هر زمان و میان هر ملتی وجود داشته باشد برای آنان عزت و کامیابی و پیروزی فراهم می‌آورد و از سوی دیگر تفرقه و تشتت و اختلاف و چنددستگی در هر جا و در هر گروهی رخ دهد ضعف و زبونی



امروز وجود مقدس حضرت حجت - ارواحنا فداه - در میان انسان های روی زمین، منبع برکت، منبع علم، منبع درخشندگی، زیبایی و همه خیرات است... برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند، ولی خدا، امام برحق، عبد صالح، بنده برگزیده در میان همه بندگان عالم و مخاطب به خطاب خلافت الهی در زمین، با او و در کنار او است، او را می بیند و با او مرتبط است.

خصوصاً اینکه در متون اسلامی بر این اصل تأکید شده است مسلمانان به نص صریح قرآن برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آنها را به یکدیگر مرتبط می کند. با این وضع چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیبشان گشته استفاده نمی کنند؟

از نظر این گروه از علمای اسلامی هیچ ضرورتی ایجاب نمی کند که مسلمین بخاطر اتحاد اسلامی، در مورد اصول یا فروع مذهبی خود، صلح و مصالحه و گذشت کنند، همچنانکه ایجاب نمی کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلاف بین خود بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند.

آنچه مخصوصاً مرحوم آیت الله العظمی بروجردی بدان می اندیشید این بود که زمینه را برای پخش و انتشار معارف اهل بیت در میان برادران اهل سنت فراهم کند و معتقد بود که اینکار جز با ایجاد حسن و

تفاهم امکان پذیر نیست.

به هر حال طرفداری از موضع «اتحاد ملی» ایجاب نمی کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود. آنچه نباید بصورت بگیرد کارهایی است که احساسات و تعصبات و کینه های مخالف را بر می انگیزد اما بحث علمی، سر و کارش با عقل و منطق است نه عواطف و احساسات.

«خوشبختانه در قرن حاضر محققان بسیاری در شیعه و اهل سنت پیدا شدند که از همین روش پسندیده پیروی می کردند»

در شیعه: مرحوم علامه سید شرف الدین عاملی و علامه کبیر آیه الله شیخ محمد حسین کاشف العطاء و علامه شیخ عبدالحسین امینی صاحب کتاب گرانسنگ الغدیر و آیه العظمی بروجردی

و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرح مفترقات آنها - که نه معقول است و نه مطلوب و عملی نیست. منظور این دانشمندان متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.

(شاید استفاده مقام معظم رهبری از تعبیر «انسجام اسلامی» در چند سال اخیر و همچنین نام گذاری سال ۸۷ به سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» به خاطر تبیین موضوع و جواب به شبهاتی بوده است که در این زمینه القامی شود.) این دانشمندان می گویند مسلمین مایه وفاهای بسیاری دارند که می توان مبنای یک اتحاد محکم گردد. مسلمین همه خدای یگانه را می پرستند و همه به نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایمان و اذعان دارند کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است، با هم و مانند هم حج می کنند، نماز می خوانند، مانند هم

روزه می گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می دهند، داد و ستد می نمایند، کودکان خود را تربیت می کنند و اموات خود را دفن می نمایند و جز در اموری جزئی و خاص، در این کارها با هم تفاوتی ندارند. مسلمین همه از یک نوع جهان بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم و باشکوه و سابقه دار شرکت دارند.

وحدت در جهان بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در معتقدات مذهبی، در پرستش ها و نیایش ها، در آداب و سنن اجتماعی می تواند از آنها ملتی واحد بسازد و قدرتی عظیم به وجود آورد که قدرت های عظیم جهان در برابر آنها خضوع نمایند.

غیر شرعی» پنداشتند که «اقتضائاتی» در انقلاب اسلامی آن را به وجود آورده که لازم نیست چندان به آن پایبند بود. از این نظر این نوشته، نگاهی است تحقیقی به روایت و سیره عملی ائمه معصومین علیهم السلام که در آن ابعاد مختلف نگرش آن بزرگواران را نسبت به موضوع وحدت و انسجام اسلامی بیان می دارد و مشخص می نماید که انسجام امت اسلامی از دستورات و تکالیف عظیم شرعی است که اهل بیت علیهم السلام در تبیین و ترویج آن بسیار کوشیده اند.

ذکر این نکته مهم ضروری است که مبنای این نوشتار نامه بررسی آن دسته از سخنان و سیره ائمه علیهم السلام اختصاصی دارد که صراحت در وحدت بین شیعه و اهل سنت دارد و گرنه آنچه از آن بزرگواران در باب وفاق اجتماعی و برادری و پرهیز از تفرقه و اختلاف ذکر شده است بسیار پیش از آن است که در اینجا در مورد آن بحث شود.

مقصود از وحدت اسلامی

آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود؟

یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود و مقدمات آنها کنار گذاشته شود و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟

یا اینکه وحدت اسلامی - هیچ ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف در عین اختلافات مذهبی در برابر بیگانگان است؟

مخالفان اتحاد مسلمین برای اینکه از «وحدت اسلامی» مفهومی غیر منطقی و غیر عملی بسازند آن را به نام «وحدت مذهبی» توجیه می کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد. بدیهی است منظور علما و فقهای اسلامی از وحدت اسلامی حصر مذاهب به یک مذهب



**بعد از پیروزی انقلاب
اسلامی ایران و حاکمیت
اسلام ناب محمدی صلی
الله علیه و آله و سلم در ایران
باز رهبری و زعامت مرحوم
امام خمینه (ره) حفظ
وحدت و انسجام مسلمین
از اصول و ارزشهای اصلی
انقلاب به حساب آمد که در
واقع نشأت گرفته از همان
سیره تعالیم اهل بیت
علیهم السلام بوده**





نیست بطوری که گفته شده اسلام بقاء و ثبوت خویش را بیش از آنکه مدیون شمشیر حضرت علیعلیه السلام باشد مدیون صبر جمیل و مقتدرانه ۲۵ ساله ایشان است. چنانکه خود حضرت می فرمودند:

وَأَيُّ اللَّهِ لَوْلَا مَخَافَةُ الْفِرْقَةِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَأَنْ تَعُودُوا إِلَى الْكُفَى وَبَيُورِ الدِّينِ لَكُنَّا عَلَى غَيْرِ مَا كُنَّا لَهُمْ عَلَيْهِ.

الجمل - شیخ مفید ص ۲۳۴

به خدا سوگند اگر بیم وقوع تفرقه میان مسلمین و بازگشت آنها به کفر و تباهی دین نبود رفتار ما با آنان به گونه ای دیگر بود. قبل از حرکت حضرت به سوی بصره در خطبه ای فرمودند:

است نه در ضروریات و اصول دین ۲۰. اما کسانی که یکی از اصول دین را انکار می کنند مانند غالیان که اصل توحید را انکار می نمایند یا یکی از ضروریات دین را انکار کرده اند مانند ناصبیان، چنین افراد و گروه هایی از دایره اسلام خارج شده اند و مشمول روایات ناظر به وحدت اسلامی نیستند.

لذا بایستی حساب مخالفان مذهبی را از معاندان، فرقه های انحرافی و فاسقانی که راه و رسم و رفتار آنها نوعی شورش علیه عقاید مسلم جامعه دینی و یکپارچگی امت اسلامی است جدا کرد.

امروزه متأسفانه بعضی از غافلان یا جاهلان

اصرار دارند به بهانه وحدت

یا گفتگوی تمدن، با فرقه

های ضالّه و معلوم الحال که

نه تنها از دایره اسلام خارج

اند بلکه سالهاست عناد و

دشمنی و کینه توزی آنها

نسبت به مقدسات اسلامی

و ارزشهای این نظام ولایی

جمهوری اسلامی ایران بر

همگان ثابت شده است،

دست بیعت و همراهی و

اتحاد بدهند در حالیکه به

نص فرمایشات نورانی قرآن

کریم این دوستی و این اتحاد

مطرود و ممنوع است. یا ایها

الذین آمنوا لاتتخذوا عدوی و

عدو کم اولیاء تللقون الیهم بالمودته و قد کفروا

بما جاء کم من الحق. سوره ممتحنه / آیه ۱

امیر المؤمنین علی علیه السلام طلایه دار

وحدت اسلامی

بدون شک نقش امیر المؤمنین علی علیه السلام در برقراری وحدت اسلامی و جلوگیری از تفرقه و تشتت میان مسلمینی از واقعیات مهم تاریخی است که کسی را یارای انکار آن

و در اهل سنت علامه شیخ عبدالمجید سلیم و علامه شیخ محمود شلتوت را باید نام برد.

آنچه این بزرگان در نظر داشتند این بود که فرقه های اسلامی در عین اختلافات که در کلام و فقه و غیره با هم دارند به واسطه مشترکات بیشتری که در میان آنها هست می توانند در مقابل دشمنان خطرناک اسلام دست برادری بدهند و جبهه واحدی تشکیل دهند. این بزرگواران هرگز در صدد طرح وحدت مذهبی تحت عنوان وحدت اسلامی - که هیچ گاه عملی نیست - نبودند.

معنی وحدت جبهه این است که احزاب و دسته جات مختلف در عین اختلاف در

مسلك و ایدئولوژی و راه و

روش به واسطه مشترکاتی

که در بین آنها هست در مقابل

دشمن مشترک در یک صف

جبهه بندی کنند و بدیهی

است که صف واحد در برابر

دشمن تشکیل دادن، با اصرار

در دفاع از مسلک خود و انتقاد

از مسلک های برادر و دعوت

سایر برادران هم جبهه به

مسلك خود، به هیچ وجه

منافات ندارد. ۱

وحدت در دایره اسلامی:

در اینجا ممکن است این

شبهه به وجود آید که با توجه

به معنایی که در مورد وحدت

و انسجام اسلامی بیان شد آیا باید وحدت را به

تمام فرق اسلامی مانند ناحبیان، غالیان، و

حتی فرقه های نو ظهوری چون وهابیت تسری

داده آنها را نیز برادران دینی بنامیم؟!!

در جواب باید گفت: منظور از وحدتی که از

روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام استنباط

می شود وحدت با گروه هایی است که به نص

روایات هنوز در دایره اسلام باقی هستند و

اختلاف ما با آنها در ضروریات و اصول مذهب



... یکی از آن خورشیدهای فروزان، به فضل و کمکت پروردگار و به اراده الهی، امروز در زمان ما به عنوان «بقیه الله فی ارضه» - به عنوان «حجه الله علی عباده» - به عنوان «صاحب زمان» و «ولی مطلق الهی در روی زمین» وجود دارد. برکات و وجود او، **عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّلَامُ** انوار ساطعه از وجود او، امروز هم به بشر می رسد... این خورشید معنوی و الهی بازمانده اهل بیت علیهم السلام است.

بر دیگران سستی نرود [آن را وا گذاشته] و تسلیم و [این بدین سبب است] که پاداش چنین فضیلت و عملی را از خدا می طلبم و در آنچه شما باخاطر زیور و زینتت با دیگران رقابت می کنید زهد می ورزم.

حق را اگر توانی بگیر و در حقی که تو را از آن منع کرده اند یا با غم و اندوه صبر کن و یا با حسرت بمیر!

«در عین حال این تظلم ها موجب نشد که حضرت از صف جماعت مسلمین در مقابل بیگانگان خارج شود. سهم خویش را از غنایم جنگی آن زمان دریافت می کرد، از ارشاد خلفا دریغ نمی نمود، طرف شور قرار می گرفت و ناصحانه نظر میداد.

در جنگ مسلمین با ایرانیان که خلیفه وقت مایل است خودش شخصاً شرکت نماید حضرت به او فرمودند شرکت نکن زیرا تا تو در مدینه هستی دشمن فکر می کند فرضاً اگر سپاه میدان جنگ را از بین ببرد، از مرکز مدد می رسد ولی اگر شخصاً به میدان نبرد بروی خواهند گفت هذا أصل العرب. ریشه و بن عرب این است. نیروهای خود را متمرکز می کنند تا تو را از بین ببرند. باروحیه قوی تری به نبرد با مسلمان ها خواهند پرداخت.

خطبه ۱۴۶ نهج البلاغه

حضرت علی (ع) در عملی نیز همین روش را دارد. از طرفی شخصاً هیچ پستی را از هیچ یک از خلفا نمی پذیرد. نه فرماندهی جنگ و نه حکومت یک استان و نه امامه الحاج و نه چیز دیگری از این قبیل را، زیرا قبول یکی از این پستها به معنای صرف نظر از حق مسلم خویش است و به عبارت دیگر کاری بیش از همکاری و همگامی وحدت اسلامی است. اما در عین

در گلویم.

در داستان شورای ۶ نفره، چون عباس عمومی حضرت می دانست که نتیجه چیست از علی (ع) خواست که در جلسه شرکت نکند اما مولا با اینکه نظر عباس را از لحاظ نتیجه تأیید می کرد پیشنهاد او را نپذیرفت و فرمود:

انی اکره الخلاف.

شرح ابن ابی الحدید - ج ۱ - ص ۱۹۱
ابن ابی الحدید در ذیل خطبه ۶۵ نقل می کند:
(قابل توجه شعرای محترم و گرانقدر)
یکی از فرزندان ابولهب اشعاری مبتنی بر فضیلت و ذی حق بودن مولا علی (ع) و بر دم مخالفانش سرود مولا او را از سرودن این

گونه اشعار که در واقع نوعی تحریک مخالفین بود نهی کرد و فرمود:

سلامه الدین أحب الینا من غیره.

شرح ابن ابی الحدید ج ۶ - ص ۲۱
امیرالمؤمنین علی علیه السلام از اظهار و مطالبه حق خود و شکایت از رباوندگان آن خود داری نکرد بلکه با کمال صراحت ابراز داشت و علاقه به اتحاد اسلامی را مانع آن قرار نداد. خطبه های فراوانی در نهج البلاغه شاهد این

مدعاست در خطبه ۷۴ نهج البلاغه: حضرت فرمودند:

لقد عَلَّمْتُمُ آتَى أَحَقَّ النَّاسِ بِهَا مِنْ غَيْرِي وَوَاللَّهِ لَأَسْلِمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جُورٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً التَّمَاثُلُ لَأَجْرِ ذَلِكِ وَفَضْلُهُ وَزَهْدُهُ فَيَمَا تَنَافَسْتُمُوهُ مِنْ زُخْرِفِهِ وَ زَبْرَجِهِ.

به تحقیق می دانید که من از دیگران به خلافت سزاوارترم. به خدا سوگند مادامی که کار مسلمان ها به سامان باشد و جز بر من



فَرَأَيْتَ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَيَّ ذَلِكِ أَفْضَلُ مِنْ تَفْرِيقِ كَلِمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ سَفْكَ دِمَائِهِمْ
با خود اندیشیدم و دیدم که صبر (بر محرومیت از حق خود) برتر است از به هم زدن وحدت مسلمین و ریخته شدن خونشان.
شرح نهج البلاغه - ابن ابی الحدید - ج ۱ - ص ۳۰۸

صبری که خود حضرت درباره اش در خطبه سوم نهج البلاغه (شفشقیه) چنین فرمودند:
فَرَأَيْتَ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَيَّ هَاتَا أَجْحَى فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ فِي الْحَقِّ شَجِي.
عاقبت دیدم که بردباری و صبر به عقل و خرد نزدیک تر است و شکیبایی ورزیدم ولی در حالی بودم که گویا خار در چشمم و استخوان



حال که خود پستی نمی پذیرد مانع نزدیکان و یارانش در قبول آن پستها نمی شود. زیرا قبول آنها صرفاً همکاری و همگامی است به جهت اتحاد مسلمین و به هیچ وجه امضای خلافت تلقی نمی شود. ۳.

سیره عملی امیرالمؤمنین در این زمینه خیلی دقیق است. جایی که دیگران می بریدند او وصل می کرد. آنها پاره می کردند و او می دوخت.

بعد از شهادت ۴ پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی ابوسفیان به منظور ایجاد اختلاف در

میان مسلمین، فرصت را مغتنم شمرد و خواست از نارضایتی مولا استفاده کند و انتقام خویش را از پیغمبر - به بهانه خیر خواهی و احترام به وصیت پیغمبر به وسیله وصی پیغمبر - بگیرد آمد در خانه حضرت علی علیه السلام و اشعاری چند در مدح حضرت سرود و گفت: دستت را بده تا من با تو بیعت کنم و دست تو را به عنوان خلیفه حق

مسلمین بفشارم. حضرت او را مذمت کرده و دست رده به سینه اش زدند و فرمودند: تو در پی کاری هستی که ما اهل آن نیستیم. تو جز فتنه و آشوب هدف دیگری نداری. تو مدتها بدخواه اسلام بودی، مرا به نصیحت و پند و سواره و پیاده تو نیازی نیست. ۵.

بعد فرمودند: شُقُوا امواج الفتن بسُقْنِ النَّجَاه ... (اشاره به حدیث معروف نبوی که فرموده : مثل اهل بیت من همانند کشتی نوح است هر که سوار شود اهل نجات است.)

هذا ماء آجن و لَقَمَه يَفْصُّ بها أكلها. این

زما مداری پیشنهادی ابوسفیان چون آبی بد مزه و لقمه ای گلوگیر است. خطبه ۵ نهج البلاغه

یادر حکمت ۳۱۷ نهج البلاغه در پاسخ فرد یهودی که با کنایه به حضرت اشاره کرد و گفت: ما دفتنم نبیکم حتی اختلفتم فیه. هنوز پیامبرتان را دفن نکرده در باره اش دچار اختلاف شدید.

حضرت فرمود: انما اختلفنا

عنه لافیه، درباره آنچه از او رسیده اختلاف کردیم نه درباره خود او اما شما یهودیان هنوز پایتان پس از نجات از دریای نیل خشک نشده بود که به پیامبرتان گفتند: برای ما خدایی قرار بده چنانکه بت پرستان خدایی دارند اجعل لنا الهاً کما لهم آلهه و پیامبرتان فرمود: انکم قوم تجهلون. (اعراف ۱۳۵)

این جواب مولا در برابر این دشمن اسلام، چنان قاطع و مستدل بود که در تاریخ آمده این یهودی تا آخر عمر، دیگر سخنی پیرامون اختلاف و فتنه انگیزی بین مسلمین به زبان جاری نکرد.

همه این واقعیت هاست که امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بزرگترین طلایه دار وحدت اسلامی قرار می دهد بزرگواری که خطاب به یکی از پیروانش - بُریده - فرمود:

بُریده! ادخل فیما دخل فیه الناس فان اجتماعهم أحب الرضی اختلافهم الیوم ای بُریده! داخل شو در آن چه جماعت مسلمین

سیره عملی امیرالمؤمنین در این زمینه خیلی دقیق است. جایی که دیگران می بریدند او وصل می کرد. آنها پاره می کردند و او می دوخت





پی نوشت:

۱. علامه شهید مطهری - امامت و رهبری ص ۱۷ و ۱۸
 ۲. حق آن است که نباید بین ضروریات مذهب و دین خلط شود و هر کدام از این دو حکم خاص خود را دارد. صاحبان مذاهب با افکار ضروریات آن از مذهب خاص خود خارج می شوند نه از دین اسلام. خروج از اسلام فقط با انکار ضروریات دین اسلام است که به انکار «شهادتین» منجر می شود. صراط النجاه فی أجوبه الاستفتائات. مرحوم آیت الله میرزا جواد تبریزی

۳. شهید مطهری - کتاب امامت و رهبری ص ۱۸ و ۱۹
 ۴. به شواهد تاریخ شیعه و اهل سنت اذعان دارند: ان رسول الله مات مسموماً. پیغمبر را مسموم کرده اند، پس پیغمبر به مرگ طبیعی نمرده است. فقط اختلاف در عامل مسمومیت است که ضربه ای به مدعی ما (شهادت حکومت پیامبر) نمی زند.
 ۵. تاریخ طبری به گزارش شرح ابن ابی الحدید. ج ۲ - ص ۴۵

تنها مورد بهره شیطان است همانطوری که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود.
 الأَمَن دَعَا هَذَا السَّعَادَ فَاقْتَلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ!
 آگاه باشید هر کس مردم را به این شعار - لا حکم الا لله - که نفی حکومت بوده و حاصل آن تفرقه و جدایی در امت - دعوت کند او را بکشید هر چند که زیر عمامه من باشد.
 آری همه این فداکاری ها و از خود گذشتگی های مولای آزادگان امیرالمومنین علیه السلام بوده که باعث وحدت صفوف

مسلمین شد و مسلمین نیز همه قوت خود را که تازه به جهانیان عرضه می کردند و مسلمین نیز همه قوت و قدرت خود را که تازه جهانیان عرضه می کردند مدیون این وحدت صفوف و اتفاق کلمه خود بودند چنانکه موفقیت‌های محیر العقول خود را در سالهای بعدی نیز از برکت همین وحدت کلمه کسب کردند.

ادامه دارد....

داخل شده اند زیرا اجتماع آن ها نزد من محبوب تر است از پراکندگی امروز آن ها. سید مرتضی الشافعی فی الامامه ج ۳ ص ۲۴۲ همچنان در نامه ای که به ابوموسی اشعری می نویسند فرمودند:

لَيْسَ رَجُلٌ - فَاعْلَمْ - أَحْرَصَ عَلَي جَمَاعَةِ أُمِّهِ مُحَمَّدٍ (ص) وَ أَلْفَتْهَا مِنِّي أَبْتَغِي بِذَلِكَ حُسْنَ الثَّوَابِ وَ كَهَمِّ الْمَأْب. نامه ۷۸ نهج البلاغه

بدان هیچ کس نیست که نسبت به وحدت و اتحاد امت محمد(ص) از من حریص تر و انشس به آن از من بیشتر باشد من در این کار پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می طلبم اختلاف و تفرقه بقدری در نگاه حضرت زشت و پلید می نماید که درباره آن فرمودند: در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه در مورد خوارج نهران:

إِيَاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ! فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّبِ
 از تفرقه و پراکندگی بپرهیزید چرا که انسان



فداکاری ها و آواز خود

گذشتگی های مولای

آزادگان امیرالمومنین علیه

السلام بوده که باعث حفظ

وحدت صفوف مسلمین

شد و مسلمین نیز همه قوت

خود را که تازه به جهانیان

عرضه می کردند



جامعه منتظر و نقش و جایگاه ساده‌زیستی کارگزاران

در عرصه مطالعات مهدوی «انتظار» و «زمینه‌سازی» که از آن به فراهم‌سازی مقدمات ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعبیر می‌شود، پیوندهای دوسویه‌ای



■ امیر محسن عرفان

دارند. بر اساس روایات مهدوی، جامعه منتظر قبل از ظهور جامعه‌ای است که مهبیای ظهور امام عصر علیه السلام است. و مهم‌ترین ویژگی جامعه منتظر قبل از ظهور «بلوغ اجتماعی» می‌باشد. شاخصه‌های بلوغ اجتماعی عبارتند از: رغبت اجتماعی؛ به معنای میل، اعتقاد و باور قلبی انسان‌ها به دولت کریمه مهدوی. شکایت اجتماعی؛ یعنی اعتراض و شکایت انسان‌ها به درگاه الهی به جهت غیبت رهبر و سرپرست آنها و به عبارتی دیگر شکایت از وضعیت موجود به درگاه الهی و استعانت اجتماعی؛ به معنای درخواست گشایش و فتح سریع از خداوند متعال. جامعه منتظر قبل از ظهور وضعیت مطلوبی است که بشر اگر به آن برسد حجت الهی را درک خواهد کرد. جامعه منتظر قبل از ظهور دارای ویژگی‌هایی در بینش، سلوک فردی و رفتاری و ارزش‌های اجتماعی است که این مختصر فرصت کاوش پیرامون آن را به ما نمی‌دهد. اما تحقق ارزش‌ها و رفتارهای متعالی اسلام در جامعه منتظر قبل از ظهور، جامعه را تعالی‌جو، تحول‌طلب، و مهبیای ظهور بار می‌آورد.

الگوی جامعه منتظر به عنوان یک راهکار برای تحول مثبت در جامعه اسلامی، تلقی شده است. راهبردهای مهدوی بدون در نظر گرفتن نقش و جایگاه جامعه منتظر قبل از ظهور مؤثر و تحول‌خواه نخواهد بود. در این نوشتار ضمن تبیین زمینه‌سازی ظهور، به بازترسیم ساده‌زیستی کارگزاران نظام به مثابه مهم‌ترین ویژگی آنان در جامعه منتظر اشاره می‌شود.

خداوند



اعتقاد به مهدویت، به وجود مقدس مهدی موعود - ارواحنا فداه - امید را در دلها زنده می کند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، نا امید نمی شود. چرا؟ چون می داند یک پایان روشن حتمی، وجود دارد... سعی می کند که خودش را به آن برساند.

زمینه سازی ظهور چشم انداز تشکیل
حکومت در روزگار غیبت

در تفکیک انقلاب ها از لحاظ آرمان ها ما با سه گونه انقلاب مواجهیم:

نخست: انقلاب هایی که غالباً در کشورهای مارکسیستی رخ می دهد که آرمان عالی و اولیه آن ها نیل به یک جامعه بی طبقه است؛ جامعه ای که در آن مساوات اقتصادی نمود کامل داشته باشد.

دوم: انقلاب هایی که تأسیس یک جامعه مبتنی بر آزادی فردی و رفاه شخصی را به عنوان آرمان متعالی خود برگزیده اند. جوامع به اصطلاح لیبرال، چنین فرآیندی را پشت سر گذاشته اند.

سوم: انقلاب هایی که اصل را بر تربیت «انسان های الهی» گذارده اند و تأسیس یک جامعه خداپسند را آرمان عالی خود قرار داده اند، در این انقلاب ها فقط تأمین معاش دنیوی و آسایش عمومی ملاک نیست، بلکه غرض اصلی به کارگیری این ابزار برای تحقق یک وضعیت متعالی تر در درون جامعه است و آن این که جامعه ای صالح و پاک ایجاد شود که افراد در آن بتوانند به تکامل معنوی خویش نیل آیند. انقلاب اسلامی ایران داعیه آن دارد که انقلابی تکاملی است و تا رسیدن به اهداف انبیا الهی ادامه دارد.

آموزه مهدویت از دیدگاه بنیانگذار انقلاب، فراتر از یک مسأله کلامی، اصلی است که در موضع گیری و اقدام یک مسلمان، نقش اساسی ایفا می کند. غایت حاکمیت ائمه معصومین علیهم السلام استقرار عدالت همه جانبه در جامعه بوده است که تلاش و مبارزه یا بی عدالتی و استقرار نسبی عدالت با برپا ساختن حکومت اسلامی زمینه های ظهور را فراهم سازند. پس اگر انتظار به تحول خواهی و انقلاب زایی تفسیر گردد، هر حرکتی و هر تحولی مطلوب نیست

تحول و تحرکی مطلوب است که زمینه ساز ظهور حجت الهی باشد. امام خمینی ره می فرماید:

ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان عج هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم: «عجل علی فرجه»، عجل، با کار شما باید تعجیل بشود،

شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او، و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می کند.

پدیده ظهور، گرچه یک رخداد فوق العاده و بی نظیر تاریخ بشریت محسوب می شود، ولی هرگز یک پدیده فرا طبیعی و بریده از اوضاع جاری در این عالم نیست، بلکه رخداد ظهور برای برپایی نظام عدل و تحقق حاکمیت همه جانبه دین اسلام، یک حادثه طبیعی مربوط به جامعه انسانی، برای سامان دادن به اوضاع و چگونگی زندگی است. بدیهی است که چنین رخدادی همانند

دیگر رخدادهای طبیعی، مقدمات و بسترهای خاص خود را می طلبد که بدون آن، تحقق چنین تحول عظیمی، امری ناممکن و انتظاری نامعقول است. اگر نهضت و انقلابی از نظر مکتب و ایدئولوژی دارای حدّ اعلای توانایی باشد، ولی از نظر نیروی اجرایی و پذیرش های اجتماعی کامل نباشد، طبیعی است



راهبردهای مهدوی
بدون در نظر گرفتن
نقش و جایگاه جامعه
منتظر قبل از ظهور
مؤثر و تحول خواه
خواهد بود



که انقلاب و نهضتی موقت است و به یک نتیجه عمیق نمی رسد.

امام خمینی ره، صدور انقلاب را برای هموار کردن راه ظهور منجی و مصلح کل جهان، وظیفه خویش دانسته و در پیامی می نویسد:

ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستم گران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی - صلی الله علیه و آله - است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران خاتمه می دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می کنیم.

به هر روی پیروزی انقلاب اسلامی خط بطلانی بر قرائت های ناصحیح و افراطی در اندیشه مهدویت بود. این نظریه پس از چهار دهه فعالیت، در نهایت در دهه ۶۰، به عنوان نظریه ای که توان کافی برای تحلیل واقعیت های اجتماعی را ندارد، به زوال نهاد. برداشت نادرست

از انتظار فرج، افزایش گناه، جهت تعجیل در ظهور آن حضرت و باطل شمردن تشکیل حکومت در دوران غیبت از مشخصه های اصلی این نظریه است. این نظریه با پیامدهای سوء بسیاری همراه بود که جدایی دین از سیاست، حرمت مبارزه علیه ظلم، روا داشتن محرمات و نفی حکومت و ترویج هرج و مرج از جمله



پدیده ظهور، گرچه
یک رخداد فوق العاده
و بی نظیر تاریخ بشریت
محسوب می شود، ولی
هرگز یک پدیده فرا
طبیعی و بریده از اوضاع
جاری در این عالم نیست



مستمندان را ناراحت نکند. امام راحل ره با پیروی از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند نه از سرمایه داران و زمینخواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی توانند بفهمند. کارگزاران نظام در جامعه منتظر، «دنیا» را محل گذر و مرحله امتحان و آزمایش

«ظلم ناپذیری»، «جایگاه متعالی شهادت در راه خدا»، «تلاش برای اصلاح اقتصاد و فرهنگ جامعه»، «امر به معروف و نهی از منکر»، «تولی و تبری»، «تعاون و همکاری»، «انفاق» و «اضطرار به حجت»، «فضیلت و ارزش جهاد و مبارزه» و «ساده‌زیستی» از جمله ارزش‌های اجتماعی جامعه منتظر است.

یکی از ویژگی‌های مهم کارگزاران نظام اسلامی در جامعه زمینه‌ساز، ساده‌زیستی است. ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌گرایی یکی از ارزش‌های پذیرفته مکتب انبیاء

است. از این رو رهبران الهی ساده زندگی می‌کردند و دیگران را نیز به این عنصر دعوت می‌کردند.

بی‌تردید برای کارگزاران رعایت ساده‌زیستی از دو جهت اهمیت دارد:

اول: آنکه آنان پاسداران ارزش‌های اسلامی هستند. از این رو باید الگو باشند.

دوم: ساده‌زیستی آنان موجب می‌شود که

کارگزاران با فقر و درد محرومان و فقیران جامعه بیشتر آشنا شده و سیاست‌هایی را در رفع مشکلات آنها و فقرزدایی اتخاذ نمایند. کارگزارانی که طعم تلخ فقر را نچشیده‌اند، نمی‌توانند درد فقیران و محرومان را درک کنند. از این رو است که امیرالمؤمنین علیه السلام فلسفه زهد و ساده‌زیستی حاکمان اسلامی را همدردی با فقیران و محرومان بیان می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَىٰ أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْدِرُوا أَنْفُسَهُمْ بضعفه النَّاسِ كَيْلَا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ؛ ۳ خداوند بر حاکمان عادل واجب کرده است که زندگانی خویش را در سطح مردم فقیر قرار دهند. تا رنج فقر،

آنان است. امام خمینی ره در این زمینه می‌فرماید: یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد... برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می‌کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما این است که دعا کنیم ایشان بیایند.

دوری از اشرافی‌گری و ساده‌زیستی مهم‌ترین

شاخصه کارگزاران در جامعه زمینه‌ساز

ساده‌زیستی و دوری از اشرافی‌گری در منش منتظرانه جای می‌گیرد. در این زمینه گفتنی است که جامعه زمینه‌ساز سه ویژگی مهم دارد. «بینش منتظرانه»؛ از جمله ویژگی‌های جامعه زمینه‌ساز است. مهم‌ترین و اصلی‌ترین بینش جامعه منتظر نگرش توحیدی و اعتقاد به یگانگی مبدأ هستی است. «گرایش منتظرانه»

از دیگر ویژگی‌های جامعه زمینه‌ساز است. مروری بر نظام رفتار فردی یک مسلمان و شکل‌گیری تدریجی نیروی ورع و تقوا در او، نشان می‌دهد چگونه یک «انقلاب درونی» در مسلمان حقیقی رخ می‌دهد و این انقلاب درونی، کاملاً زمینه را برای ورود به انقلاب بیرونی و جنبش اجتماعی مهیا می‌سازد.

«منش منتظرانه» نیز از دیگر ویژگی‌های جامعه زمینه‌ساز است. در این مختصر، مجال بررسی کامل این دستورها و رهنمودها وجود ندارد و اجمالاً باید مروری بر مهم‌ترین آنها داشته باشیم.



یکه از ویژگی‌های مهم

کارگزاران نظام اسلام در جامعه زمینه‌ساز، ساده‌زیسته

است. ساده‌زیسته و دوری

از تجمل‌گرایی یکه از

ارزش‌های پذیرفته مکتب

انبیاء است





ایمان و اعتقاد به امام زمان (عج)، مانع از تسلیم شدن است و ملت های با ایمانی که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس می کنند، از حضور او امید و نشاط می گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می کنند و با تکیه بر همین امید درخشان بود که ملت بزرگ ایران، پرچم اسلام را به اهتزاز در آورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد.

الاهی می دانند و برای رفاه و خوشی دنیا هیچ ارزش ذاتی قائل نیستند. شهوات و خواسته های زندگی را، عاملی برای آزمون انسان می دانند. آنان سختی ها و مضیقه های اقتصادی را ابزار ساخته شدن، و رشد انسان می داند که در دو راهی انتخاب میان پیگیری اهداف الهی و دستیابی به بر خور داری های مادی، بدون درنگ و تردید، جانب اهداف را می گیرند. این جاست که مهم ترین مانع ذهنی و اعتقادی برای تحول طلبی اجتماعی و جان نثاری در پیشگاه موعود آخر الزمان، از پیش پای یک فرد مسلمان برداشته می شود؛ او نه تنها مرگ در راه هدف را شکست و نابودی تلقی نمی کند که آن را هم عرض پیروزی قرار می دهد.

از نظرگاه مقام معظم رهبری، دوری مسئولان از تجمل گرایی و اشرافی گری از آرمان های انقلاب اسلامی است. او معتقد است خاستگاه ساده زیستی کارگزاران نظام در اصل عدالت می باشد. ایشان در این زمینه می فرماید:

اعتقاد جدی بنده این است که بسیاری از ناکامی های امروز ما در عرصه ی رسیدن به هدف های انقلاب و اداره ی مطلوب کشور، به خاطر کم اعتنائی به عدالت است. هر کدام از ما نسبت به خودمان اغماض می کنیم. اسم عدالت را می آوریم و به آن تحریض هم می کنیم؛ اما در مقام عمل نسبت به خودمان اغماض می نماییم. حالا قدری اغماض نسبت به خود، بر اثر نقص ها، کوچک بودن و کوتاهی های طبیعی ما قابل قبول است؛ اما ما نسبت به خودمان زیاد اغماض می کنیم. خیلی از امکانات و بر خور داری ها را برای خود روا می داریم که برای دیگران روا نمی داریم. ما این فرهنگ حاکم بر ذهن خودمان را باید عوض کنیم و مردم هم همین طور.

انتظار؛ توطئه و تهدیدها

اندیشه والای مهدویت آموزه ای قوی و پویاست که قابلیت ها و کارکرد دینی و اجتماعی آن بسیار گسترده و پرباست. جامعه‌ای که با این اندیشه عجین شده و نگاهی صحیح بدان دارد، بارقه امید و پویایی را در عمق خویش می‌پرورد و همراه با انتظاری فعال، حرکت مستمری به سمت بستر سازی جامعه آرمانی ظهور دارد. با وجود ارزشمندی فوق العاده این باور در فرهنگ دینی، متأسفانه برداشتهایی نادرست و یکسویه از منابعی که به توصیف آن پرداخته‌اند، موجب انحراف این اندیشه در برهه‌های تاریخی و یا نزد افراد و



زهیره دهقانی آرانی

گروه‌هایی از جامعه مومنین بوده و بستر سوء استفاده دشمنان این عقیده را هموار نموده است. در این نوشتار به نمونه‌هایی از این برداشته‌ها و پاسخهایی اجمالی بدانها می‌پردازیم.

۱- معنای انتظار چیست؟ (ایستایی یا تحرک، گوشه‌گیری یا فعالیت؟)
با نگاهی دقیق به روایات ائمه معصومین علیهم السلام در مورد انتظار در می‌یابیم انتظار واقعی، آماده باش و تحصیل آمادگی‌های لازم برای رسیدن به اهداف نظام آرمانی مهدوی است. انتظار ظهور، تنها یک حالت روحی نیست، بلکه عمل و کوشش است، یک حالت روحی جریان یافته و شکل گرفته‌ای است که از معرفت برخاسته و به اقدام و عمل می‌انجامد. به همین دلیل است که در توصیه ائمه به شیعیان در عصر غیبت انتظار رنگ و بویی ویژه به خود گرفته و با تقوا، خوش خلقی، همدلی با مؤمنان، دشمن-ستیزی و بسیاری اعمال دیگر همراه گشته است. به عنوان نمونه امام صادق ع در روایتی نسبتاً مفصل در این زمینه می‌فرماید:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجَدُّوا وَ انْتَظَرُوا هَنِئاً لَكُمْ أَيَّتْهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.

هر کس که خواسته باشد از یاران قائم (ع)

شود، باید که منتظر باشد و با پرهیزکاری و خوبیهای پسندیده عمل کند و اوست منتظر؛ پس هرگاه بمیرد و قائم پس از مردنش به پا خیزد، پاداش او مثل کسی خواهد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد. پس بکوشید و منتظر باشید، گوارا باد شما را ای جماعتی که مشمول رحمت خدا هستید. البته این گونه انتظار، آسان نیست و طبعاً برای بعضی ساده اندیشان که نگاهی یک سویه به احادیث





عقیده به امام زمان (عج) نمی گذارد مردم تسلیم بشوند- به شرطی که این عقیده را درست بفهمند. وقتی که این عقیده به طور حقیقی در دل ها جا بگیرد، حضور امام غایب در میان مردم حس می شود.

دارند و یا عده‌ای راحت طلبان که فعالیت را خوش نمی‌دارند، به سختی مورد پذیرش قرار می‌گیرد. علاوه بر این دشمنان باور مهدویت نیز با رواج این نگاه به انتظار شدیداً به موضع می‌گیرند و آنرا تخطئه می‌نمایند چراکه جامعه‌ای که با این نگاه رشد کند، دیگر ساکت و آرام نیست و هر زمان در تلاش است وظیفه خود را در عرصه فردی و اجتماعی به انجام

رساند و عدم حضور امام را بهانه بی‌عملی و گوشه‌نشینی نمی‌نماید. چنین جامعه‌ای که منتظر حکومتی عادلانه است، ظلم را در عرصه اجتماع نمی‌پذیرد و در برابر آن موضع می‌گیرد؛ چنین منتظری برون و درون خویش را آب و جارو می‌زند تا میهمان خویش را بپذیرد و در یک کلام خود را «آماده» می‌کند. نتیجه چنین انتظاری فراهم آمدن بسترهای لازم برای استقرار حکومت نهایی خوبی‌هاست. مقام معظم رهبری همین معنا را به صورت متعدد در سخنرانیهای خویش مطرح نموده‌اند به عنوان نمونه ایشان در بیاناتی می‌فرمایند:

انتظار فرج، انتظار دست قاهر قدرتمند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطره‌ی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده‌ی واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود... انتظار معنایش این است. انتظار حرکت است؛ انتظار سکون نیست؛ انتظار رها کردن و نشستن

برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست... انتظار آمادگی است. ...انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصلاة والسلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن. آن انقلاب بزرگ تاریخی برای آن هدف انجام خواهد گرفت. و او عبارت است از ایجاد عدل و داد، زندگی انسانی، زندگی الهی، عبودیت خدا؛ این معنای انتظار فرج است.

این چنین انتظاری است که در روایات اهل بیت ستوده شده و برترین اعمال خوانده می‌شود. منتظر واقعی دیگر میان دوران حضور و غیبت فرقی نمی‌بیند و خود را در محضر امام خویش می‌انگارد؛ معرفت خویش را نسبت به ولی خدا بالامی‌برد و رفتار خود را با محک خواسته امامش می‌آزماید. به همین دلیل نیز بهترین افراد امت لقب می‌گیرد و بالاترین عبارات توسط امام معصوم ستایش می‌شود:

يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ فَصَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ... أَوْلَيْكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشَيْعَتَنَا صِدْقًا وَالِدَعَاةُ إِلَيَّ اللَّهُ سِرًّا وَجَهْرًا

ای ابا خالد! مردم زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند از مردم هر زمانی برترند، زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا فرموده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است، ... آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما و داعیان به دین خدای تعالی در نهان و آشکارند.



ای دل بشارت می‌دهم خوش یا درد و غم
 طی می‌شود، یا شهر یاری می‌رسد
 ای منتظر! غمگین مشو، قدری
 تحمل بیشتر
 گردی به پا شد در افق، گویی
 سواری می‌رسد
 ۲- آیا تشکیل حکومت
 اسلامی در دوران غیبت از
 طرف ائمه منع شده است؟
 از آسیب‌های مهم در
 فرهنگ مهدویت، تفسیرها
 و برداشت‌های نادرست از
 موضوعات این فرهنگ
 اسلامی است. درک و دریافت
 غلط از مفهوم «انتظار» سبب
 شده است بعضی گمان کنند
 که چون اصلاح جهان از

فساد به دست امام عصر (علیه السلام)
 خواهد بود، در برابر تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها
 هیچ وظیفه‌ای نداشته و باید بی‌تفاوت بود و
 دست روی دست گذاشت چرا که همه چیز بر
 عهده‌ی ایشان است. جالب آنست که برخی
 این دیدگاه را به روایات نسبت داده و مدعی
 می‌شوند این گونه رفتار همان چیزی است
 که ائمه‌علیه‌م السلام از ما در دوران غیبت
 طلب نموده‌اند. این نوع انتظار، انتظار منفی
 یا ویران‌گر است که امام خمینی (ره) در
 این باره دسته‌های مختلفی را بر شمرده‌اند:
 ۱- افرادی که انتظار فرج را به نشستن در
 مسجد، حسینیه، منزل و دعا کردن برای
 فرج می‌دانند، این‌ها مردم صالحی هستند که
 به تکالیف شرعی خود عمل می‌کنند لکن به
 فکر این نیستند که برای فرج کاری باید کرد.
 ۲- بعضی دیگر انتظار فرج را این گونه معنا
 می‌کنند که ما به این که در جهان و بر ملت
 چه می‌گذرد، کار نداشته باشیم. تنها تکالیف
 خود را ادا کنیم تا حضرت بیایند و *إن شاء الله*
 همه چیز را دنبال کنند.

۳- عده‌ای نیز می‌گویند عالم باید پر از
 معصیت بشود تا حضرت بیایند، ما نباید امر
 به معروف و نهی از منکر
 کنیم تا گناه زیاد و فرج
 نزدیک شود.

۴- یک دسته هم از این
 فراتر رفته و می‌گویند: باید
 به گناه دامن زد، باید مردم
 را دعوت به گناه کرد تا دنیا
 پر از ظلم و جور بشود و
 حضرت تشریف بیاورند.

۵- افرادی نیز معتقدند که
 اصلاً هر حکومتی که در
 زمان غیبت محقق شود،
 حکومتی باطل و بر خلاف
 اسلام است. این دسته از
 افراد به بعضی از روایات

موجود در این زمینه استناد کرده‌اند، مانند
 روایت زیر که ابا بصیر از امام صادق (علیه
 السلام) نقل کرده است:

كُلُّ رَأْيَةٍ تَرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا
 طَاغُوتٌ يَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
 هر پرچمی که پیش از قیام قائم علیه
 السلام برافراشته شود صاحب آن
 طاغوتی است که در برابر خدا
 پرستیده می‌شود.

در مورد این روایت و روایات
 مشابه توجه به نکات زیر
 ضروری است:

أ. با توجه به متن روایت و البته
 نگاه به روایات دیگر این باب
 مشخص می‌شود منظور از *عَلَمٌ*
 در اینگونه روایات، *عَلَمٌ* مهدوی
 است نه حکومت اسلامی.

ب. در این روایت، پرچم‌هایی که به
 خاطر دعوت به خویشستن برافراشته
 شود، محکوم به بطلان و غیر قابل اطاعت
 می‌باشند. این‌ها قیام‌هایی است که در مقابل

حضرت ولی عصر (علیه السلام) واقع شده‌اند
 و رهبر چنین قیام‌هایی طاغوت است. ولی
 پرچم‌هایی که در مسیر و جهت اهداف امام
 زمان (علیه السلام) باشند، مورد انکار قرار
 نگرفته‌اند و دعوت آن‌ها به قیام برای در هم
 شکستن باطل و به دست گرفتن اداره‌ی
 کشور و واگذاری آن به کسانی است که در
 حقیقت، حکومت، حق آنان می‌باشد، همانند
 قیام زید که از سوی امامان معصوم (علیهم
 السلام) مورد تمجید و تعریف قرار گرفته
 است.

ج. در صورت پذیرش این امر، باید در دوران
 غیبت بسیاری از احکام اسلامی - از جمله
 احکام اجتماعی و سیاسی - را



آرزوی همه بشر، وجود چنین عنصر والایی است. عقده های فرو خورده انسان ها در طول تاریخ، چشم به انتهای این افق دوخته است- تا انسان والا و برگزیده ای از برگزیدگان خدا بیاید، نار و بود ظلم و ستم را - که انسان های شریپر در همه تاریخ تنبیده اند - از هم بدرد.

تعطیل شده قلمداد کنیم حال آنکه عمومیت آن احکام در طول زمان امری مسلم است. سستی، بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به شرایط جامعه، سر تسلیم فرود آوردن در مقابل بدی‌ها و ستم‌ها، بازپچه‌ی سیاست‌بازان و منحرفان شدن و مقابله با هر حرکت اصلاحی، همه از نتایج این دیدگاه در مورد انتظار است. و البته عجیب نیست برخی از کسانی که مبلغ این دیدگاه بوده‌اند در طول تاریخ حاضر به کمک به نظام ظالم حاکم بوده‌اند و خود را ناچار بدین کار می‌انگاشته‌اند و عملاً در مسیری قدم می‌گذاشته‌اند که مخالف هدف نهایی نظام مهدوی است.

۳- آیا مهدویت اندیشه‌ای

شیعی است یا دیگر فرق اسلامی نیز بدان باور دارند؟

مهدویت اندیشه‌ای اسلامی است که اغلب فرق اسلامی بدان باور دارند. دلیل این اعتقاد را می‌توان در احادیث متعددی دانست که از پیامبر گرامی اسلام ص در این موضوع وارد شده و در منابع اسلامی به ثبت رسیده است. این احادیث تنها مختص منابع شیعی نیست بلکه برخی از پژوهشگران نام ۱۶۰ نفر از علمای اهل سنت را - که تألیف مستقلی درباره‌ی امام مهدی علیه السلام داشته یا

عبارت است از:

ا. اصل مهدویت: به عنوان مثال حافظ ابن حجر عسقلانی می‌گوید: تواتر الاخبار بان مهدی من هذه الامه؛ (فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲) اخبار به حد تواتر دلالت دارد بر اینکه مهدی علیه السلام از این امت (اسلام) است.

ب. جهانی بودن دعوت و حکومت مهدی علیه السلام: حدیث معروف پرشدن جهان از عدالت مهدوی پس از دوران سراسر ظلم و جور در کتابهای حدیثی همه فرق اسلامی ذکر شده است.



درسالمهای اخیر نهضت مهدی خواه و توجه به احادیث مهدویت در میان مسلمانان کشورهای اسلامه پرننگ شده و گروههای زیادی نام جیش المهدی بر خود گذارده اند و یا از احادیث مهدویت در جهت تایید حرکت سیاسی خود بهره می‌برند



ج. از نسل فاطمه س بودن مهدی علیه السلام

د. عدالت فراگیر ایشان

ه. هم نام بودن و هم کنیه بودن ایشان با رسول خدا ص

و. همراه بودن عیسی ع با مهدی ع و یاری نمودن وی

نکته مهم اینکه در سالهای اخیر نهضت مهدی خواهی و توجه به احادیث مهدویت در میان مسلمانان کشورهای اسلامی پرننگ شده و گروههای زیادی نام جیش المهدی بر خود گذارده‌اند و یا از احادیث مهدویت در جهت تایید حرکت سیاسی خود بهره می‌برند. نکته جالب این است که غالب این توجهات در بخشی از جهان اسلام بوده که سنی مذهبند و ضدیت برخی از این گروهها با شیعه معروف و مشهود است.

۴- چگونه می‌توان اندیشه مهدویت را از تحریف و خرافه و ادعا مصون داشت؟

هر امر مهمی به اندازه اهمیتش در معرض خطرها و آسیب‌هاست. مقوله مهم مهدویت هم از این قاعده برکنار نیست. خرافه، تحریف

احادیث مربوط به آن حضرت را در کتابهای خود آورده‌اند - بیان کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به جامع معمر بن راشد، فتن نعیم بن حماد، مسند احمد بن حنبل، سنن ابن ماجه و ترمذی اشاره نمود. اگرچه عنوان مهدی به صورت صریح در صحیح بخاری و یا صحیح مسلم ذکر نشده ولی حتی در این دو کتاب نیز به صورت ضمنی به وجود ایشان اشاره شده است.

اگرچه میان علما و گروههای اسلامی در مورد ویژگیهای مهدی تفاوت دیدگاه وجود دارد ولی با ملاحظه احادیث مورد قبول فرق اسلامی مواردی را به عنوان مشترکات اعتقادی ایشان در مورد امام مهدی ع می‌توان برداشت نمود. البته موارد اختلافی چندی نیز میان گروههای اسلامی در مورد امام مهدی ع وجود دارد که قابل چشم‌پوشی است. تعدادی از موارد اشتراکی



و ادعای نادرست از جمله آسیبهای برداشت نادرست و سوء استفاده از باور مهدوی است لزوم مبارزه جدی با این آسیبها در عصر ما اصلی‌ترین دغدغه‌هاست؛ خصوصاً آن‌جا که بحث باورهای اصیل و سرنوشته‌ساز دینی، هم‌چون مقوله مهم مهدویت در میان باشد. هر چند فرهنگ اصیل مهدویت، هم‌چون آبی است که هر جا فرود آید، پیام‌آور زندگی و زیبایی است، زمانی که بسترهای آلوده و دستان ناپاک در بین باشد، به تدریج صفا و پاکی نخستین خود را از دست می‌دهد. بنابراین مبارزه با آسیبهایی همچون خرافه، تحریف و ادعاهای ناپاک، جهت پاسداشت و تقویت باور مهدویت امری ضروری است. در ادامه به صورت مختصر هر یک از این موارد را توضیح داده و راه مقابله با هر یک بیان می‌گردد:

خرافه

در اصطلاح دینی خرافه دور شدن آگاهی دینی از هدف خویش است؛ این‌که فرد دیندار تنها به کارها و حرکات پیروان که معتقد است در سعادت او نقش دارند حال آنکه واقع

امر چنین نیست و آن اعمال تنها شکل دینی گرفته‌اند و از درون تهی هستند. خرافات را می‌توان در ۲ گونه کلی دسته‌بندی نمود: خرافات فردی (که یک فرد یا گروهی کوچک بدان معتقدند) و خرافات اجتماعی (که کل جامعه یا بستر وسیعی از جامعه را درگیر می‌کند). دامنه عملکرد و تاثیر این خرافه نیز متفاوت است به عنوان مثال اگر فرد یا گروهی کوچک در یک روستا به درخت یا خانه‌ای کوچک رنگ مهدوی بدهند و آنرا به واسطه امری مشکوک (همچون خواب و رویا) تقدس قائل باشند، این تقدس و احترام تنها در سطحی کوچک است ولی اگر همین امر در بستر اجتماعی بزرگتر مطرح شود و بر مرکب رسانه‌های جمعی نیز سوار شود، گستره تاثیر و باورداشت آن وسیعتر خواهد بود. نکته قابل دقت در مورد برخی خرافات آنست که معمولاً این خرافات ابتدا بر پایه‌ای ظاهراً صحیح و مورد قبول شکل می‌گیرند ولی در طول زمان شکلی نادرست می‌پذیرند و از کارکرد اولیه خویش دور می‌شوند. برای مبارزه با خرافات به ویژه در حوزه مهدویت

ابتدا باید بسترهای آنرا شناخت و آنها را برطرف ساخت. معمولاً خرافات در بستر فقر فرهنگی، تعالیم ناقص و نادقیق دینی، رشد احساس گرای افراطی و البته دستهای ناپیدای دشمنان پدیدار می‌شود بنابراین می‌بایست این عوامل را به دقت پایش کرد و با این عوامل مقابله نمود؛ بدین ترتیب که آموزه‌های مهدوی را به نحوی صحیح به همه‌آحاد جامعه آموزش داد، مبلغان دینی را به تبیین صحیح معارف دینی واداشت و ایشان را از تشدید احساس گرای منهای معرفت و ایجاد شور بدون شعور بازداشت و در آخر راه نفوذ دشمنان را بر تعالیم و آموزه‌های دینی بست.

تحریف

یکی دیگر از آسیبهای فرهنگ مهدوی تحریف آموزه‌های آن است. دامنه تحریف و عملکرد آن در مذهب، گستره‌ای وسیع است ولی آنچه از این آسیب در این روزگار به عنوان خطری مهم علیه باور مهدوی سر بر آورده است، تحریف معنایی و مفهومی است. منظور از تحریف مفهومی، قلب معنای یک عقیده است بدین صورت که باوری که توسط قرآن و حدیث به ما رسیده به صورتی معناشود که مدنظر شارع نبوده و کارکرد آن تغییر یابد. این نوع تحریف دلایلی بسیار دارد از جمله عدم تسلط به علوم قرآن و حدیث، عدم جامعیت، جزئی‌نگری یا کلی‌نگری صرف، روشن‌فکری یا دگم‌اندیشی و متأسفانه به واسطه وجود این عوامل امروزه شاهدیم در عرصه اندیشه مهدویت نیز تحریفاتی رخ داده است. اگرچه برخی از این موارد را می‌توان کم‌اثر و محدود دانست ولی متأسفانه برخی تحریفات و انحرافات رنگی اجتماعی و اثرگذار به خود گرفته و جامعه ایمانی را به خود مشغول ساخته است. مناسب است دو نمونه عینی این تحریفات در عرصه مهدویت بیان شود. به عنوان مثال سالهای پیش از انقلاب گروهی باهدف مبارزه با





همه مسلمانان، حقیقت مهدی موعود را، از طریق روایات خدشه ناپذیری که از نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و اولیای دین رسیده است، قبول دارند.

ادعا:

در طول تاریخ اسلام افراد و گروههایی با استفاده از بستر مذهبی جامعه سعی در سوء استفاده از باورهای دینی مردم نموده و از متون دینی به عنوان پوشش تعلیم و ادعاهای ناصحیح خود بهره برداری کرده‌اند. در دوران غیبت امام عصر ع و به واسطه کوتاهی دست جامعه شیعی از امام حاضر، این مساله رنگ عیانتری به خود گرفته و این ادعاها گاه تا بدانجا پیش رفته که مدعی خود را در جایگاه نائب، باب، فرمانده سپاه، فرزند و حتی خود امام نشانده و چند صباحی عده ای جاهل را بدین طریق

بهایت تشکلی اسلامی به نام انجمن حجتیه را تشکیل داده و به فعالیت در این عرصه مشغول گشتند. اصل فعالیت این گروه مطلوب بوده و توفیقات خوبی نیز حاصل گردید ولی متاسفانه همزمان با شکل گیری نشانه های قیام مردم مسلمان ایران علیه نظام حاکم پهلوی، برخی گردانندگان این تشکل علم مقابله با اندیشه های انقلابی شیعه را بر افراخته و با دست یازیدن به برخی احادیث مردم را از ورود به عرصه مبارزه با ظلم و ستم بر حذر داشتند. این گونه برداشت از احادیث تحریفی آشکار در مفاهیم مهدویت بود چرا که با نگاهی یکسویه تعدادی احادیث - که در جایگاه خاصی می بایست معنا شوند - اخذ شده بودند و خیل عظیم آیات و روایات معارض آنها نادیده گرفته شده بود. از آنجا که این برداشت مطلوبیت بالایی توسط نظام پهلوی داشت، به این تفکر دامن زده می شد و این گروه آزادانه به فعالیت های خود مشغول بودند. اگر چه با روشنگری علمای بزرگوار هم چون امام خمینی و نیز آگاهی مردم راه بر این تفکر بسته شد و انقلاب اسلامی پیروز گشت ولی متاسفانه این تفکر در لایه هایی از اقشار مذهبی باقی ماند و هنوز رگه هایی از آن را در برخی گفتارها و رفتارهایی توان مشاهده نمود. از دیگر نمونه های تحریف در معارف مهدوی را می توان تفکرات انحرافی دانست که امروزه با تمسک به برخی احادیث ضعیف و نامطمئن، در صدد تبیین و تطبیق در عرصه مهدویت است.

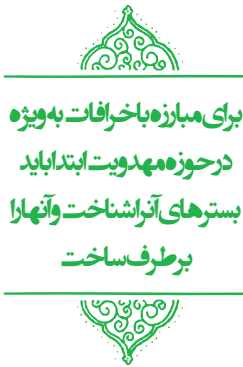
راه مبارزه با تحریف در باور مهدوی تبیین صحیح این باور در میان مردم است. معارف والای مهدویت دارای ریزه کاریها و جنبه های مهمی است که عدم توجه به آنها باعث لغزش و برداشت اشتباه می گردد لذا می بایست همگام با مطالعه دقیق مبانی دینی، تبیین این معارف را تنها از علمای بزرگوار و متخصص فن در خواست نمود و از ساده انگاریها و برداشتهای ناقص اجتناب نمود.

به سمت خود را داشته است.

نکته مهم در موضوع مدعیان این است که این موارد در طول تاریخ عصر غیبت در بازه های زمانی مختلفی تکرار شده و بنا به بسترهای اجتماعی آن بعضا موفقیتهایی نیز داشته اند که البته با تلاش علمای گرانقدر اسلامی

پوچی دعاوی ایشان آشکار شده و از صفحه تاریخ کنار رفته اند. نکته ای که در اینجا ذکر آن خالی از لطف نیست اینکه متکفلان امور دینی و نیز دلسوزان عرصه مذهبی می بایست با شناخت کامل عوامل ظهور (مانند جهل مردم، وجود باورهای غلط، فزون خواهی

و نابسامانیهای اجتماعی) و یا پیشرفت (همچون عوام فریبی، برخورد های ناصحیح و عجولانه و ...) اینگونه مدعیان، از ظهور این موارد جلوگیری نموده و در صورت حضور این جریانات در عرصه اجتماع، با اتخاذ روش مقابله صحیح، مانع گسترش و فراگیری آن گشته و عوامل شکست آنها فراهم نمایند.



برای مبارزه با خرافات به ویژه در حوزه مهدویت ابتدا باید بسترهای آنرا شناخت و آنها را بر طرف ساخت

منابع:

- اصول کافی مرحوم کلینی
- غیبت نعمانی
- تمام الدین و کمال النعمه شیخ صدوق
- یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)
- مکیال المکارم، موسوی اصفهانی، ج ۲
- صحیفه ی امام، ج ۲۱
- مجله انتظار موعود شماره های ۵ و ۷
- مجله مشرق موعود شماره ۳
- سایت اطلاع رسانی مهدویت (mahdi313.com)
- مجموعه کتابهای انتظار
- قبیله تزویر امیر محسن عرفان
- پیچک انحراف دکتر جواد اسحاقیان

به مناسبت میلاد با سعادت سید و سالار
شهیدان حسین بن علی (ع)

مجاهدین و قاعدین

همه اهل بیت نور واحدند و اوصاف و ویژگیهای مشترکی دارند. اما به مناسبت شرایط و اوضاع زمانی و مکانی هر یک محل بروز و ظهور یک وصف و یک عنوان ویژه هستند.



حجت الاسلام
علی مهدیان

مثل کسی که هم خیلی شجاع است هم خیلی صبور است و هم خیلی دانشمند اما هنگامی که در مجلس علما و دانشمندان می رود بعد دانشمندی او بروز میابد و در جایی دیگر در فضای بلا و درد قرار می گیرد بعد صبر او جلوه میکند و وقتی دیگر در فضای رزم و نبرد قرار می گیرد بعد شجاعت او جلوه می نماید.



یک کلید شخصیت پیدا کنند. می گویند شخصیت هر کس یک کلید معین دارد؛ اگر آن را پیدا کنید سراسر زندگی او را می توانید توجیه کنید. البته به دست آوردن کلید شخصیت افراد خیلی مشکل است، خصوصاً شخصیت‌های خیلی بزرگ. ادعای اینکه کسی بگوید من کلید شخصیت کسی مانند علی یا حسین بن علی را به دست آورده‌ام، انصافاً ادعای گزافی است و من جرأت نمی‌کنم چنین سخنی بگویم، اما این قدر می‌توانم ادعا کنم که در حدودی که من حسین را شناخته و تاریخچه زندگی او را خوانده‌ام و سخنان او را - که متأسفانه بسیار کم به دست ما رسیده است - به دست آورده‌ام، و در حدودی که

میکنند و واقعه حسین ع را واقعه ای کلیدی در تاریخ به حساب آورده اند. برای توضیح این ویژگی چند نکته را باید با هم بررسی کنیم اولاً جملات و بیاناتی که از امام حسین باقی مانده است ثانیاً رفتارهایی که از ایشان ثبت شده و ثالثاً شرایط زمانی و مکانی و اوضاع اجتماعی زمان امام حسین را باید مورد توجه قرار دهیم.

جمع بندی بیانات امام حسین شهید مطهری در جایی مجموعه بیانات ابی عبدالله ع را این گونه جمع بندی مینماید: «روانشناسها، خصوصاً کسانی که بیوگرافی می‌نویسند، کوشش می‌کنند برای روحیه‌ها

همه معصومین مثل یک روح واحدند که در هر زمان به گونه ای بروز کرده اند. نکته ای که هست این است که همه این بروزات در برهه های تاریخ ارزش واحدی ندارند. هر وصفی یک ارزش و یک اعتبار دارد. این که همه انسانهای کامل قبل از ابی عبدالله و هم بعد از تولد ایشان به برهه تاریخی و نقش امام حسین ع ارجاع داده اند نشان از این دارد که آن صفتی که امام حسین از خود بروز داد صفت ویژه ای است که در همه زمانها و مکانها کلیدی و ره گشا است.

وصفی که امام حسین بروز داد چه بود؟ وصفی که به دلیل آن از زمان حضرت آدم ابوالبشر تا حتی خاتم الاوصیا همه به امام حسین اشاره



مساله مهدی موعود، متفق الیه میان همه مسلمانان است و شیعه و سنی به وجود منجی و مصلحی با آن خصوصیات معترف اند که خواهد آمد و سراسر گیتی را از عدل و داد پر خواهد کرد.

و خانواده ایشان میتوان مشاهده نمود. رفتارهای امام حسین ع ویژه است و نشان از راضی نشدن به دنیا حتی در فضای ایمانی دارد. او میخواست نوعی چسبیدن به دنیا را که در فضای مسلمانان ریشه دوانده است و در زمان او شاید مهمترین معضل جامعه دینی شده را رسوا نماید.

رفتارهای او و قیام او که با همه جان و مال و نزدیکان و عزیزان است اشاره به همین دلدادگی و دینداری حداکثری دارد.

تمام فضای گفت و گوهای کربلا پر است از این نکات این که دست از دنیا بریدن و برای حق هر چه داشتن فدا کردن وقتی امام حسین اخبار شهادت خود را در مواضع

مختلف میدهد ببینید با فرزندان و خواهر خود چگونه سخن میگوید علی اکبر به او میگوید اگر ما بر حقیق لابلای بالموت قاسم میگوید احلی من العسل حضرت زینب اما افق نگاهش عجیب است او از درد امام بیتاب میشود و از هوش میروود وقتی امام میگوید مردم به من ظلم میکنند ظلم مردم به امام اوج انحراف مردم است او از این نکته بیهوش میشود این قدر

که از ماجرای شنیدن خود خیر شهادت این مقدار بیتاب نشده بود. افق نگاه او توجه به امام و دردهای امام است. به همین دلیل است که امام حسین برای اینکه تسلی حضرت زینب بدهد برای بحث مرگ خود یک توضیحاتی داد که بالاخره مرگ حق است ولو من امام هستم و برای بحث مظلومیت خود میگوید این مظلومیت به همه روا شده بود. یعنی دو توضیح برای دو نکته متفاوت ارائه داد. یکی اینکه مرگ حق است و همه میمیرند و دیگر

مطهری ج ۱۷ ص ۴۴-۵۱) به نظر می رسد اگر مجموعه بیانات امام حسین (ع) را وقتی بررسی میکنیم به این نکته مشترک برخورد میکنیم که نوعی توجه به معالی الامور و نوعی کراهت از سفاسف امور در بیانات ایشان دیده میشود. رسیدگی به مجموعه بیانات و تحلیل آنها بر عهده این نوشتار نیست. در این حد اما میتوان اشاره کرد که توجه به یک حرکت حداکثری در مسیر حق چیزی است که از امام حسین ع بروز میابد.

این که بزرگان عارف و حکیم ما همه امام حسین را نقطه ویژه توجه به توحید و دلدادگی حداکثری در مقابل حضرت حق میدانند از این جا است.

همه اهل بیت بینهایت موحد بوده اند همه بینهایت محو حضرت حق بوده اند اما کسی که این ویژگی را با همه وجود بروز و ظهور داد به نحوی که همه انسانها بتوانند در این زمین خاکی نیز این نقطه را مشاهده کنند شخص امام حسین ع بوده است.

این توحید در عبادت است که به تامل در بیان و رفتار او جلوه می کند و توحید حد اکثری یا عبودیت حداکثری کلیدی است که با آن میتوان بسیاری از وقایع جامعه دینی را تفسیر نمود.

دینداری حداکثری مفهومی است که برای تحلیل حرکت انتظار و آماده سازی انسانها برای ظهور مهم است. شاید از این جا است که ماجرای ظهور مهدی عج از تباط و ویژه ای با قضیه عاشورا پیدا کرده است.

جمع بندی رفتارهای امام حسین همین نگاه را در رفتارهای امام حسین ع

تاریخ عاشورا را- که خوشبختانه این تاریخ مضبوط است- مطالعه کرده و خطابه ها و نصایح و شعارهای حسین را به دست آورده ام، می توانم این طور بگویم که از نظر من کلید شخصیت حسین حماسه است، شور است، عظمت است، صلابت است، شدت است، ایستادگی است، حق پرستی است. سخنانی که از حسین بن علی علیه السلام نقل شده نادر است ولی همان مقداری که هست از همین روح حکایت می کند. از حسین بن علی پرسیدند: شما سخنی را که با گوش خودت از پیغمبر شنیده باشی، برای ما نقل کن. ببینید انتخاب حسین از سخنان پیغمبر چگونه است! از همین جا شما می توانید مقدار شخصیت او را به دست آورید. حسین علیه السلام گفت آنچه که من از پیغمبر شنیده ام این است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَ أَشْرَافَهَا وَ يُكْرَهُ سَفْسَافَهَا» خدا کارهای بزرگ و مرتفع را دوست می دارد، از چیزهای پست بدش می آید. رفعت و عظمت را ببینید که وقتی می خواهد سخنی از پیغمبر نقل کند اینچنین سخنی را انتخاب می کند؛ در واقع دارد خودش را نشان می دهد.... در روز عاشورا حسین علیه السلام حد آخر مقاومت را هم می کند. دیگر وقتی است که به کلی توانایی از بدنش سلب شده است. یکی از تیراندازان ستمکار، تیر زهر آلودی را به کمان می کند و به سوی اباعبدالله می اندازد که در سینه اباعبدالله می نشیند و آقا دیگر بی اختیار روی زمین می افتد. چه می گوید؟ آیا در این لحظه تن به ذلت می دهد؟ آیا خواهش و تمنا می کند؟ نه، بلکه بعد از گذشت این دوره جنگیدن رویش را به سوی همان قبله ای که از آن هرگز منحرف نشده است می کند و می فرماید: «رِضًا بِقَضَائِكَ وَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ وَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ». این است حماسه الهی، این است حماسه انسانی» (مجموعه آثار شهید



مجموعه بیانات امام حسین (ع) زاوخته بررسه میکنیم به این نکته مشترک برخورد میکنیم که نوعی توجه به معالی الامور و نوعی کراهت از سفاسف امور در بیانات ایشان دیده میشود



اینکه من امامم و به همه امامان ظلم شد. این را در لهورف ماجرای رسیدن کاروان به کربلا میتوان پیگیری کرد.

امام حسین دارد کاری میکند که این نکته از اصحاب و اهل بیت بروز کند از خود گذشتن و از دنیا رها بودن برای حق.

این ویژگی نه فقط در زمان ماجرای عاشورا و کربلا بلکه در دوران قبل از آن نیز بروز داشته است مثلاً معاویه از شام به حاکم مدینه، «مروان بن حکم» نامه نوشت که «ام کلثوم»، دختر «عبدالله بن جعفر» را برای یزید خواستگاری کند. مروان نیز این مأموریت را انجام داد ولی پدر و مادر ام کلثوم گفتند

که باید دربارهی این امر با امام حسین (ع)، دایی دختر مشورت کنند.

مروان، مردم را در مسجد جمع کرد و سخنانی ایراد نمود و گفت: «معاویه به من دستور داده که این دختر را به ازدواج یزید درآورم و مهریه اش را به هر مقداری که پدر دختر تعیین کند، بپذیرم و در کنار این وصلت، قرض های عبدالله را هر چه

باشد، پرداخت کنم و از این طریق، اختلاف بنی هاشم و بنی امیه به صلح و مودت تبدیل گردد».

آن گاه اضافه کرد: «یزید مورد توجه و آرزوی صدها دختر خواهان ازدواج است! و من تعجب می کنم که او چرا مهریه تعیین می کند؟ در حالی که او نظیری ندارد! و باران رحمت به احترام او می بارد. ای حسین! از تو می خواهم

که این درخواست را بپذیری...» امام حسین (ع) از جا برخاست و خطبه ای در حمد و سپاس خدا و فضایل اهل بیت (ع) ایراد نمود. آن گاه در پاسخ مروان گفت: «ای مروان! سخنان تو را شنیدم. چه حرف های نامربوط و ناروایی گفتی! اما حرف تو که تعداد مهریه به دل خواه عبدالله بن جعفر باشد، بدان که ما از «مهر السنه» تجاوز نمی کنیم که پیامبر برای زنان و دخترانش قرار داد. اما قرض های عبدالله ارتباطی به شما ندارد و هرگز دخترهای ما قرض های ما را نمی پردازند. و اما سخن تو در باره ی این که با این ازدواج، اختلاف دو قبیله برطرف می گردد. بدان که اختلاف ما و شما، اختلاف حق و باطل است که

هرگز به تفاهم نمی رسند. و اما تعریف و توصیه هایی که در باره ی یزید گفتی، انصاف به خرج ندادی. این تعریف ها در باره ی پیامبر و اولاد اوست نه یزید...

هان ای حاضران! شاهد باشید که من این دختر را به پسر عمویش «قاسم بن محمد بن جعفر» با مهر السنه که چهارصد و درهم در حال کنونی است تزویج نمودم و باغ بزرگ خویش در مدینه را که سالانه بیش از هشت هزار دینار درآمد دارد، به آنان بخشیدم...» در این جا بود که مروان بن حکم، سخت ناراحت و خشمگین شد و مسجد را ترک کرد (مناقب ابن شهر آشوب ج ۴ ص ۳۸ و ۳۹)

چیزی که در این واقعه که در زمان خود معاویه رخ داده است بروز دارد منطقی است که از امام حسین جلوه میکند. جایی که قرار است مساله امور دنیایی حدوسط

استدلالها باشد و این را مروان روبروی همه مردم میگوید گویا همه این منطق را میپذیرند لذا به این راحتی در پیش چشم همه نوه امیرالمومنین را بر این اساس خواستگاری میکند که مهر هر چقدر باشد یا قرض پدرش را میدهیم یا یزید فلان است و فلان و مطمئن است که مردم مشکلی با این منطق ندارند ابی عبدالله به همه یادآوری میکند که مشکل چیست مشکل دعوای قبیله ای نیست مشکل حق و باطل است نیازی به مال و منال و دنیای شما نیست و مهر هم مهر السنه است. این هاشم می دهد که امام حسین در مقابل منطق دنیا یا دینداری حداقلی با منطق دینگری وارد میدان شده است و آن دینداری حداکثری است.

این واقعه و وقایعی از این قبیل مربوط به زمان معاویه است اما در قضیه عاشورا رفتارهای این چنینی به اوج میرسد به نحوی که میتوان کلیدی ترین ویژگی بروز کرده در زمان امام حسین را همین ویژگی دینداری حداکثری قلمداد کرد.

جمع بندی شرایط زمانی و مکانی و اوضاع اجتماعی تبیینی که رهبر انقلاب از زمانه اباعبدالله دارد برای این بحث مفید است. دوران امام حسین دوره بروز و وخامت یک بیماری چند ده ساله است.

«عزیزان من! خواص طرفدار حق، دو نوعند. یک نوع کسانی هستند که در مقابله با دنیا، زندگی، مقام، شهوت، پول، لذت، راحت، نام و همه ی متاعهای خوب قرار دارند. اینهای

که ذکر کردیم، همه از متاعهای خوب است. همه اش جزو زیباییهای زندگی است. «متاع



امام حسین دارد کاری میکند که این نکته از اصحاب و اهل بیت بروز کند از خود گذشتن و از دنیا رها بودن برای حق



امام معصوم و بازمانده عترت پیغمبر و
اهل بیت علیهم السلام، در طول این
زمان های اخیر، در میان جوامع بشری
بوده است، امروز هم در میان ما است.



الْحَيَاةِ الدُّنْيَا. «متاع»، یعنی «بهره». اینها بهره های زندگی دنیوی است. در قرآن که می فرماید «مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»، معنایش این نیست که این متاع، بد است؛ نه. متاع است و خدا برای شما آفریده است. منتها اگر در مقابل این متاعها و بهره های زندگی، خدای ناخواسته آن قدر مجذوب شدید که وقتی پای تکلیف سخت به میان آمد، نتوانستید دست بردارید، واویلاست! اگر ضمن بهره بردن از متاعهای دنیوی، آن جا که پای امتحان سخت پیش

است. اما اگر قضیه به عکس شد و نوع دیگر خواص طرفدار حق - دل سپردگان به متاع دنیا. آنان که حق شناسند، ولی در عین حال مقابل متاع دنیا، پایشان می لرزد - در اکثریت بودند، وامصیبتاست!

اصلاً «دنیا» یعنی چه؟ یعنی پول، یعنی خانه، یعنی شهوت، یعنی مقام، یعنی اسم و شهرت، یعنی پست و مسؤولیت، و یعنی جان. اگر کسانی برای حفظ جانشان، راه خدا را ترک کنند و آن جا که باید حق بگویند، نگویند، چون جانشان به خطر می افتد، یا برای مقامشان یا برای شغلشان یا برای پولشان یا محبت به اولاد، خانواده و نزدیکان و دوستانشان، راه خدا را رها کنند، آن وقت حسین بن علی ها به مسلخ کربلا خواهند رفت و به

می آید، می توانید از آن متاعها به راحتی دست بردارید، آن وقت حساب است.

می بینید که حتی خواص طرفدار حق هم به دو قسم تقسیم می شوند. این مسائل، دقت و مطالعه لازم دارد. بر حسب اتفاق نمی شود جامعه، نظام و انقلاب را بیمه کرد. باید به مطالعه و دقت و فکر پرداخت. اگر در جامعه ای، آن نوع خوب خواص طرفدار حق؛ یعنی کسانی که می توانند در صورت لزوم از متاع دنیوی دست بردارند، در اکثریت باشند، هیچ وقت جامعه ای اسلامی به سرنوشت جامعه ای دوران امام حسین علیه السلام مبتلا نخواهد شد و مطمئناً تا ابد بیمه





قتلگاه کشیده خواهند شد. آن وقت، یزیدها بر سر کار می آیند و بنی امیه، هزار ماه بر کشوری که پیغمبر به وجود آورده بود، حکومت خواهند کرد و «مامت» به «سلطنت» تبدیل خواهد شد!

آری! وقتی خواص طرفدار حق، یا اکثریت قاطعشان، در یک جامعه، چنان تغییر ماهیت می دهند که فقط دنیای خودشان برایشان اهمیت پیدا می کند؛ وقتی از ترس جان، از

ترس تحلیل و تقلیل مال، از

ترس حذف مقام و پست، از

ترس منفور شدن و از ترس

تنها ماندن، حاضر می شوند

حاکمیت باطل را قبول کنند

و در مقابل باطل نمی ایستند

و از حق طرفداری نمی کنند

و جانیشان را به خطر

نمی اندازند؛ آن گاه در جهان

اسلام فاجعه با شهادت

حسین بن علی علیه السلام -

با آن وضع - آغاز می شود.

حکومت به بنی امیه و شاخه‌ی «مروانی» و

بعد به بنی عباس و آخرش هم به سلسله‌ی

سلطین در دنیای اسلام، تا امروز می رسد!

اکنون که اندکی به تحلیل حادثه‌ی

عبرت‌انگیز عاشورا نزدیک شدیم، به سراغ

تاریخ می‌رویم: دوران لغزش خواص طرفدار

حق، حدوداً هفت، هشت سال پس از رحلت

پیغمبر شروع شد. (به مسأله‌ی خلافت،

اصلاً کار ندارم. مسأله‌ی خلافت، جدا از

جریان بسیار خطرناکی است که می‌خواهم

به آن پردازم.) قضایا، کمتر از یک دهه پس

از رحلت پیغمبر شروع شد. ابتدا سابقه‌داران

اسلام - اعم از صحابه و یاران و

کسانی که در جنگهای زمان

پیغمبر شرکت کرده بودند -

از امتیازات برخوردار شدند،

که بهره‌مندی مالی بیشتر از

بیت‌المال، یکی از آن امتیازات

بود. چنین عنوان شده بود که

تساوی آنها با سایرین درست

نیست و نمی‌توان آنها را با

دیگران یکسان دانست! این،

خستِ اول بود. حرکت‌های

منجر به انحراف، این گونه از

نقطه‌ی کمی آغاز می‌شود و سپس هر قدمی،

قدم بعدی را سرعت بیشتری می‌بخشد.

انحرافات، از همین نقطه شروع شد، تا به

اواسط دوران عثمان رسید. در دوران خلیفه‌ی

سوم، وضعیت به گونه‌ای شد که برجستگان

صحابه‌ی پیغمبر، جزو بزرگترین سرمایه‌داران

زمان خود محسوب می‌شدند! توجه می‌کنید!

یعنی همین صحابه‌ی عالی‌مقام که

اسم‌هایشان معروف است - «طلحه»، «زبیر»،

«سعد بن ابی وقاص» و غیره - این بزرگان، که

هر کدام یک کتاب قطور سابقه‌ی افتخارات

در «بدر» و «حنین» و «أحد» داشتند، در

ردیف اول سرمایه‌داران اسلام قرار گرفتند.

یکی از آنها، وقتی مُرد و طلاهای مانده از

او را خواستند بین ورثه تقسیم کنند، ابتدا

به صورت شمش درآوردند و سپس با تبر،

بنای شکست و خرد کردن آنها را گذاشتند.

(مثل هیزم، که با تبر به قطعات کوچک

تقسیم کنند!) طلا را قاعدتاً با سنگ مثقال

می‌کشند. ببینید چقدر طلا بوده، که آن را با

تبر می‌شکسته‌اند! اینها در تاریخ ضبط شده

است و مسائلی نیست که بگوییم «شیعه در

کتابهای خود نوشته‌اند.» حقایقی است که

همه در ثبت و ضبط آن کوشیده‌اند. مقدار

درهم و دیناری که از اینها به جا می‌ماند،

افسانه‌وار بود. «(بیانات رهبری ۲۰-۳-۷۵)

اکنون میتوان بیماری که در جامعه دینی



وضعیت به گونه‌ای شد که برجستگان صحابه‌ی پیغمبر، جزو بزرگترین سرمایه‌داران زمان خود محسوب می‌شدند





این بوده که لیبلوکم ایکم احسن عملا یعنی یک حرکت به سمت بینهایت است که قرار جایگاه خود را مشخص کند و فاصله خود را تا خانه پیامبر و امام حسین تعیین نماید. بر این اساس بروز و جلوه این نگاه در جامعه دینی هم شکل گرفتن دو جبهه است؛ یکی کسانی که حاضرند فقط جهنمی نباشند و دوم کسانی که میخواهند به سمت بینهایت حرکت کنند. اگر این تحلیل را از قرآن بپذیریم آن‌گاه باید در جامعه دینی جبهه مومنین چسبیده به زمین داشته باشیم. این‌ها اولاً بهشتی‌اند و داخل

در عذاب نیستند اما مشکل آن است که وجود اینها در جامعه ایمانی وقتی که جامعه به بلا امتحان شود خطر آفرین است. وَلِيْمَحْصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ (آل عمران ۱۴۱ و ۱۴۲)

مشکل آن جاست که خداوند بخواهد اهل ایمان را تمحیص کند. امام حسین در آن روایت معروف الناس عبیدالدنیا میفرماید فاذا محصوا بالبلاء

قل الدیانون. یعنی اگر چه در جامعه دینی هر دو طایفه در چارچوب دین قرار دارند اما در نقاط کلیدی و حساس و در بلا یا این جبهه قاعدین است که کار را خراب میکند. و تا وقتی اینها کم نشوند جامعه از درون در معرض تهدید است.

دقت کنیم در کربلا لشکر از شام و روم نیاورده بودند! اینها مردم کوفه بودند جامعه کوفه که نخبگانش برای امام نامه و طومار مینوشتند همان جامعه رو در روی امام شد

تلاش و جهد دارد و حماسه ناشی از یک روح بزرگوار و حداکثری است.

«أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ: هُوَ بَدَلِ الطَّاقَةِ وَالسَّعْيِ الْبَالِغِ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ النَّهْيَةُ الْمُمْكِنَةُ وَيَبْلُغُ غَايَةَ وَسَعِهِ. ثُمَّ إِنَّ الْجَهْدَ إِذَا بِالْمَالِ أَوْ بِالْبَدَنِ وَالْأَعْضَاءِ أَوْ بِالْفِكْرِ، وَكُلٌّ مِنْهَا إِذَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى أَوْ فِي طَرُقِ دُنْيَوِيَّةٍ وَأَعْرَاضِ شَخْصِيَّةٍ. فَالْمُجَاهِدَةُ هِيَ إِدَامَةُ الْجَهْدِ، وَالْجَهْدُ هُوَ الْجَهْدُ بِالطَّوْعِ وَالرَّغْبَةِ.» (التحقيق علامه مصطفوی. ذیل ماده جهد)

اکنون میتوان مقایسه‌ای بین دو جریان کلیدی در دل هر جامعه دینی داشته باشیم.

جریانی که به سمت حداکثر است و جریانی که به سمت حداقل است. در تعبیر قرآنی دو جریان قاعدین و مجاهدین.

تبیین دو جریان قاعدین و مجاهدین

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرِ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحَسَنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ

أَجْرًا عَظِيمًا. دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۹۵ و ۹۶ نساء)

در این آیات دو جریان در جامعه دینی و مومنانه از هم بازشناسی شده‌اند جامعه مجاهدین و جامعه قاعدین.

این دو جبهه را میتوان به دینداران حداقلی و دینداران حداکثری ترجمه کرد.

این را باید دقت کرد که فلسفه خلقت انسان این نبوده که خداوند بخواهد بهشتی و جهنمی را از هم جدا کند بلکه فلسفه خلقت

رخنه کرده است را معرفی کرد. بیماری که همه حرکت و قیام امام حسین که به عنوان اصلاح امت پیامبر از آن یاد میکند مبارزه با این بیماری است. بیماری چسبیدن به دنیا. راضی شدن به کم و در یک کلام دینداری حداقلی.

دینداری حداقلی جوهره‌ای دارد که بس خطرناک است جوهره‌ای که میتواند به راحتی یک امت را از پای در آورد جوهره این بیماری راضی شدن به سفساف امور یا کم خواهی یا در یک کلام حب الدنیا است که راس کل خطیئه است.

ریشه‌های این بیماری در همان صدر اسلام و در جریان مبارزه و انقلاب پیامبر اکرم وجود داشت این بیماری در دل جامعه ایمانی شکل میگیرد و خود را به صورت سستی و کاهلی بروز میدهد. ماجرای جنگ احد شاید اولین جایی بود که این مشکل سر بر آورد. آیاتی

از سوره آل عمران ریشه‌های این بیماری را تبیین میکند. وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعَدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مَنْ بَعْدَ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمَنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَ لَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (آل عمران ۱۵۲)

فشلتم و تنازعتم و عصیتم. اشاره به همین نکته دارد و ریشه آن نیز دنیا خواهی است.

ریشه‌های عمیق این درد در ذات انسان قرار داده شده است و انسانها از این جهت اساساً به دو دسته تقسیم میشوند.

دوران امام حسین ع دوره بروز این تمایل به دنیا است و به همین مناسبت است که آن جلوه‌ای که از روح امامت و ولایت جلوه میکند بروز تمایل به آخرت و میل به بینهایت است.

این حقیقت است که جوهره مفاهیمی مثل حماسه یا مجاهدت را نیز شکل میدهد. مفهوم مجاهدت ریشه در پر کردن پیمانانه



دینداری حداقلی جوهره‌ای

دارد که بس خطرناک است

جوهره‌ای که میتواند به

راحتی یک امت را از پای در

آورد جوهره‌ای این بیماری

راضی شدن به سفساف امور

یا کم خواهی یا در یک کلام

حب الدنیا است که راس کل

خطیئه است



و آن فجایع را آفرید. مشکل این بود که اینها دنیا و دین را با هم میخواستند این را خیلی ها میدانستند و میخواستند به امام حسین همین را خیر خواهانه توضیح دهند غافل از آنکه امام خود آمده بود تا با همه وجود این درد را در کل جامعه پیامبر بر ملا کند و برای همیشه این درد را رسوا نماید. تالی الابد هر جا بوی این بیماری در جامعه دینی آمد همه یاد ماجرای کربلا بیفتند و تاریخ مومنان با تذکر کربلا و توجه عمیق به این واقعه ظرفیت و توان نجات داشته باشد.

میل به دنیا در دل جامعه ایمانی یک میل طبیعی است و به صورت طبیعی دو جبهه در دل این جامعه شکل خواهد یافت. یعنی باید در جامعه خود دو جبهه انسانی قاعدین و مجاهدین را پیدا کنیم. اگر دو جبهه قاعدین و مجاهدین داشته باشیم یعنی دو جریان اقتصادی قاعدین و مجاهدین خواهیم داشت و دو جریان فرهنگی قاعدین و مجاهدین خواهیم داشت دو سینما و هنر قاعدین و مجاهدین خواهیم داشت و دو جریان سیاسی قاعدین و مجاهدین باید داشته باشیم.

جریان قاعدین یا دنیا طلبان مسلمان اساساً هیچ زمینه‌ای اهل تندروی نیستند. حیاتشان به سربه زبری و آرام کار کردن است اگر جایی افراطی‌گری در هر جهتی از آنها سر بزند خلاف قاعده حرکشان و به ضررشان است. جریان قاعدین قطعاً جریان مجاهدین را به تندروی و بی توجهی به دنیا محکوم میکنند. اینها عزت را در کنار دنیا هر دو حق خود میدانند و این یعنی گفتمانشان آلوده به دنیا است برای اینها همان قدر مبارزه حق است که رفاه و دنیا داشتن حق است. مثلاً اگر انرژی هسته‌ای که محور مبارزه

شما با همه جهان غرب است حق مسلم است داشتن رفاه و زندگی مطلوب هم حق مسلم است. قطعاً اگر اینها بخواهند مجاهدین را خطاب کنند و به آنها اشکال بگیرند میگویند هر چیزی اندازه‌ای دارد و اندازه نگه دار که اندازه نکوست. شعار مبارزه با افراطی‌گری سر خواهند داد. اینها میخواهند دنیا و آخرت را با هم داشته باشند. غافل از آنکه اذا محصوا بالبلا قل الدیانون.

شناخت ویژگیها و شاخصه های جریان اقتصادی و سیاسی و فرهنگی قاعدین در مقابل مجاهدین به ما کمک میکند که در فضای اندیشه اجتماعی خود بتوانیم درست اتخاذ موضع کنیم. همین‌طور در مملکت وجود خودمان نیز میتوانیم تشخیص دهیم که چه قوایی ما را به سمت قعود میکشند و کدام‌ها به سمت قیام. این نکته خیلی مهم است که اگر در وجود خود حسین و یزید را میشناسیم اهل قیام و اهل قعود را نیز در مملکت وجود خود بشناسیم و بتوانیم انتخاب کنیم که کدام جبهه را باید تقویت نماییم.

«خیر عبارت از فطرت مخموره است، و شر عبارت از فطرت محجوبه است. و تفصیل این اجمال آن که: حق - تبارک و تعالی - با عنایت و رحمت خود، به ید قدرت خود، که طینت آدم اول را مخمّر فرمود، دو فطرت و جبلّت به آن مرحمت نمود؛ یکی اصلی، و دیگر تبعی، که این دو فطرت، براق سیر و ررف عروج او است به سوی مقصد و مقصود اصلی. و آن دو فطرت، اصل و پایه جمیع فطریاتی است که در انسان مخمّر است و دیگر فطریات، شاخه‌ها و اوراق آن است. یکی از آن دو فطرت - که سمت اصلیت دارد - فطرت عشق به کمال مطلق

و خیر و سعادت مطلقه است که در کانون جمیع سلسله بشر، از سعید و شقی و عالم و جاهل و عالی او آدانی، مخمّر و مطبوع است. و اگر در تمام سلسله بشر، انسان تفحص و گردش کند و جمیع طوایف متشکته و اقوام متفرقه در عالم را تفتیش کند، یک نفر را نیابد که به حسب اصل جبلّت و فطرت، متوجه به کمال و عاشق خیر و سعادت نباشد. ... و دیگری از آن دو فطرت، که سمت فرعیّت و تابعیت دارد، فطرت تنفر از نقص و انزجار از شر و شقاوت است که این مخمّر بالعرض است، و به تبع آن فطرت عشق به کمال، تنفر از نقص نیز مطبوع و مخمّر در انسان است. و این دو فطرت، که ذکر شد، فطرت مخموره غیر محجوبه است که محکوم احکام طبیعت نشده و وجهه روحانیت و نورانیت آنها باقی است، و اگر فطرت متوجه به طبیعت شد و محکوم به احکام آن گردید و محجوب از روحانیت و عالم اصلی خود شد، مبدأ جمیع شرور و منشا جمیع شقاوت و بدبختیهاست، ... پس مقصود از خیر - که وزیر عقل است و جمیع جنود عقلیه در ظلّ توجه و تصرف آن است - فطرت مخموره متوجه به روحانیت و مقام اصلی خود است و از شر - که وزیر جهل و همه جنود جهل از طفیل آن است - فطرت محکومه طبیعت و محجوبه به احکام آن است. بدان که از برای قلب، که مرکز حقیقت فطرت است، دو وجهه است: یکی وجهه به عالم غیب و روحانیت؛ و دیگر، وجهه به عالم شهادت و طبیعت. و چون انسان ولیده عالم طبیعت و فرزند نشئه دنیا است - چنانچه آیه شریفه: «فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ» نیز شاید اشاره به آن باشد - از بدو خلقت در غلاف طبیعت تربیت شود، و روحانیت و فطرت در این حجاب وارد شود، و کم کم احکام طبیعت بر آن احاطه کند، و هر چه در عالم طبیعت رشد و نمای طبیعی کند احکام طبیعت بر آن بیشتر چیره و غالب شود. اکنون که معلوم شد تمام خیرات از سر چشمه نور فطرت الله است در صورتی که محتجب به حجابهای طبیعت نباشد، و



شناخت ویژگیها و شاخصه های جریان اقتصادی و سیاسی و فرهنگی قاعدین در مقابل مجاهدین به ما کمک میکند که در فضای اندیشه اجتماعی خود بتوانیم درست اتخاذ موضع کنیم



«انتظار، ظهور امام زمان (عج)، به معنای انتظار برای پر شدن جهان از عدل و داد و عدالت برای همه انسان ها و انتظار رفع ظلم از صحنه زندگی بشر و انتظار فرارسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادی است.»



این بیانات نورانی حضرت امام که ریشه و مبنای نظام اندیشه خود او را نیز شکل میدهد در واقع تبیین میکند که چرادرسی که امام حسین داد و آن وصفی که از او جلوه کرد کلیدی ترین درس به تاریخ بشر است و چرا همگان از اولیا و انبیا او را مورد توجه قرار داده اند. دلیل این است که آن ویژگی و وصف کلیدی که از امام حسین ع بروز نمود عمق و جوهره در دانشان و تاریخ انسانی را نشانه گرفته بود. میل به دنیا و حجابهای دنیایی که مانع از بروز و ظهور و قلب و ظهور حق میشود و همین است که مانع ظهور حق مجسم و مهدی موعود عج است و تا جامعه دینی به این بلوغ نرسد و این بیماری را در خود به سهولت باز شناسی نکرده و آن را به صورت خود کار ریشه کن نکند رشدی برای او حاصل نخواهد شد.

اسیر دامهای پیچاپیچ نفس و ابلیس نگردد، و کفیل سعادت مطلقه انسانی همین فطرت شریفه است، و نیز معلوم شد که تمامی شرور از فطرت محجوبه مظلومه به ظلمات طبیعت است، و منشأ همه شقاوت و بدبختیها در دنیا و آخرت، همین احتجاجات است، باید دانست که اگر انسان از خود غفلت کند و در صدد اصلاح نفس و تزکیه آن بر نیاید و نفس را سر خود بار آورد، هر روز، بلکه هر ساعت بر حجابهای آن افزوده شود، و از پس هر حجابی حجابی، بلکه حُجبی برای او پیدا شود تا آن جا که نور فطرت بکلی خاموش و منطفی شود، و از محبت الهیه در آن اثری و خبری باقی نماند؛ بلکه از حق تعالی و آنچه به او مربوط است از قرآن شریف و ملائکه الله و انبیاء عظام و اولیاء کرام - علیهم السلام - و دین حق و جمله فضائل متنفر گردد، و ریشه عداوت حق - جلّ و علا - و مقربان در گاه مقدس او در قلبش محکم و مستحکم گردد تا آن جا که بکلی درهای سعادت بر او بسته شود، و راه آشتی با حق تعالی و شفاعت - علیهم السلام - منسد گردد، و مخدّد در ارض طبیعت گردد که باطن آن در عالم دیگر جلوه کند و آن خلود در عذاب جهنم است... ای عزیز! اکنون تا حجابهای غلیظ طبیعت نور فطرت را بکلی زائل نکرده، و کدور تهای معاصی صفای باطنی قلب را بکلی نبرده، و دست از دار دنیا - که مزرعه آخرت است، و انسان در آن می تواند جبران هر نقصی و غفران هر ذنبی کند - کوتاه نشده، دامن همتی به کمر زن و دری از سعادت به روی خود باز کن... بار خدایا! آیا شود که این دل محجوب و این قلب منکوس را به خود آری، و این غافل فرو رفته در ظلمات طبیعت را به عالم نور کشانی، و بتهای دل را به دست قدرت خود درهم شکنی، و غبار تن را از پیش چشم فرو ریزی؟» (شرح حدیث جنود عقل و جهل. امام خمینی ۷۶-۸۶)

نگاهی به نقش «حاج احمد متوسلیان» در فتح خرمشهر

«مردی» که دروازه خرمشهر را گشود

مرحله سوم عملیات «الی بیت المقدس» باید آغاز می‌شد. اصلاً مرحله اول و دوم برای این بود که در مرحله سوم نیروها به سمت خرمشهر بروند و آیین شهر را آزاد کنند اما قریب بیست روز عملیات و جنگیدن نیروها را خسته کرده بود. در این شرایط به سخنان کسی نیاز بود که بتواند معنویت و حماسه را به دل‌های رزمندگان تزریق کند.

بنابراین حاج احمد متوسلیان علی‌رغم وضعیت بد جسمانی خودش را به جمع رزمنده‌ها رساند و در ۳۱ اردیبهشت ۶۱ سخنانی اینچنینی را بر زبان راند:

«...برادران! تا به حال چندین بار از قرارگاه به تیپ ما دستور داده اند که بکشید عقب، ولی ما این کار را نکردیم. چون می‌دیدیم که روحیه شما خیلی بالاست و با آنکه هر لحظه امکان دارد ارتش عراق شما را مورد حمله گازانبری قرار بدهد، با این حال شما خوب مقاومت می‌کنید. دشمن با این همه پاتکی که کرده، حتی نتوانسته یک قدم جلو بیاید. در شرایطی که ما قصد داریم تا چند روز دیگر خرمشهر را آزاد کنیم، شنیده‌ام بعضی‌ها حرف از مرخصی و تسویه زده‌اند! بابا! ناموس شما را برده‌اند! (منظور خرمشهر بود) همه چیز شما را برده‌اند! شما می‌خواهید بروید تهران چه کار کنید؟ همه حیثیت ما اینجا در خطر است. شما بگذارید ما برویم با آب شط العرب وضو بگیریم و نماز فتح را در خرمشهر



فتح کرد و ورودی شهر را گشود، با بچه هایش به سمت تنه راه باقی مانده برای فرار یعنی ها رفت، تا وقتی امروز از فتح خرمشهر صحبت می کنیم، بتوانیم از اسیر شدن هزاران سرباز عراقی سخن بگوییم.

بعد از فتح خرمشهر خیلی از نیروها وارد شهر شدند و مشغول پاکسازی. در آن حال حاج احمد و بچه هایش مأموریت پیدا کردند که در جاده شلمچه در پشت خط تنومه شاهراه شلمچه- بصره را ببندند. تمام نیروهای عراقی که در خرمشهر بودند بعد از ورود نیروهای اسلام از شمال خرمشهر به طرف تنه راه فرار و خروج یعنی جاده شلمچه- بصره رفته و از آنجا می خواستند اقدام به فرار کنند.

حاج احمد و بچه هایش وارد آن جاده شده و آن گلوگاه را می بندند و حتی حاضر نمی شوند فقط ۲۰ دقیقه از آنجا عقب بکشند. این مقاومت در صورتی ادامه داشت که نیروهایی که از خرمشهر به سمت بصره راه افتاده بودند حاج احمد و بچه هایش را می زدند. از سمت راست که عراق بود دشمن آنها را می زد تا عقب بکشند و از روبرو نیز دشمن بر آنها آتش می ریخت.

به هر حال احمد و بر و بچه هایش یک دقیقه خط خود را خالی نکردند و ثمره آن ۱۹ هزار اسیری بود که در الی بیت المقدس نصیب سپاه اسلام شد.

خرمشهر گفته بود: «باید بدانید که عملیات به هیچ وجه لغوشدن نیست. ولو اینکه حتی یک نفر هم زنده نماند. لغو عملیات نخواهیم دشت مگر با آزادی خرمشهر»

این جملات بخشی از روایتی بود که در کتاب همپای صائقه شرح کاملترش آمده است، اما خواندن همین چند خط کافی است تا وقتی فرمانده وقت سپاه از دلیل انتخاب حاج احمد متوسلیان برای انجام سخت ترین مرحله عملیات فتح خرمشهر حرف می زند، کاملاً منطقی به نظر برسد.

محسن رضایی می گوید: «در عملیات بیت المقدس وقتی طراحی و مانور عملیات را به اتمام رساندیم، متوجه شدیم زمانی که به عراق حمله کنیم هر چه به خرمشهر نزدیک شویم فشار عراقی ها به ما بیشتر می شود و از طرفی نیروهایی از ما که نزدیک به خرمشهر هستند در معرض شدیدترین پاتک ها قرار می گیرند.

بنابراین به فکر افتادم تا چه کسی را انتخاب کنم که بیشترین مقاومت را از خود نشان دهد، چراکه آن نقطه ای بسیار کلیدی بود و در صورت سقوط تمام عملیات سقوط می کرد و خرمشهر شاید تا ۲۰ سال بعد هم آزاد نمی شد... در روز عملیات هم دیدیم که همینطور شد و سخت ترین پاتک ها به بخش احمد متوسلیان انجام می شد.»

اما حاج احمد بعد از اینکه دروازه خرمشهر را

بخوانیم، بعد که برگشتیم، خودم به همه تسویه می دهم.

الان وضع ما عین زمان امام حسین (ع) در روز عاشورا است. بگذارید حقیقت ماجرا را به شما بگویم. ما الان دیگر نیروی تازه نفس نداریم. کل قوای ما در این زمان، فقط همین شماها هستید و دشمن هم اطلاع ندارد.

بسیجی ها! شما که می گوید اگر ما در روز عاشورا بودیم به امام حسین (ع) و سپاه او کمک می کردیم بدانید امروز روز عاشورا است- می دانم بیش از بیست روز است دارید یک نفس و بی امان در منطقه می جنگید و و خسته اید و شاید در خودتان توان لازم برای ادامه رزم را سراغ ندارید، ولی از شما خواهش می کنم تا جان در بدن دارید، بمانید تا شاید به لطف خدا در این مرحله بتوانیم خرمشهر را آزاد کنیم»

در این هنگام، حاج احمد در حالی که اشک از چشمهاش جاری شده بود، دست هایش را رو به آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! راضی نشو که احمد متوسلیان زنده باشد و ببیند ناموس ما، خرمشهر ما، در دست دشمن باقی مانده. خدایا! اگر بنا بر این است که خرمشهر در دست دشمن باشد، مرگ احمد متوسلیان را برسان»

متوسلیان قبل از این سخنان هم در جلسه فرماندهان گردان های تیپ ۲۷ در قرارگاه فرعی نصر ۲ حاضر شده و درباره اهمیت فتح



مهارت‌های دعا خوانی

قسمت دوم



حاج عباس حیدرزاده

اشاره

در شمارهٔ پیشین در بارهٔ بعضی از آداب دعا خوانی از جمله «ترک محرمات و حضور قلب» در قالب مهارت‌های دعا خوانی سخن گفتیم؛ در این شماره نیز در مورد «اخلاص در دعا خوانی و انقطاع الی الله» مطالبی به محضر تان ارائه می‌نمایم. امید است با عمل به دستورات خداوند متعال و فرمایشات اهل بیت علیهم السلام بتوانیم رسالت بزرگی را که بر عهده داریم به انجام برسانیم.

۳- اخلاص

خالص در لغت به معنای صاف و پاک است، ولی در اصطلاح اهل شرع، عمل خالص به عملی گفته می‌شود که در آن فقط قصد قربت باشد و از هر گونه شائبه و انگیزه غیر الهی پاک و مجرد باشد.

سخن گفتن با آفریدگار عالم و درخواست نیاز به درگاه بی‌نیاز بردن فقط با اخلاص معنا و

مفهوم پیدا می‌کند. یعنی انسان در هنگام دعا فکر و قلب و نیتش را از غیر خدا خالی کند. خدای متعال در جای جای قرآن کریم بر اخلاص دعا کننده تأکید فراوان می‌کند و می‌فرماید:

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.
(غافر/ ۱۴)

پس خدا را پاکدلانه فراخوانید، هر چند ناباوران را ناخوش افتد.

همچنین امیر سخن علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

عليك يا اخلاص الدعاء فانه اخلق بالاجابة.
بر تو باد اخلاص داشتن در دعا؛ زیرا چنین دعایی به اجابت سزوار تر است.

هنگامی که انسان از هر کسی جز خدا قطع امید کرد و تنها دست‌نیاز به درگاه او دراز کرد، و هر عملی که انجام داد تنها رضایت او را مد نظر قرار داد، خدای متعال نیز بندهٔ نیازمندش را نا امید بر نمی‌گرداند. همچنان که اگر دعا خوان

همهٔ افکار غیر خدایی را کنار گذاشت، خدای متعال نیز آنچنان سوزی به صدای او و تأثیری در نفس او قرار می‌دهد که هیچ لذتی را با آن عوض نخواهد کرد.

امام صادق علیه السلام نیز در سخنی زیبا کاربرد اخلاص و نتیجه آن را اینگونه بیان می‌فرماید:

«اخلاص جمع کنندهٔ همهٔ فضایل است و کلید قبولی اعمال است، و مورد تأیید و رضایت خداوند است هر کس خداوند اعمالش را قبول کند و از او راضی باشد او انسان مخلصی است، هر چند عملش کم باشد، و هر کس اعمالش را خداوند قبول نکند، مخلص نخواهد بود هر چند عملش زیاد باشد. [چنانکه ابلیس مدت زیادی پروردگار را طاعت کرد، چون با اخلاص نبود با ترک سجده بر آدم همهٔ عباداتش محو شد، و نیز حضرت آدم با استغفار خالصانه دعایش مستجاب شد]»

بر این اساس اخلاص در عمل به ویژه هنگام



انتظار فرج و اعتقاد به مهدویت علاوه بر ابعاد منطقی، فکری و استدلالی بسیار بارز - آن دارای جنبه های عاطفی، معنوی و ایمانی عمیق و بسیار مهمی است و امید ناشی از ایمان و اعتقاد به وجود منجی، همواره سرمایه عظیم حرکت های بزرگ در جوامع اسلامی و شیعی شده است.

دعا و راز و نیاز یکی از شرایط اصلی محسوب می شود. بنا بر این کسانی که بر منبر دعا خواندن تکیه می زنند و هدایت خیل مشتاقان خالق را تا اتصال به ساق عرش الهی بر عهده می گیرند، می بایست اخلاص را سر لوحه کار خود در انجام این رسالت خطیر قرار دهند. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (مدظله العالی) در مورد اهمیت مداحی و اخلاص مداحان می فرماید:

«کار مداحی کار بزرگی است کار مهمی است، حرفه بسیار اثر گذاری است، می تواند مصداق درست و برجسته ای باشد از مجاهدت فی سبیل الله... در کار شما مداحان، در میدان بودن و مجاهدت کردن یعنی ارائه سخن اثر گذار و بیان هدایتگر برای دلها، البته با شیوه هنرمندانه... و خوب و متناسب و شعر خوب و صدای خوش و شاید از همه بالاتر دل پاک و مطهر و با اخلاص مداح محترم لازم و مهم است»

۴- اصلی ترین شرط اجابت دعا

اصلی ترین مقدمه اجابت دعا، حال انقطاع و تهی کردن دل از امید به غیر خداوند متعال است؛ هر چه این حالت در دعا کننده بیشتر باشد، دعای او به اجابت نزدیک تر می گردد. به سخن دیگر اجابت دعا یک شرط بیشتر ندارد و آن تحقق حقیقت دعا از سوی دعا کننده است. تحقق حقیقت دعا هنگامی ایجاد می شود که انسان در مورد نیاز خود بیچاره و مضطر شود و پناهگاهی جز خدای متعال نبیند، آنگاه دعای او مستجاب می گردد. خدای متعال در پندی به عیسی علیه السلام می فرماید:

«ای عیسی! مرا بخوان همچون کسی که غمگانه در حال غرق شدن است و دادرسی هم ندارد.»

شخصی که در حال غرق شدن می باشد از کسی کمک می خواهد که مافوق قدرت هاست و در همه جا حاضر و ناظر است. در این حالت در ماندگی، انسان فقط متوجه خداست نه شخص دیگری، حتی اگر کافر باشد. فرعون در حال غرق شدن به خدای متعال ایمان می آورد و از او کمک می خواهد. در حالی که خدای متعال در جواب او می فرماید:

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودَهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتَ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۰)

و فرزندان اسرائیل را از دریا گذراندیم پس فرعون و سپاهیانش از روی ستم و تجاوز آنان را دنبال کردند تا وقتی که در شرف غرق شدن قرار گرفت گفت ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده اند نیست و من از تسلیم بشد گانم (۹۰)

الآن وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۹۱)

اکنون در حالی که پیش از این نافرمانی می کردی و از تباهکاران بودی (۹۱) همچنین قرآن کریم در مورد دعای درمانده و حال انقطاع می فرماید:

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ. (نمل/۶۲)

یا [کيست] آن کس که درمانده را - چون وی را بخواند - اجابت می کند، و گرفتاری را برطرف می گرداند.

«در این آیه مراد از اجابت، درمانده ای است که

او را می خواند، پاسخ مثبت دادن به درخواست دعا کنندگان و بر طرف کردن نیاز آن هاست. خدای متعال صفت در ماندگی را آورده تا به دعا کننده حقیقت دعا و درخواست را یاد آوری کند؛ زیرا مادامی که انسان در تنگنای در ماندگی نیفتد و در رسیدن به خواسته اش آزادی عمل داشته باشد، در خواستش خالصانه نخواهد بود. اما اینکه اجابت دعا را به دعا کردن در خواست کردن از خدا) مشروط کرده فرموده است: «اذا دَعَا؛ آنگاه که او را بخواند» برای اشاره به این نکته است که در دعا باید تنها از خداوند پاک طلب کرد و این زمانی اتفاق می افتد که دعا کننده از تمامی اسباب و علل ظاهری دست بکشد و دلش را تنها به خدای متعال پیوند دهد. اما کسی که دلش را تنها به اسباب و علل ظاهری و یا به آن ها و خدای متعال با هم پیوند دهد، پروردگارش را خوانده بلکه دیگری را خوانده است.

پس هر گاه دعا کننده در دعا صادق باشد و تنها از خداوند درخواست کند، خدای متعال به دعای او ترتیب اثر می دهد. و گرفتاری که او را به درخواست و داشته بر طرف می سازد، همانگونه که خدای متعال فرموده است: «أدعونی أَسْتَجِبْ لَكُمْ. (مومن/۶۰) مرا بخوانید تا برایتان اجابت کنم». در اینجا شرط اجابت را تنها دعا کردن حقیقی قرار داده است و این که در خواست تنها باید از خدای متعال صورت بگیرد.»

امیر مؤمنان علی علیه السلام در مناجات شعبانیه به درگاه خداوند متعال عرض می کند: إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ. خدایا! امیدم را از همه کس و همه چیز قطع کن و به خودت وابسته ساز

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، ج ۶۷ و ۶۸ (تهران، کتابخانه مسجد ولی عصر ع.ج) ص ۲۳۹.
۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد ابن محمد، غرر الحکم، (قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق) ح ۶۰۹۱.
۳- قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْإِخْلَاصُ يَجْمَعُ حَوَاصِلَ الْأَعْمَالِ وَهُوَ مَعْنَى مَفْتَاخِ الْقَبُولِ وَتَوْفِيقَهُ الرَّضَاقُ مَنْ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ وَرَضِيَ عَنْهُ فَهُوَ الْمُخْلِصُ وَإِنْ قَلَّ عَمَلُهُ وَمَنْ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ فَلَيْسَ بِمُخْلِصٍ ۶- علامه طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۸.



اقتدار ملی پشتوانه‌ای برای عزت و استقلال



در چند ماهه گذشته یکی از تاکیدات و تذکرات مکرر رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی ضرورت افزایش اقتدار ملی بود که در جمع‌های متعدد به زبان‌های مختلفی بیان شده است در همین حال معظم له پنهان و آشکار از عدم توجه و باور مسئولان به این مهم نیز گلایه مند هستند که مورد اخیر آن در نیروی هوافضا سپاه و فرماندهان آن بود که به توجه نکردن برخی مسئولان به پیام اقتدار و توانایی درونی کشور اشاره فرمودند: متأسفانه در برخی از بخش‌ها مدیران ما این پیام را درک نمی‌کنند.



دکتر رسول سنائی‌راد

از این رو تبیین موضوع و مطالبه‌گری یکی از وظایف جریان ولایت‌مدار برای فضا سازی به نفع این راهبر در هبری معظم انقلاب است که قبل از آن مستلزم شناخت چرایی و چیستی آن می‌باشد. این نوشتار بدنبال ارائه چنین شناختی است.

الف) قدرت ملی و اقتدار ملی

قدرت را به طور ساده حد توانایی کنترل دیگران، به طوری که عملی را که از آنان خواسته شده انجام دهند، تعریف می‌کنند و مفهوم سیاسی آن عبارتست از استطاعت، توانایی یا قابلیت که به دارنده آن امکان تاثیر گذاری بر رفتار سایر بازیگران را در جهت

اهدافش می‌دهد.

قدرت ملی در مناسبات بین‌المللی عبارتست از؛ توانایی یک کشور به عنوان یک بازیگر بین‌المللی در استفاده از منابع محسوس و نامحسوس و امکانات ملی برای تحت تاثیر قرار دادن نتایج رویدادهای بین‌المللی در جهت خواسته‌ی خود.

اما قدرت کاربردی که فراتر از جنبه‌ی زور و اجبار برخوردار از عمق مردمی، پایداری و پشتوانه‌ی حقوقی و قانونی است اقتدار نامیده می‌شود. از نگاه مقام معظم رهبری: اقتدار ملی دست قدرتمندی است که مجموعه نیروهای فعال قوای سه گانه در تشکیل آن سهم دارند و باید وظیفه



انتظار ظهور، اشتیاق
انسان های صالح برای
گسترش عدالت است.

خودشان را با شجاعت و اقتدار و امید و بدون رودربایستی و با همکاری کامل انجام دهند. نکته‌ی مهم اینکه معظم له «احساس اقتدار» را با اهمیت تراز نفس «اقتدار ملی» دانسته و از مسئولان می‌خواهند تا به گونه‌ای عمل کنند که مردم احساس اقتدار کنند. چرا که ممکن است ملتی در عالم واقع مولفه‌های اقتدار را داشته اما احساس آن را نداشته باشند.

ب) عوامل پدیدآورنده یا مولد قدرت

مقام معظم رهبری در فرمایشات نوروزی خود به سه عامل مولد قدرت، یعنی ۱- فرهنگ، ۲- اقتصاد، ۳- علم و فناوری اشاره دارند اما از آنجا که ماهیت قدرت تحول یافته، زمینه‌ها و عوامل دیگری هم وجود دارد که اشاره به این عوامل سه‌گانه از باب تمرکز و اولویت گذاری است. در کنار عوامل فوق باید به عوامل دیگری مثل ۱- موقعیت جغرافیایی ۲- جمعیت یا عامل انسانی ۳- منابع طبیعی ۴- روحیات و خصوصیات ملی ۵- آمادگی نظامی ۶- ایدئولوژی و اختلاف اجتماعی نیز اشاره داشت.

مقام معظم رهبری علاوه بر عوامل مولد قدرت به زمینه‌ها نیز اشاره دارند و می‌فرمایند: «اقتدار ملی هم زمینه نظامی دارد، هم زمینه اقتصادی دارد، هم زمینه سیاسی دارد، هم زمینه‌ی سازمانی دارد. در همه‌ی زمینه‌ها مسئولان می‌توانند کاری کنند که ملت احساس اقتدار کند.»

طبیعی است در زمینه‌سازی بیشترین نقش را مسئولین دارند و از این رو مدیریت جهادی هم به تولید قدرت ملی پیوند خورده است. اما در این بیان، فرهنگ و زمینه‌های فرهنگی بسیار مهمتر است چرا که فرهنگ مولد نگرش، جهت‌گیری و باور است و می‌تواند به تمام جامعه جهت دهنده باشد.

ج) کارکرد اقتدار ملی

اقتدار ملی در نگاه کلان، جایگاه کشورها را در سلسله مراتب قدرت جهانی یا سیستم ژئوپلیتیک منطقه‌ای تعیین می‌کند و می‌تواند کارکردهای زیر را داشته باشد:

۱- برخورداری از موضعی فعال و مبتکرانه در تصمیمات جهانی و منطقه‌ای و پیشبرد اهداف و منافع ملی.

۲- فراهم ساختن موقعیت‌الگوی و الهام بخشی به سایر کشورها.

۳- دفاع از استقلال و مجبور نبودن به پذیرش سلطه و استیلای سایر قدرت‌ها.

۴- امکان پیشرفت و توسعه

علیرغم وجود رقابت‌ها و

کارشکنی‌های سایر قدرت‌ها.

از این رو است که گر چه در

نگاه دینی قدرت ملی ابزار و

وسيله‌ای برای نیل به اهداف

بلند و متعالی به حساب

می‌آید و چنین نقشی از آن

مورد انتظار است، اما گاهی

خود هدف نیز به حساب

می‌آید. چرا که در صورت

تامین قدرت ملی، مهمترین

و اساسی‌ترین وسیله حفظ موجودیت و

تامین اهداف و منافع ملی کشور و دستیابی

به حقوق مسلم نیز فراهم می‌آید

د) چرایی قدرت ملی:

استحکام بخشی به ساخت درونی قدرت از نگاه رهبری، امکان عبور از شرایط فعلی کشور را در آستانه‌ی ورود به پیچ سرنوشت ساز تاریخی فراهم می‌آورد. در حال حاضر جمهوری اسلامی با چند مساله و موضوع راهبردی مواجه است:

۱- مذاکرات هسته‌ای که طرف اصلی دنیای استکبار به سردمداری آمریکا است.

۲- وجود تهدید و شرایط تحریم علیه کشور که هدف اصلی آن واداشتن کشورمان به تسلیم و سازش می‌باشد.

۳- ضرورت پیشرفت و الگودهی به ملت‌هایی که بیداری اسلامی را تجربه کرده و نیازمند داشتن الگویی عملی برای اداره‌ی کشورها به طور مستقل هستند.

چنین شرایطی برای دنیای استکبار نیز تعیین کننده و سرنوشت ساز به حساب می‌آید و لذا تلاش می‌کند تمام زور و قدرت خود را برای تغییر معادله به نفع خویش بکار گیرد.

از این رو فلسفه شعار سال از نگاه رهبر معظم

انقلاب بسیار شفاف و گویا

است و ایشان به طرقي اعلام

فرموده‌اند، «حرف من در یک

جمله عبارت است از اینکه

ملت ایران باید خود را قوی

کند این حرف من است.»

چرا که از نگاه راهبردی معظم

له «اگر ملتی قوی نباشد و

ضعیف باشد زور خواهد

شرفت، به او زور می‌گویند.

اگر ملتی قوی نباشد، باج

گیران عالم از او باج می

گیرند، از او باج می‌خواهند، اگر بتوانند به

او اهانت می‌کنند. اگر بتوانند زیر پا او را لگد

می‌کنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادی

اداره می‌شود همین است.»

جمع بندی این فرمایشات این است که اگر

می‌خواهیم زور نشنویم باید قدرتمند شویم.

حتی اگر اصلی‌ترین مساله، دیپلماسی و مذاکره

هم باشد، در اقتدار و قدرت داخلی معنا پیدا

می‌کند و لذا امام خامنه‌ای به خوبی اشاره

می‌فرمایند که «بادرک حقیقت اتکا به نیروی

داخلی می‌توان فهمید چرا آمریکا و قدرت‌های

دیگر به معنای جامع کلمه و نه فقط نظامی، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.»



اگر می‌خواهیم زور نشنویم
باید قدرتمند شویم.
حتی اگر اصلی‌ترین مساله،
دیپلماسی و مذاکره هم
باشد، در اقتدار و قدرت
داخلی معنا پیدا می‌کند



تاریخ تحلیلی اسلام

وقایع سال ششم هجرت

قسمت دهم

ابن ابی زرار، وی به تحریک بعضی ها و یا به تعبیری حمایت های کاذبی که بعضی افراد از او می کردند عده ای را جمع آوری کرد و از بعضی قبایل و طوایف هم استمداد جست و نیرویی را فراهم کرد برای اینکه با پیامبر و مسلمانان بجنگد. قبائل و افرادی که اعلام حمایت کرده بودند هنگامی که جنگ شروع شد او را تنها گذاشتند لذا این جنگ یک جنگ شدید و خطرناک و جدی نبوده است. پیغمبر وقتی از نیات آن ها مطلع می شود سپاهی فراهم می کند و راه می افتند تا با آن ها بجنگند، می نویسند رسول خدا با یارانش تا منطقه ای به نام مریسج جلو می روند در این جا خیمه ها را زده و آماده نبرد می شوند وقتی درگیری رخ می دهد حتی یک نفر از قبیله بنی مُصَلَّق نمی توانند فرار کنند و همه را می کشند و یا اسیر می کنند. از مسلمانان فقط یک نفر به نام هشام ابن سُبَابه کشته می شود و این جنگ به صورت خاص نبوده ولی به خاطر مسائل جنبی اش مطرح شده است.

از حوادث مشهوری که بعد از حادثه بنی مُصَلَّق در سال ششم رخ داده است درگیری جَحْجَاح ابن مسعود که از مهاجرین است با سِنان ابن مالک که از انصار است می باشد، این درگیری بر سر برداشتن آب از آبگاہ بین جَحْجَاح و سِنان رخ می دهد سِنان از انصار کمک می طلبد و جَحْجَاح از مهاجرین، اوسیان و خزرجیان به کمک سِنان می آیند و عده ای از مهاجرین مکه هم به کمک جَحْجَاح، شمشیرها کشیده می شود و احتمال دارد که نبرد هم رخ دهد، در این درگیری جَحْجَاح که از مهاجرین است به سر و صورت سِنان می زند و مجروحش می کند منتهی بعد با وساطت عده ای از بزرگان و بارضایت سِنان قضیه تمام می شود.



سال پنجم هجرت مهمترین حادثه را جنگ احزاب و یا خندق و به دنبالش غزوه بنی قُرَیظَه دانستیم.

به لحاظ تاریخی در سال ششم هجرت وقایع مهمی داریم. بعضی از این سال ها یک اسمی دارند مثلاً سال هفتم را سنه الإستقلال و سال ششم را سنه الإستیناس می گویند شاید وجه تسمیه نام گذاری سال ششم به این دلیل باشد که صلح حدیبیه در این سال رخ داده است. بعد از این صلح ده ساله بود که مسلمانان یک آرامش نسبی پیدا کردند و از تعرض ها و تعدی های کفار رسماً یک قدری راحت شدند و این واژه از انس است چون باعث شده مسلمانان با هم به راحتی و آرامش و محبتی برسند.

حادثه بنی مُصَلَّق جزء مهمترین حوادث سال ششم است تعدادی از مورخین مثل مسعودی و واقدی و ابن سعد این حادثه را سال پنجم ذکر کرده اند ولی اکثریت مورخین آن را در شعبان سال ششم هجرت دانسته اند. بنی مُصَلَّق طائفه و تیره ای بودند از خُزاعه که همجوار قریشی ها زندگی می کردند و رئیسی داشتند به نام حارث

در شماره قبل در مورد جنگ خندق و یا احزاب که مهمترین اتفاق سال پنجم هجرت است مباحثی عنوان شد.

در سال ششم بیشترین سرایا رخ داده است که در سال های قبل از آن به این مقدار سریه نداشتیم ولی در مطالب خود به هیچ یک از این سریه ها بحث نخواهیم کرد چون جزء حوادث مهم نیستند چون مسائل مهمتری است - اگر علاقه داشتید خودتان وارد تاریخ شوید و بررسی و مطالعه کنید.

ذکر کردیم یکی از مهمترین حوادث سال دوم هجرت غزوه بنی قینقاع و دیگری جنگ بدر و جریان تغییر قبله بود. البته در سال دوم مسائل دیگری هم رخ داده مثل ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س).

در سال سوم هجرت مهمترین حادثه آن را جنگ احد دانستیم، در مورد سال چهارم غزوه بنی نظیر و دو حادثه تبلیغی بئر مؤنه و سریه رجیع را ذکر کردیم.



محمد قهرمانی



برای ظهور مهدی موعود - ارواحنافداه -
 زمینه باید آماده بشود و آن عبارت از عمل
 کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و
 اسلام است.

خبر این درگیری به گوش عبد الله ابن ابی می رسید او از اینکه یک مهاجر یک انصار را کتک زده و بعد هم انصاری گذشت کرده است سخت خشمگین و ناراحت می شود و جمله‌هایی می گوید که همه مفسرین و مورخین آنرا نقل کرده اند. ابن ابی می گوید «حقمان است باید توی سرمان هم بزنند ما همه چیزمان را در اختیار آن ها گذاشتیم حالا این قدر شناسی آن هاست که در شهر خودمان توی سر خودمان بزنند و صدایمان هم در نیاید و مثل ما و این ها ضرب المثل معروف عرب است که می گوید سگت را چاق کن تا بخورد! به خدا قسم وقتی برگردم به مدینه مهاجرین را از مدینه اخراج خواهم کرد چون پررو شده اند بعد خطاب می کند به یکسری از انصار که «اگر شما به رسول خدا اتفاق نمی کردید مردم از دور او متفرق می شدند مسئله تمام می شد». زید ابن ارقم از انصار و جوان نابالغی است و اگر چه از انصار است اما طاق حرف های عبد الله ابن ابی را ندارد به نزد پیغمبر می آید و خبر می دهد که عبد الله ابن ابی چنین حرف هایی زده است. پیغمبر از اینکه او دارد بین مهاجرین و انصار نفاق ایجاد می کند و مسائل قومی و قبیله ای را زنده می کند سخت ناراحت می شوند دستور می دهد که زودتر از مدینه بروند. اُسید ابن هُزیر به پیامبر می گوید چرا این وقت و پیامبر هم قضیه عبد الله ابن ابی را می گویند و او می گوید «عبد الله قبل از اینکه شما بیایید به مدینه برای خودش مقامی داشته و فکر می کرده که قرار است رهبر مدینه شود و حالا می پندارد که شما او را از مقام و شوکتش پایین آوردید او حقیر و کوچک است و شما بزرگید و بخشش از بزرگان است.» عبدالله ابن ابی هم می آید نزد پیامبر و می گوید که زید جوان است و به حرفش گوش نکنید و من چنین حرفی را زده ام و دروغ است و قسم هم می خورد و عده ای از انصار هم جانب عبد الله را - که بالاخره از بزرگان مدینه بوده - می گیرند و می گویند لابد زید چون بچه است خوب حرف

عبد الله را نفهمیده و اشتباه برداشت کرده است. شهادت جمعی از انصار و قسم خوردن خود عبد الله کار را بر زید تنگ می کند و او را هم البته شماتت می کنند که تو چرا اختلاف ایجاد می کنی و خاطر پیامبر را مکدر می کنی؟ خداوند نمی پسندد که یک جوان با ایمان از روی ایمانش چون نتوانسته حرف های بد آن ها را تحمل کند بین مردم سسرافکنده شود و چند آیه از آیات سوره منافقین برای دفع تهمت از زید ابن ارقم و برای صدق گفتار او و اینکه عبد الله ابن ابی چنین یاهو هایی را جاری کرده نازل می شود. از قول عبد الله ابن ابی در آیه ۸ می فرماید «اگر برگردیم به مدینه

ما عزیزها این ذیلان را بیرون می کنیم» و در آیه قبل هم که آیه ۷ است می گویند که منافقین می گویند که انفاق نکنید به آن ها که از اطراف رسول خدا پراکنده شوند» ۲. پس از نزول این آیات مسئله روشن می شود که عبد الله ابن ابی این حرف ها را زده است و زید ابن ارقم از آن مهلکه نجات پیدا می کند. بعد از نازل شدن این آیات عبد الله ابن

ابی پسری دارد به نام عبد الله که از افراد بسیار با ایمان و شاخص هم هست و می آید پیش پیامبر (البته بعد از شنیدن حرف عمر که به پیامبر گفته اگر اجازه دهید عبد الله ابن ابی را بکشم و پیامبر هم فرموده باشند نه! اگر بنا باشد یاران خودمان را بکشیم مردم خواهند گفت او به اصحاب خودش هم رحم نمی کند و ما با او مدارا می کنیم) و می گوید که اگر قرار باشد کسی او را بکشد من این کار را می کنم و انقدر که من به او مهربانی کردم کسی نکرده و می ترسم اگر کسی دیگر او را بکشد من نتوانم قاتل پدرم را ببینم که در میان مردم زندگی می کند و عکس العملی نشان دهم، پیامبر به وی می فرماید



عبدالله قبل از اینکه شما بیایید به مدینه برای خودش مقامی داشته و فکر می کرده که قرار است رهبر مدینه شود و حالا می پندارد که شما او را از مقام و شوکتش پایین آوردید او حقیر و کوچک است و شما بزرگید و بخشش از بزرگان است



که ما با او مدارا می کنیم. بعدها پیامبر به عمر می گویند که یادت هست گفتی عبد الله ابن ابی را می خواستی بکشی؟ اگر من آن زمان به تو اجازه می دادم به خاطر احترامی که او در بین مردم داشته آن ها مرا ملامت می کردند اما الان کارهایی می کند که خود مردم مدینه هم او را سرزنش می کنند و حتی خودشان هم حاضرند او را بکشند و ماهیت او در طی این سال ها خودش را نشان داد.

بیشتر آیات سوره منافقین در بازگشت از غزوه بنی مطلق در همین مقطع نازل شده است یعنی دو سه روز بعد از درگیری بر سر چاه آب. به لحاظ اهمیت قرارداد

صلح حدیبیه و بیعت رضوان پرداختن به حوادث سال ششم را به همین مقدار اکتفا می کنیم و در شماره آتی مطالب را پیرامون این موضوع پی می گیریم. والسلام.

۱- يَقُولُونَ لئن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنَهَا الْأَذْلَ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸) آنها (پنهانی) می گویند اگر به مدینه مراجعت کردیم البته باید (یهودیان) اربابان عزت و ثروت مسلمانان دلیل را از شهر بیرون کنند و حال آنکه عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است و لیکن منافقان از این معنی آگاه نیستند (۸).

۲- هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفُضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (۷) اینها همان مردم بدخواهند که می گویند بر اصحاب رسول انفاق مال مکنید تا از گردش پراکنده شوند در صورتی که خدایا گنجهای زمین و آسمانهاست لکن منافقان درک آن نمی کنند (۷).



بیستمین همایش سراسری خواهران پیروان عترت در قم برگزار شد

اثرات دنیای رسانه در مناسبات خانوادگی و آسیب‌شناسی وضعیت کنونی هیأت‌ها، راهکارها و نحوه‌ی جذب مخاطب در شهر مقدس قم برگزار شد. آنچه در این نوشتار آمده است؛ خلاصه‌ای از سخنرانی‌های این همایش می‌باشد.

بیستمین همایش سراسری خواهران پیروان عترت هیأت‌رزمندگان اسلام؛ روزهای سوم تا پنجم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳؛ با محوریت و اهداف نقش هیأت‌های پیروان عترت در تحقق فرامین مقام معظم رهبری (دامت برکاته)؛ راهکارهای هیأت‌های پیروان عترت در گسترش فرهنگ فاطمی؛ روش‌های ترویج مفاهیم قرآن کریم در هیأت‌های خواهران؛

به سبک زندگی غربی و معرفی انواع خانواده‌ها در زندگی امروز و خطرات ناشی از تغییر هنجارهای جوامع شرقی و دینی از جمله ایران به تبعیت از دنیای غرب پرداخت. ایشان با مطرح کردن این مسئله که ابزار این تغییر رسانه‌ها هستند؛ عنوان کرد: متفکران و جامعه‌شناسان غربی، در تلاش اند چارچوب خانواده را از شکل طبیعی آن؛ که بصورت پدر و مادر و فرزندان است به اشکال دیگر از جمله، باهم باشی‌ها و هم‌جنس‌گرایی‌ها تعمیم دهند. دکتر عباسوند با ذکر این نکته که تغییرات در هنجارها؛ بدلیل پشوانه‌ای که از سوی قواعد حقوقی برای آنها، تأمین میشود، اجتناب‌ناپذیر شده

دیگران، بخشش، انفاق، اعطای محرومین، تفکر در سکوت، عبرت در نگاه، ذکر در کلام را از ویژگی‌های پیامبر اعظم (ص) به عنوان بزرگترین مدیر و رهبر جهان اسلام دانستند. دکتر عباسوند خطاب به مسئولین هیئات: تا تراکم دانش صورت‌نگیرد و اطلاعات منسجمی پیدا نشود، نمیتوانید صحنه گردان یک جریان اجتماعی بشوید. سرکار خانم دکتر عباسوند؛ استاد حوزه و دانشگاه در رشته‌های فقه، اصول، فلسفه و کلام و همچنین عضو دفتر مطالعات و تحقیقات زنان حوزه علمیه قم؛ در موضوع نقش دنیای رسانه در مناسبات خانوادگی؛

چهارشنبه ۱۳۹۲/۲/۳

حجت‌الاسلام والمسلمین رفیعی:
پیامبر اکرم (ص) بزرگترین مدیر و رهبر جهان اسلام است.

حجت‌الاسلام والمسلمین رفیعی دکترای علوم و حدیث، خارج و فقه و اصول و مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری (حفظه الله)؛ با بیان صحبت‌هایی پیرامون اخلاق هیأت‌داری به مراتبی از موارد اخلاق اشاره کرد.

ایشان با توجه به ابعادی از شخصیت پیامبر اکرم (ص) به شرح حدیثی اشاره و اخلاص، رعایت اعتدال در رفتار، عدالت در شادی و غم، برقراری پیوند و ارتباط با



اعتقاد به مهدی موعود (عج)، شیعه را تا امروز از آن همه پیچ و خم های عجیب و غریبی که در سرراهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله عزت و پرچم سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شیعه ایران است. هر جا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد.

گفتمان ولایت فقیه گردند. وی در این راستا نقشه ی راه را؛ شعاری دانست که در نوروز هر سال توسط مقام معظم رهبری (حفظه الله) بیان می شود و تبدیل این شعار را به گفتمان به معنای یک باور عمومی وظیفه تمامی کسانی که در هیئات هستند، خواند.

آیت الله خاتمی: هیأت رزمندگان اسلام؛ شجره ی طیبه ی متولد شده ی پس از جنگ و پاسدار فرهنگ جهاد و شهادت است.

آیت الله خاتمی؛ امام جمعه ی موقت تهران، ضمن بیان این مطلب که هیأت رزمندگان اسلام؛ شجره ی طیبه ی متولد شده ی پس از جنگ می باشد و پاسدار فرهنگ جهاد و شهادت است به تجلیل مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در سال ۹۲ از هیأت رزمندگان اسلام اشاره و مسئولیت این مجموعه را بسیار سنگین دانست. ایشان در مبحث نقش هیئات پیروان عترت در نشر مفاهیم قرآن کریم؛ با مدنظر قرار دادن آیه ۵۴ سوره مائده به ذکر ویژگی هایی از جامعه ی دینی پرداخت که مورد محبت خداوند بودن، کار را برای رضای الهی انجام دادن، مهربانی نسبت به یکدیگر و تلاش برای جذب حداکثری، فرهنگ انزجار از بیگانگان و دشمنان، دغدغه ی دین داشتن و جهاد در راه خدا، هراس نداشتن از سرزنش ها، توبی - تبری و ولایت مداری از جمله ی این ویژگی ها ذکر شد. ایشان با ذکر نکاتی پیرامون ولایت مداری صادقانه و عملی به عنوان یکی از مهمترین ویژگی های جامعه ی دینی گفتند: تشکلی از نگاه مادینی است که ولایت مدار است. هر جمع و هر مسئولی که با ولایت باشد محبوب ماست و هر کس این چنین نباشد؛ حتی اگر یک میلیمتر از ولایت زاویه بگیرد از ما نیست. ما معتقدیم محور اعتدال ولایت است. ولایت مداری صادقانه و عملی.

و طریق اسلام قرار دهید، بغیر از زبان آنها را بخوانید. « متذکر شد: شما، مسئول هیأت رزمندگان اسلام بعنوان یک تشکل دینی و مؤثر هستید لذا وقتی دیگران کنار تان قرار میگیرند، بایستی به گونه ای عمل کنید که آنها از منش، رفتار، تعامل اخلاقی تان با مسائل، آرامش و طمأنیه، نیکو برخورد کردن با دیگران، جذب هیأت شوند. بایستی الگوی عملی اخلاق باشید.

پنجشنبه - ۱۳۹۳/۲/۳

دکتر یدالله جوانی: هیأت ها باید مدافع جبهه ی حق و مبلغ دیدگاه های ولایت باشند.

سردار سرتیپ دوم پاسدار یدالله جوانی تحلیل گر مسائل سیاسی؛ با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در دیدار با اعضای هیأت رزمندگان اسلام مبنی بر سکولار نبودن هیأت به توضیح فرمایشات معظم له پرداخت. وی با بیان این مطلب که شاخص اطاعت از خداوند متعال؛ تبعیت از رسول خدا(ص) و شاخص اطاعت از رسول الله(ص)، تبعیت از ائمه و پیشوایان دین (علیهم السلام) است؛ معیار اطاعت از خدا، رسول خدا و ائمه ی اطهار (علیهم السلام) را در عصر حاضر؛ تبعیت از ولی فقیه دانست. جوانی با بیان اینکه امام خمینی (ره) بر این باور بودند که آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند، افزود: با وجود این آموزه ی مهم و حیاتی هنوز هم برخی از سیاستمداران سعی دارند با آمریکا در تعامل باشند و نظرشان بر این است که آمریکا یکی از حکومت های قدرتمند جهان است که باید به آن اهمیت داد. سردار جوانی با ذکر این نکته که حق نور است و باطل ظلمت؛ بیان نمود: اگر می خواهیم نور جهان گیر شود باید مدافع جبهه ی حق باشیم. هیأت ها که صاحب منبر و تربیون هستند؛ باید مبلغ دیدگاه های ولایت باشند، به این معنا که به شکل مستدل، منطقی و معقول مروج

است؛ گفت: با توجه به تهاجم های صورت گرفته، امروز در جامعه ی ایران، نمی توانیم مطمئن باشیم که تا ابد فضای خانواده به شکل سنتی باقی بماند.

وی با اشاره به ضرورت ارتقاء آگاهی علمی در مسئولین هیئات؛ به ذکر منابعی از کتب، سایت ها و اطلاعات پرداخت و عنوان کرد: تا تراکم دانش صورت نگیرد و اطلاعات منسجمی پیدا نشود، نمیتوانید صحنه گردان یک جریان اجتماعی بشوید. آنچه امثال بنده در کمتر از یک ساعت یا بیشتر عرض میکنیم، چندان افاقه ای برای کمک به رفع نگرانی های شما نمیکند بنابراین نیاز هست که شما به عنوان مسئول هیأت؛ مطالعاتتان را به طور منسجم بالا ببرید.

حجت الاسلام والمسلمین مهدی طائب: امروز؛ مسئولیت زنان بازگشت به خود است. حجت الاسلام والمسلمین مهدی طائب در مبحث زنان عاشورایی به مسئولیت زنان در خانه اشاره و بیان نمود: امروز مسئولیت زنان ما بازگشت به خود است و منظور از آن رسیدن به ابعادی از شخصیت حضرت زهرا(س) است. ایشان به فداکاری حضرت خدیجه (س) در تاریخ اسلام اشاره کرده و آن را آزمون میان غنا و فقر دانست و به بیان سختی ها، مسئولیت ها و مصائب وارده بر حضرت(س) از آغاز کودکی تا پایان زندگی پر برکت ایشان پرداخت. پرسش و پاسخ به شبهات و برخی مسائل روز پایان بخش سخنان ایشان بود.

مجتهد زهره صفاتی: مسئولین هیأت رزمندگان اسلام؛ باید الگوی عملی اخلاق باشند.

بانو مجتهد زهره صفاتی؛ با صحبت هایی پیرامون نقش و اهمیت هیئات خواهران در مجموعه ی هیأت رزمندگان اسلام، به بیان نکاتی درباره ی ویژگی های مسئول هیأت پرداخت. وی با بیان روایتی از امام صادق(ع) که: « كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ. اگر میخواهید مردم را هدایت کنید و در مسیر



جمعه - ۱۳۹۳/۲/۵

حجت الاسلام والمسلمین زبیبی نژاد: هیأت ها برای ساختن حلقه های تخصصی، تلاش کنند. امروز شاهد متلاشی شدن جمعیت های مؤمنین هستیم

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا زبیبی نژاد؛ مسئول مرکز مطالعات و تحقیقات زنان حوزه علمیه قم؛ در مبحث سبک زندگی اسلامی؛ با اشاره به برخی ویژگی های تفکیکی شخصیت زن و مرد در حوزه ی خانواده به روابط و جایگاه اعضای خانواده با یکدیگر پرداخته و گفت: خانواده به عنوان جامعه ای کوچک جایگاه بسیار حساسی دارد. اگر میخواهیم جامعه ای دموکراتیک و نظامی ولایی داشته باشیم باید ابتدا در بطن خانواده این گونه عمل کنیم.

وی با طرح این مسئله که ابراز محبت از سوی مردان نسبت همسرانشان و حفظ اقتدار، شخصیت و احترام مردان از سوی زنان به عنوان الگوی رفتاری در خانواده ی دینی و اسلامی مطرح است؛ افزود: امروز جامعه شناسی وارد عرصه ای جدید شده است که تحولات جامعه را نه بر اساس مفهوم طبقه؛ بلکه بر پایه ی مفهوم مصرف مورد بررسی قرار می دهد و مفهوم مصرف به معنای اقدامات و رفتار های روزمره ی هر یک از ما بوده و نمایان گر پیام است. لذا بایستی الگوهای مصرف را متحول کنیم. وی با بیان این مطلب که احساس غمخواری برای مردم؛ در جامعه ی ما به عنوان جامعه ای

فارسی است. حاصل این کار؛ فروریختن قبح گناه در نگاه و قلب جوانان، بدبینی نسبت به نظام و آینده ی کشور و روی آوردن به عرفان های کاذب است. افزایش روند رشد مصرف اینترنت و استفاده از فضاهای مجازی نامناسب، روند رو به رشد طلاق و کاهش نرخ باروری جمعیت از عرصه های تهاجم فرهنگی جامعه ی ما بوده که دشمنان نظام اسلامی روی آن کار کردند. وی با تأکید بر حضور و مدیریت جهادی با توکل بر خداوند متعال، صبر و بدون ناامیدی بهنگام خستگی؛ به بیان بخشی از بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در حوزه ی زنان و خانواده پرداخته و با ذکر اهمیت کار مسئولین هیأت های خواهران؛ آنان را در ایجاد بسترهای مناسب برای فرهنگ سازی؛ مسئول دانستند.

ایشان با بیان این مطلب که مسئولین هیأت می بایست؛ آسیب ها و عرصه های تهاجم فرهنگی را برای خانواده ها مشخص کنند؛ خاطر نشان کرد: درباره ی اهمیت حضور زن در خانواده؛ اثر گذاری نسل شیعه و مسلمان، اقتصاد مقاومتی، بدپوششی ها و روی آوری به اعتیاد ناشی از مراجعه به سایت های غیر اخلاقی و فضاهای نامناسب مجازی و شبکه های ماهواره ای برای مردم روشنگری کنید.

سردار حسین نجات همچنین با ذکر این نکته که: امروز هر قدمی علیه وحدت شیعه و سنی برداشته شود، در دامن آمریکا و رژیم اشغالگر قدس تدبیر شده است افزود: توجه به مرزهای اعتقادات شیعه و سنی و احترام به این مرزها در سخنرانی ها، اصل است. ایشان تلاش برای راه اندازی اتاق های فکر، جذب حداکثری جوانان و چشم نداشتن به کمک های غیرمردمی را از وظایف هیئات دانست. گفتنی است بهره گیری از محضر آیت الله مکارم شیرازی؛ زیارت حرم مطهر حضرت فاطمه ی معصومه (س)؛ مسجد مقدس جمکران؛ برگزاری مسابقه ی کتابخوانی از کتاب ارزشمند انسان ۲۵۰ ساله و تقدیر از ۷ هیأت نمونه ی مراکز استان ها از دیگر برنامه های این همایش بود.

مذهبی کم رنگ شده و امروز شاهد متلاشی شدن جمعیت های مؤمنین هستیم؛ متذکر شد: هیئات باید پرچم دار باشند و برای استحکام پیوند بین اقشار مختلف مردم بکوشند. وی خاطر نشان کرد: باید از کسانی که ذایقه های نزدیک بهم دارند برای ساختن حلقه ها و زیر شاخه های تخصصی از جمله دانشجویان، هنرمندان، پژوهشگران، اصناف و... در هیئات بهره گرفت؛ هیأت تشکلی مردمی است که به هیچ نهاد و سیستمی وابسته نیست و مسئولین هیأت های بایست انگیزه ی خدمات مردمی را در فضای جامعه ایجاد کنند.

سردار حسین نجات خطاب به مسئولین هیئات خواهران: با حضور و مدیریتی جهادی؛ روشنگری کنید.

سردار حسین نجات با اشاره به تلاش روزافزون غربی ها در تهاجم علیه نظام جمهوری اسلامی گفت: غربی ها در ۳ محور تحریم اقتصادی، حمله ی سیاسی و دیپلماتیک (انزوا ی سیاسی) و عرصه ی فرهنگی برای ضربه به نظام و ملت جمهوری اسلامی ایران در تلاش اند.

ایشان با ذکر نمونه ها و مصداق هایی؛ هدف از حمله ی فرهنگی دشمن را تغییر باورها و انگیزه ها، الگوی مصرف رسانه ای و سلاقی مردم دانسته و افزود: امروز متوسط رشد مصرف ماهواره در خانه های ایرانی به ۶۵ درصد رسیده که از حدود ۲۰۰۰ شبکه ی دریافتی در ایران؛ ۱۵۲ شبکه به زبان

احکام فقهی

■ تهیه و تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل سعادت نژاد

احکام فقهی احیای مناسبت‌های مذهبی در فتاوی‌ای مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای مدظله‌العالی بر گرفته از اجوبه‌الاستفتائات

□ عزاداری و مدیحه سرایی شرعی :

در مراسم عزاداری و اعیاد لازم است نکات زیر رعایت شود و الا فعل حرام صورت گرفته است :

۱- باید از کارهایی که موجب تضعیف دین و سوءاستفاده دشمنان دین می شود مثل قمه زنی، پرهیز کرد حتی در خفا (مسئله ۱۴۶۱).

۲- برای بدن ضرر قابل توجه نداشته باشد. (مسئله ۱۴۶۲ و ۱۴۶۰)

۳- از دروغ گفتن و نسبت ناروا دادن به ساحت ائمه (علیهم السلام) و بزرگان دینی یا روضه های دروغ پرهیز شود، مگر اینکه به زبان حال و به حسب برداشت متکلم باشد و علم به خلاف بودن آن نداشته باشد. (مسئله ۱۴۴۶)

۴- موجب اذیت و مزاحمت برای دیگران نگردد. (مسئله ۱۴۴۷ و ۱۴۴۸)

۵- نباید با موسیقی حرام یا خواندنی همراه باشد که مناسب مجلس لهو و لعب، یا مهیج شهوت است.

۶- عزاداری یا شادی، همراه با کار حرام دیگری نباشد، مثل ایجاد مزاحمت برای نمازگزارن مسجد. (مسئله ۱۴۴۲)

۷- خلاف مقررات عمل نشود.

□ مسئله :

۱- اگر مراسم شبیه خوانی مشتمل بر دروغ، مستلزم مفسده یا گناه و موجب تضعیف دین نباشد، اشکال ندارند، اما بهتر است که به جای آن، از مجالس وعظ و ارشاد و ذکر مصائب

حسینی (ع) بهره برد. (مسئله ۱۴۴۰)

۲- اگر چه اقامه مراسم و شعائر دینی در زمانهای مناسب جزو مستحبات مؤکد است، ولی واجب است برگزار کنندگان، با کم کردن صدای بلندگو یا تغییر جهت آن، از مزاحمت و آزار همسایگان پرهیزند. (مسئله ۱۴۴۷)

۳- اگر قمه زنی در عزاداری ائمه (علیهم السلام) موجب مرگ شخص شود، در صورتیکه از همان ابتدا خوف خطر جانی داشته، اما در عین حال این کار را مرتکب شود و منجر به فوت او شده است، حکم خودکشی را دارد. (مسئله ۱۴۵۶)

۴- اموال و هدایای مردمی به عزاداری :

الف) در نوع مصرف آن به مسئول هیات یا حسینیه، اختیار کامل داده شده باشد طبق اختیار تام در عزاداری مصرف می شود.

ب) مورد شخصی باشد (مثلاً هزینه چای، هزینه مداح و...) فقط طبق مورد مصرف باید هزینه شود و اگر اموالی باقی ماند و مصرف نمی شود، در صورتیکه اختیار تام در مصرف نداشته باشند :

۱) دسترسی به اهدا کننده دارند باید از صاحبان آنها اجازه و رضایت بگیرند تا در موردی که مدنظر دارند، مصرف کنند.

(مسئله ۱۴۵۴ و ۱۴۵۳)

۲) دسترسی به اهدا کننده ندارند باید آنرا صدقه دهد، مگر آنکه یقین کند در مورد مخصوصی راضی به مصرف است که در اینصورت باید در همان مسیر صرف شود.



بیستمین همایش سراسری مدیران هیأت رزمندگان اسلام در مشهد مقدس برگزار شد

علم الهدی امام جمعه مشهد، حجج اسلام علیرضا پناهیان، علی محمدی سیرت (رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه)، مهدی ماندگاری، میرزا محمدی و دکتر رحیم پور از غدی، دکتر مقدم فر از جمله سخنرانان این همایش بودند.

بیستمین همایش سراسری هیأت رزمندگان اسلام روزهای هفدهم، هجدهم و نوزدهم اردیبهشت ماه در مرکز تداوم آموزش امام رضا (ع) مشهد مقدس برگزار شد. خلاصه‌ای از بیانات تعدادی از سخنرانان همایش آورده می‌شود.

بیستمین همایش سراسری مدیران هیأت رزمندگان اسلام روز جمعه ۱۹ اردیبهشت با حضور ۴۰۰ نفر از مدیران هیئات در جوار بارگاه ملکوتی ثامن الحجج (ع) به کار خود پایان داد.

این همایش با موضوعات نقش هیأت‌ها در حفظ و تقویت روحیه جهادی و زنده نگه داشتن عاشورا، نقش هیأت در تبیین گفتمان انقلاب و رهبری و نقش اسلام سیاسی، چگونگی ترویج معارف دینی و قرآنی در جامعه توسط هیأت‌ها، بررسی تحولات جهان اسلام و نقش جمهوری اسلامی در این تحولات با حضور و سخنرانی اساتید حوزه و دانشگاه برگزار شد. آیت الله کاظم صدیقی (امام جمعه موقت تهران)، آیت الله سید احمد

رئیس سازمان اوقاف:

تلاوت قرآن در ابتدای مراسم برای ترویج فرهنگ قرآنی کافی نیست

نماینده ولی فقیه و رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه، فلسفه قرآن را در تدبیر آیات نورانی آن دانست و گفت: تلاوت قرآن در ابتدای مراسم برای ترویج فرهنگ قرآنی کافی نیست. حجت‌الاسلام والمسلمین علی محمدی سیرت،





برای تحقق ظهور امام زمان (عج)، وجود ظلم و جور، شرط کافی نیست و وجود انسان های صالح، انگیزه های قوی، ایمان های راسخ، گام های استوار و دل های روشن نیز لازم و ضروری است.

نماینده ولی فقیه و رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه در بیستمین همایش سراسری هیأت رزمندگان اسلام در مشهد مقدس، با اشاره به ویژگی های یک مسلمان واقعی، صداقت و راستگویی، خوف از گناه، رعب داشتن از پرهیزگار، تمسک جویی در نماز، بخشیدن جان و مال در راه دین، روزه و صدقه، تلاوت قرآن و داشتن محاسن اخلاقی را از جمله این ویژگی ها بیان کرد.

رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه، تنها اکتفا کردن به تلاوت قرآن در ابتدای مراسمات را برای ترویج فرهنگ قرآنی ناکارآمد دانست و ادامه داد: حتی در شب قدر که شب نزول قرآن است، این برنامه زندگی غریب است، لذا باید تلاوت و تدبر در قرآن در همه محافل گنجانده شود.

وی با بیان اینکه پیامبر (ص) تأکید مؤکد بر تأمل و تدبر در قرآن کریم داشتند، اضافه کرد: متأسفانه مسلمانان به سفارش ایشان توجه و عمل نکردند و حق قرآن آنگونه که باید به جا آورده نشده است. نماینده ولی فقیه در سازمان اوقاف و امور خیریه با تأکید بر اینکه قرآن باید محور اصلی محافل و مجالس قرار گیرد، گفت: تنها به تلاوت قرآن در آغاز برنامه ها اکتفا نکنیم، به حفظ موضوعی آن اهمیت دهیم و از آنچه مورد نیاز جوامع اسلامی است به خوبی استفاده کنیم. وی با تأکید بر ضرورت برچیده شدن اشعار ناپسند و نامناسبی که در مجالس ائمه (ع) توسط عده ای از مداحان خوانده می شود، گفت: به جای این مسئله تفسیر آیات قرآن باید در این محافل گسترش یابد. رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه بر ضرورت توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب در موضوعات عاشورا، قیام امام حسین (ع) و دوری از سکولار و اجرای درست برنامه ها در هیئت های مذهبی تأکید کرد و یادآور شد: باید سخنان رهبر معظم انقلاب در خصوص

جلسات مذهبی و تأکید بر دوری از اشعار ناپسند نسبت به ائمه (ع) در این جلسات، سرلوحه کار همه مداحان قرار گیرد.

رحیم پور ازغدی:

تفاوت های هیأت انقلابی و سکولار /

شیعه آب خوردنش هم سیاسی است

دکتر حسن رحیم پور ازغدی در سخنرانی خود در بیستمین همایش سراسری هیأت رزمندگان اسلام گفت: غیرت اجتماعی و روح انقلابی را با کلاس و درس نمی توان گسترش داد ولی شما در هیأت می توانید آن را زنده نگه دارید و نشر دهید چرا که راهپیمایی ۲۲ بهمن و روز قدس از مصادیق این غیرت است و روح انقلابی مردمی در ۹ دی، فتنه سال ۸۸ برچید. دشمن از غیرت انقلابی مردم می ترسد و می خواهد آن را از میان بردارد و اگر احساس کند دیگر این غیرت وجود ندارد هیچ مانعی در مقابل خود نخواهد دید و شیعه با لعن یزید بعد از آب خوردن این را نشان می دهد که آب خوردنش هم سیاسی است. بعضی ها می خواهند مرز حق و باطل را در جامعه رقیق کنند و مذهب را برای اوقات فراغت قرار دهند و به قول خودشان حساسیت زدایی کنند و با توجیه مذهبی اصالت را بر لذت قرار دهند برای همین از عبادات فردی حمایت می کنند در حالی که این کار تفکیک دین

از سیاست، اقتصاد و فرهنگ است. هیأت های انقلابی باید توطئه هیأت های سکولار را خنثی کنند و با ناامید کردن جوانان و گسترش بی تفاوتی و فرهنگ تساهل و تسامح لیبرالیستی مقابله کنند. نباید مسجد و هیأت را در عرض دیگر نهادهای اجتماعی دید بلکه آنها شامل همه نهاد های اجتماعی هستند و هیأت سکولار، نیمه شعبان را منتهای عدالت جهانی می داند و حضرت زهرا (س) را منتهای ولایت و امر به معروف و نهی از منکر معرفی می کند و انتظار فرج را گشایش در امر خودش می داند ولی هیأت انقلابی انتظار فرج را انتظار جهاد و شهادت در نبرد جهانی می داند. مادر عقاید شیعه نباید حتی یک میلیمتر هم عقب بیایم ولی باید همانند امیرالمؤمنین یک حدی نگه داریم تا فتنه به وجود نیاید.

ایشان با بیان این که اهل بذل و بخشش بودن، مهربانی با مردم، ارتباط با دیگران، حد نگه داشتن هنگام عصبانیت و خوشی از علامت های شیعه است و همچنین از مشخصه های او این است که در شادی و غم اهل بیت شاد و غمگین است و در راه آنها از جان و مالش می گذرد. ولایت دارای دو شرط تقوا و عمل است و امام صادق (ع) در این باره می فرماید جای تعجب است از کسی که معصیت می کند ولی ادعا دارد که ما را دوست می دارد زیرا حقیقت محبت اطاعت است.



معاون فرهنگی اجتماعی سپاه:

مسئولیت‌های حاکمیتی دولت در عرصه فرهنگ قابل واگذاری نیست

حمیدرضا مقدم‌فر در بیستمین گردهمایی مدیران هیأت‌های رزمندگان اسلام سراسر کشور در مشهد مقدس، با تبیین شرایط و وضعیت فرهنگی کشور و برشماری برخی از اهداف عملیاتی دشمنان در عرصه جنگ فرهنگی اظهار کرد: این جنگ یک جنگ تمام‌عیار و واقعی است. معاون فرهنگی اجتماعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ضمن انتقاد از سیاست خصوصی‌سازی فرهنگ به جای مردمی کردن آن گفت: مردمی کردن فرهنگ و واگذاری حوزه‌های تصدی‌گری دولت به بخش‌های مردمی امری لازم و ضروری است، اما این به معنای خصوصی‌سازی مثل حوزه‌های اقتصادی نیست که صفر تا صد و همه مسئولیت‌های دولتی و حاکمیتی را به بخش خصوصی واگذار کرد.

مقدم‌فر خاطر نشان کرد: دولت اسلامی وظایف حاکمیتی معینی در عرصه فرهنگ دارد که از جمله آن ۲ وظیفه‌ای است که جنبه سلبی و ایجابی دارد؛ در بعد ایجابی حمایت، پشتیبانی و بسترسازی برای حضور هر چه بیشتر مردم مؤمن و انقلابی در عرصه فرهنگ و در راستای تقویت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی ضرورت دارد. در بعد سلبی ممیزی آثار و فیلترینگ دو وظیفه مهم دولت در امور حاکمیتی است، عموم دولت‌ها و واحدهای سیاسی در دنیا این وظایف را به نوعی اعمال می‌کنند، نباید سالم‌سازی فضای فرهنگ کشور و پاکیزه کردن فکر و غذای روح انسان‌ها به عنوان مأموریتی منفور نزد افکار عمومی نشان داده شود. چطور برای سلامت جسم و تغذیه انسان‌ها کنترل، نظارت و فیلترینگ داریم اما برای تغذیه فکر چنین امر مهمی را زشت، قبیح و منفور می‌شماریم. بی‌شک این وظیفه، یک وظیفه حاکمیتی است و به هیچ

بخش خصوصی با هر گرایش و خط و فکری نمی‌توان واگذار کرد و با مقولات تصدی‌گری و مشارکت نخبگان متفاوت است.

مقدم‌فر در ادامه به بررسی راهکارهای مقابله با جنگ فرهنگی از سوی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و از جمله هیئت رزمندگان اسلام پرداخت و گفت: نکته اول این است که باید روحیه‌ای جهادی در عرصه فرهنگ کشور و همچنین نیروهای فرهنگی معتقد و وفادار به ارزش‌های انقلاب اسلامی شکل بگیرد. مؤلفه دوم مدیریت جهادی است که مخصوص مدیران و مسئولان فرهنگی کشور است؛ ضرورت وجود مدیریت جهادی در عرصه فرهنگی بین مدیران بیش از ضرورت آن در حوزه‌های اقتصادی است، زیرا ما در کشور از ظرفیت‌های فراوان فرهنگی در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی برخورداریم اما یکی از ضعف‌های مهم این عرصه ضعف در مدیریت جهادی عرصه فرهنگ بین مسئولان و متصدیان است. مدیریت جهادی نیاز امروز کشور در همه عرصه‌ها بوده اما در عرصه فرهنگی ضروری‌تر و مهمتر است.

مقدم‌فر در ادامه به تبیین برخی از ویژگی‌های مدیران جهادی در عرصه فرهنگ پرداخت و گفت: دشمن شناسی به معنی آگاهی از تاکتیک‌های دشمن، عزم و ایستادگی در برابر دشمن، عقانیت و تدبیر در برابر تهاجمات از ویژگی‌های مدیر جهادی در حوزه فرهنگ است؛ مدیر جهادی اهل کار و تلاش خستگی‌ناپذیر است، روحیه خودباوری و اعتماد به نفس دارد و از ولی حق و رهبر و فرمانده خود تبعیت می‌کند. وی خاطر نشان کرد: مدیر جهادی حوزه فرهنگ همچنین به علم روز مجهز است و علاوه بر تکلیف‌مداری به اثربخش بودن فعالیت‌ها اهتمام و به نصرت الهی نیز اعتماد دارد. هماهنگی، هم‌افزایی و هم‌پوشانی فعالیت‌های فرهنگی در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی امری ضروری است.

آیت الله علم الهدی:

سنی ستیزان متحجر همچون وهابیت بلای جان شیعه هستند

آیت الله علم الهدی، امام جمعه مشهد در بیستمین همایش دو روزه سراسری هیأت رزمندگان اسلام گفت: دنیای استکبار به این نتیجه رسیده است که ابتدا نباید نامی از امام علی (ع) و حضرت زهرا (س) باشد و دیگر اینکه ذکری از پیامبر اکرم (ص) وجود نداشته باشد و برای قیچی کردن اسلام از دوله وهابیت سنی و تحجر شیعه استفاده می‌کند. تحجر شیعه که به سنی ستیزی می‌پردازد بستر و زمینه را فراهم می‌کند تا در اهل سنت جبهه وهابیت تقویت شود و شیعه کشی امری موجه و قابل قبول جلوه دهد. استکبار دو مشکل دارد یکی جریان اثرگذار انقلاب اسلامی در جوامع اسلامی و دیگری گرایش مردم دنیا به اسلام که برای برخورد با این دو مسئله طرحی را سازماندهی کرده تا مسلمانان یکدیگر را بکشند تا گرایش به اسلام در دنیا از بین برود. افرادی که به سنی ستیزی می‌پردازند ابزار انگلیس و جاسوسان آمریکا هستند و در قم ادعای مرجعیت دارند ولی دفترشان در لندن است و شما باید ریشه این توطئه را براندازید و در مقابل هیأت‌های آنها هیأت بسازید و برنامه‌های آنها را عقیم کنید. امام جمعه مشهد بیان کرد: امام هفتم می‌فرماید هر چه دوستی و محبت است به سمت ما جلب کنید چرا که با این کار زمینه حاکمیت ولایی در دنیا آماده می‌شود و رسالت اصلی ما جذب همه محبت‌ها به اهل بیت (ع) است نه اینکه زمینه ساز دشمنی با آنان را فراهم کنیم. آن عزاداری زنده است که امر به معروف و نهی از منکر دارد.

حجت الاسلام ماندگاری:

ولایت محوری و تکلیف محوری سه ویژگی فکری و رفتاری یک هیأتی است

حجت الاسلام ماندگاری در این همایش با بیان چگونگی استفاده از ظرفیت هیأت رزمندگان



تقوا، تواضع، فروتنی و گذشت در برابر ضعفا
و مقاومت در برابر زورمندان و ستمگران از
صفات سربازان امام عصر (عج) می باشد.

برای حفظ و ارتقای روحیه انقلابی در جامعه گفت: با توجه به آیه ۲۴ سوره انفال، می توان موجودات عالم را به دو دسته زنده و باخاصیت و مرده و بی خاصیت تقسیم کرد و هیأت هم یک موجود است که می تواند زنده یا مرده باشد و آن عزاداری زنده است که امر به معروف و نهی از منکر دارد و تقابل حق و باطل در آن واضح و مشخص است. وی ادامه داد: موجود زنده در قرآن سه علامت دارد یکی در برابر ویروس های داخلی مقاوت کند یعنی مقابل نفس اماره و اظهار و اعمال نظر و خرافات ایستادگی نماید دیگری در برابر ویروس های خارجی مقاوت کند یعنی مقابل دشمنان و شیاطین جن و انس ایستادگی نماید و سوم علاوه بر مقاومت در برابر ویروس های داخلی و خارجی به رشو و نمو خود ادامه دهد یعنی روند انقلابی بودنش را حفظ کند. دین محسوری، ولایت محسوری و تکلیف محسوری سه ویژگی فکری و رفتاری یک هیأتی است و هیأت نباید در گیر بازی دنیا شود و دین محسوری لازمه زنده بودن آن است. همچنین بعضی ها با ولایت تشخیص می دهند و بعضی ها از ولایت برای تشخیص خودشان توجیه می آورند و یک هیأتی نباید سلیقه محور باشد ضمن این که همان گونه که امام (ره) فرمود ما مأمور به انجام وظیفه و تکلیف هستیم و نباید نتیجه برای ما اصل قرار گیرد. سه راهکار را امام هادی (ع) در زیارت جامعه کبیره می فرماید که یکی اینست که در هیأت باید فکر امام حسین (ع) دنبال شود و فکر ایشان بزرگی خدا و جدی گرفتن قیامت و مکر شیطان است. وی افزود: و نخ تسبیح آن ولایت مداری است و دوم باید احساس حسینی و حب و بغض حسینی بیان شود و بنا بر آیه ۲۴ سوره توبه محبت های دیگر نباید از محبت خداوند و پیامبر (ص) محبوبتر واقع شود و علاوه بر آن حب گناه و امام حسین (ع) در یک دل جمع نمی شود و آخر این که تمام داری من سرباز امام حسین (ع) و ولایت باشد یعنی با اجازه ولایت خرج شود.

حجت الاسلام پناهیان:

مهم ترین وظیفه رفاقت با برادران اهل تسنن است

حجت الاسلام علیرضا پناهیان در اختتامیه بیستمین همایش هیئت رزمندگان اسلام که در مشهد مقدس برگزار شد، براساس سخنان حضرت رضاع (ع) درباره فتنه های آخرالزمان گفت: گروهی از کسانی که ما اهل بیت (ع) را دوست دارند خود فتنه ای برپا می کنند بدتر از فتنه دجال که خود دجال بدترین فتنه است. وی بیان کرد: افرادی که با ما دوستی دارند در آخرالزمان با دشمنان ما دوستی می کنند و با دوستان و برترین یاران ما دشمنی می کنند و برخی می گویند حکومت آمریکا اسلامی تر از حکومت جمهوری اسلامی است و آمریکا که دشمنیش با بشریت مشخص است را دوست مردم معرفی می کنند و جمهوری اسلامی که مواضعش مشخص است را دشمن بشریت می نامند. پناهیان تاکید کرد: آفت های مختلف است که به هیئات ضربه وارد می کنند و در زمانی که این اتفاق بیفتد و حق و باطل با هم آمیخته شود دیگر مومن از مومن شناخته نمی شود.

وی گفت: شیعه باید به غیر از حب خداوند و چهارده معصوم دوستدار محبین اهل بیت (ع) هم باشد. استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: با کمرنگ شدن احترام و حقوق به دیگران، علما و اندیشمندان و صاحبان سخن باید موضوعات سخنرانی خود را به سمت ادب ببرند و ادب هیئات در این است که چراغ هیئت خاموش نشود و همچنین هیئتی موفق است که شرکت کنندگان خود را به سمت ادب سوق دهد. وی با بیان اینکه مسئولان هیئات دارای وظایفی هستند افزود: آن وظایف عبارتند از رفاقت هیئات مذهبی با یکدیگر، رفاقت با شرکت کنندگان مراسمات مذهبی و در مناطقی که برادران اهل تسنن به ویژه در مناطق مرزی حضور دارند مهم ترین وظیفه رفاقت با برادران اهل تسنن است.

در حاشیه این همایش:

- بیستمین همایش سراسری هیأت رزمندگان اسلام در مرکز آموزش امام رضا (ع) مشهد مقدس برگزار شد.
- نزدیکی محل همایش به حرم مطهر رضوی و رفت و آمد همه روزه شرکت کنندگان در همایش به بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) فضایی معنوی به همایش داده بود.
- آقای حسین نجات مسئول هیأت و رئیس هیأت امناء در دو نوبت راهبردهای سال ۹۳ را برای حضار تشریح و تبیین نمودند.
- در ابتدای روز اول همایش آقای علی اکبر مداحی مدیر هیأت با عرض خیر مقدم جزئیات برنامه های همایش را اعلام نمود.
- در این همایش ۶ کارگروه تخصصی در زمینه مختلف تشکیل و با کسب نظر اعضاء مدیر کارگروه در بعد از ظهر روز دوم در همایش ارائه گردید.
- مداحی و مرثیه سرایی حاج صادق آهنگران در روز دوم همایش حال و هوای معنوی دوران دفاع مقدس را برای شرکت کنندگان زنده کرده بود و یادآوری آن دوران برای ایثارگران جا مانده از خیل شهدای هشت سال دفاع مقدس بسیار شیرین بود.
- در محوطه همایش دو میز جهت پاسخگویی به سوالات شرکت کنندگان در زمینه های کاری، تشکیلاتی و فرهنگی تعیین شده بود.
- در این همایش جلسه پرسش و پاسخ با حضور تعدادی از اعضای امناء و شورای مرکزی هیأت برگزار گردید.
- لوح فشرده تصویری مراسم تا پایان روز دوم همایش تکثیر و در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت.
- به شرکت کنندگان در این همایش بسته فرهنگی شامل کتاب و نرم افزار تخصصی اهداء شد.

انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران

مطرح در حوزه «جامعه‌شناسی دین» نیز پرداخته شده است. در ادامه باورهای شیعه درباره موضوعات مختلفی همچون شرایط و نشانه‌های ظهور، جامعه آرمانی پس از آن و ویژگی‌های امام‌مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده در فصل بعد «تاریخ تحولات مهدویت» را از آغاز تا انقلاب اسلامی، رشد تدریجی نیابت عام از مرجعیت تا ولایت فقیه، و همچنین مباحث مربوط به تشکیل حکومت دینی را مورد توجه قرار داده است. فصل چهارم که عمده مباحث کتاب را در بر گرفته، به «تأثیرات متقابل انقلاب و مهدویت» در ایران پرداخته و در خاتمه اقدام به ایراد پاسخ‌هایی کوتاه به پرسش‌هایی پیرامون تحقیق نموده است.

موضوع: مهدویت

نویسنده: غلامرضا پرهیز کار

ناشر: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

۲۷۲ صفحه - وزیری (شومیز) - چاپ ۱ - ۱۰۰۰ نسخه

قیمت پشت جلد: ۳۳۰۰۰ ریال

معرفی مختصر کتاب:

پژوهشی در قلمرو «مهدویت» است که تأثیرهای انقلاب اسلامی را در رشد مهدویت در ایران مورد بررسی قرار داده است. فصل نخست به بیان کلیاتی درباره بحث اختصاص یافته و در ضمن آن با توجه به ماهیت دینی موضوع پژوهش، به معرفی برخی نظریات



امام خمینی و هیات‌های دینی مبارز

برنامه‌های نواب صفوی و فداییان اسلام، شکاف میان مصدق و کاشانی و شکست نهضت ملی، ترور حسنعلی منصور نخست‌وزیر وقت، اعلامیه امام در این دوران و ارتباط روحانیانی چون شهید مطهری و شهید بهشتی با دیگر فعالان مذهبی و سیاسی و هیات مولف و دیگر عملیات نظامی و فعالیت‌های سیاسی و دیدارها و رفت‌وآمدهای افراد مبارز با حضرت امام خمینی تا پیروزی انقلاب در خاطرات بعدی به چشم می‌خورد. مبارزه مسلحانه سیدعلی اندرزگو و شهادت وی، مراسم بزرگداشت شهدای قم، تبریز و مشهد، چاپ و پخش و نشر اعلامیه‌های امام در سال‌های ۵۶ و ۵۷، چگونگی شکل‌گیری اعتصابات و تظاهرات‌های مردمی و تأسیس دسته‌ها، سازمانها و گروه‌های مذهبی و سیاسی، تبعید رضاخان و بسیاری از وقایع دوران معاصر و مواضع و دیدگاه‌های امام خمینی در مقاطع مختلف در دیگر خاطرات فعالان سیاسی که نامشان در این کتاب ذکر شده، نقل گردیده است.

پدیدآورنده: محمدجواد مرادی‌نیا

ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (ایران - تهران)

سال نشر: ۱۳۹۲ **تعداد صفحه:** ۳۴۵ تیراژ: ۳۰۰۰

معرفی مختصر کتاب: اثر حاضر، ارتباط امام خمینی را با تشکل

دینی مبارز در قالب خاطرات اشخاص بازگو کرده است. در خاطره اول از روزهای مبارزه در سال‌های ۱۳۴۲ به اعلامیه امام درباره تصویب لوایح ششگانه در رژیم پهلوی اشاره شده، در صفحات بعدی از شکل‌گیری حرکت‌ها و جریانهای اسلامی و سیاسی مذهبی در سال ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ سخن رفته، و گزارش بسیاری از وقایع سیاسی آن سال‌ها تا رحلت آیت‌الله بروجردی و قیام مردم در پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ و مواضع و اعلامیه‌های حضرت امام خمینی علیه شاه، دستگیری ایشان و مهاجرت علما و مراجع به تهران در خاطره دوم آورده شده است.



پنجره‌های تشنه

رافتح کنند. چند دقیقه ایستادیم و موقعی که تریلی داشت حرکت می‌کرد، به مردم می‌گفتمیم لبه حفاظ را اول کن الان زمین می‌خوری. پسر که فهمید دیر یا زود باید تریلی را رها کند».

نویسنده: مهدی قزلی

ناشر: شرکت انتشارات سوره مهر

۳۸۰ صفحه - رقعی (گالینگور) - چاپ ۱ - ۲۵۰۰۰ نسخه

تاریخ نشر: ۹۲/۱۲/۲۷

قیمت پشت جلد: ۲۹۵۰۰۰ ریال

معرفی مختصر کتاب:

کتاب حاضر، نوشتاری از اتفاقاتی است که در سفر ضریح امام حسین (ع) از راه زمینی و با بدرقه مردم به کربلا رخ داده است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «سیدیم به روستای «قهر»، مردم یا حسین گوین می‌دویدند سمت ضریح، انگار که بخواهند تریلی



و تظاهرات به دستگیری امام خمینی به شهادت رسیدند پرداخته شده و پس از آن خاطراتی از شخصیت‌های مختلف در این زمینه نقل گردیده است. نویسنده دیدگاه امام خمینی در مورد علت وقوع این واقعه را نیز منعکس کرده و نقش آمریکا در به وجود آمدن آن و همچنین اقدام مهم مردم ورامین در دفاع از فقاقت و مرجعیت را تشریح کرده است. وی از منظر اسناد و مدارک به جای مانده از آن زمان نیز به این حادثه اشاره کرده و کتاب‌های نگاشته شده در این زمینه و روایت‌های گوناگون برخی از شاهدان در این زمینه را نیز معرفی و بیان کرده است.

نامه نیمه خرداد

پدیدآورنده: مجتبی سلطانی احمدی - رحیم نیکبخت

میرکوهی

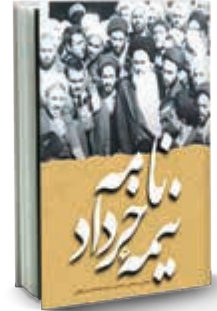
ناشر: خانه کتاب

۱۶۰ صفحه - رقی (شومیز) - ۱۱۰۰۰ نسخه

قیمت پشت جلد: ۴۵۰۰۰ ریال

معرفی مختصر کتاب:

در این اثر ابتدا به شرح اجمالی واقعه پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ که در آن عده‌ای از مردم ورامین در اعتراض



با اهل بیت (ع) مانیم: نکته‌های اخلاقی، اجتماعی در هیات‌های مذهبی

اخلاقی برگرفته از روایات معصومین (ع) مطرح شده و با توجه به آنها ساختار معنوی و شکلی هیات‌های مذهبی و نکات قابل توجه که باید در آنها رعایت شود، تبیین شده است. در این راستا مولف محترم به بیان لزوم رعایت شئون اخلاقی و آداب اسلامی در هیات‌های مذهبی پرداخته و زدودن این قبیل از مجالس دینی از خرافات و برخی از اعمال به دور از عقل و اخلاق را خواستار شده است. بر این اساس وی این قبیل از تشکلهای مذهبی را به پرهیز از غیبت، بی‌احترامی به بزرگترها، ریاکاری، نگاه حرام به نامحرم، دروغ، عیب‌جویی از دیگران، ریاست‌طلبی و بی‌نظمی دعوت نموده است.

پدیدآورنده: مجید زجاجی مجرد کاشانی

ناشر: مرسل {ایران-کاشان}

سال نشر: ۱۳۹۲

تعداد صفحه: ۲۲۴ تیراژ: ۱۰۰۰ قطع: وزیری

معرفی مختصر کتاب:

بیان برخی از فضایل و ردایل اخلاقی در سیره و سخن معصومین (ع) و تطبیق آنها بر نحوه عملکرد هیات‌های مذهبی است. در ابتدای کتاب کلیاتی در مورد کلیاتی در مورد علم اخلاق، مکاتب اخلاقی، ارزش‌های اخلاقی و آداب اخلاقی و اجتماعی ارائه شده و پس از آن مباحثی پیرامون برخی از صفات خوب و بد



امید و انتظار: حکومت الهی مهدی (عج) در روی زمین

زمان (عج) در قالب موضوعاتی چون: قطعی بودن ظهور، مدت حکومت امام زمان (عج)، امید و انتظار، نگاه مولانا به حضرت مهدی (عج) و... اختصاص دارد. ایشان در این اثر ادعان می‌دارند، هنگامی که حضرت مهدی (عج) به جامعه بشری گام بگذارند، هوی و هوس و تمایلات حیوانی که ملاک و محور رشد و کمال قرار گرفته بود، توسط آن حضرت سقوط خود را آشکار می‌سازند و جامعه بشری می‌تواند راه حق و سعادت را دریافته و طعم عدالت را بچشد.

نویسنده: مرحوم علامه محمدتقی جعفری (ره)

ناشر: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری

۱۱۲ صفحه - رقی (شومیز) - چاپ ۱ - ۲۰۰۰ نسخه

قیمت پشت جلد: ۲۰۰۰۰ ریال

معرفی مختصر کتاب:

اثر حاضر، مجموعه کوتاه و گزیده از نوشته‌های آیت الله «محمدتقی جعفری» است که به بررسی آفاق وجودی امام



روزشمار تاریخ و دفاع مقدس

گردآوری و تنظیم:
احسان اکبری

۳ شعبان ۱ ژوئن
ولادت حضرت
امام حسین (ع)
(۴ق) روز پاسدار



۱ شعبان ۳۰ مه

درگذشت ابن طاووس فقیه و
ادیب مسلمان (۶۹۳ق) / وفات
شیخ محمد حسن نجفی صاحب
کتاب جواهر الکلام و استاد شیخ
مرتضی انصاری (۱۲۶۶)



ولادت حضرت ابوالفضل (ع) روز جانباز / درگذشت ابوسعید ابوالخیر عارف و شاعر معروف
(۴۴۰ق) / درگذشت آزاده سرافراز حجت الاسلام سید علی اکبر ابوترابی / رحلت آیت الله العظمی
سید محسن حکیم زعمیم حوزه علمیه نجف اشرف (۱۳۴۹ش)



۴ شعبان ۲ ژوئن

هنگامی که مژده ولادت عباس به امیرالمؤمنین (علیه السلام) داده شد، به خانه شتافت، او را در
برگرفت، باران بوسه بر او فرو ریخت و مراسم شرعی تولد را درباره او اجرا کرد. در گوش راستش اذان و در گوش چپ اقامه گفت.
نخستین کلمات، بانگ روحبخش توحید بود که به وسیله پدرش پیشاهنگ ایمان و تقواد زمین، بر گوشش نشست و سرود
جاویدان اسلام، جاننش را نواخت: ((الله اکبر... لا اله الا الله)). این کلمات که عصاره پیام پیامبران و سرود پرهیزگاران است، در
اعماق جان عباس جوانه زد، باروحش عجین شد و به درختی بارور از ایمان بدل شد تا آنجا که در راه باروری همیشگی آن، جان
باخت و خونش را به پای آن ریخت.

در هفتمین روز تولد نیز بنا به سنت اسلامی، حضرت، سر فرزند را تراشید، همسنگ موهایش، طلا (یا نقره) به فقیران صدقه داد و
همان گونه که نسبت به حسنین (علیهما السلام) عمل کرده بود، گوسفندی به عنوان عقیقه ذبح کرد. ابوالفضل
از همان آغاز، آموخت که در راه اعلای کلمه حق و برافراشتن پرچم اسلام - که خواهان آزاد کردن اراده انسانی و ایجاد جامعه برینی
است که عدالت، محبت و فداکاری و از خودگذشتگی بر آن حاکم باشد جان بازی کند.

این اعتقادات بزرگ در جان عباس ریشه داشت و با هستی اش عجین شده بود تا آنجا که با تمام قوا در راه آنها پیکار کرد. طبیعی بود
که چنین باشد؛ زیرا پدرش امیرالمؤمنین (علیه السلام) و برادرانش، حسن و حسین (علیهما السلام) نهال ارزشها را در
جاننش غرس کرده بودند؛ بزرگواری که مشعل حریت و کرامت را در دست گرفتند و افقهای روشنی برای ملت‌های روی زمین
گشودند، تا آزادی و کرامت خود را باور کنند و حق و عدالت و ارزشهای والای انسانی بر آنان حاکم باشد.



۵ شعبان ۳ ژوئن

ولادت حضرت امام سجاد (ع) (۳۸ق) / درگذشت زکریای رازی (۳۱۳ق) / سخنرانی تاریخی امام خمینی (ره) در مدرسه فیضیه قم (۱۳۴۲ش) / دستگیری امام خمینی (ره) توسط ساواک / سر آغاز قیام ۱۵ خرداد (۱۳۴۲ش)



۶ شعبان ۴ ژوئن

ارتحال جانشین امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و انتخاب آیت الله العظمی امام خامنه ای به رهبری (۱۳۶۸ش)



مرحوم آیت الله علی مشکینی (ره) - ریاست وقت مجلس خبرگان رهبری:

خداوند، خودش، به نحو اعجاز، خبرگان رهبری را به راه مستقیم، رهبری فرموده و در حساس ترین ساعات و بحرانی ترین اوقات، این حکومت حقه را از تلاطم نگه داشت و به نحو الهام غیبی بر قلوب خبرگان محترم، حق را بر جایگاه حقیقی خود قرار داد «صدر - بحمد الله - امر من اهل بهجوله و قوته و وقع فی محلّه بلطفه و عنایته».

از آن روز مبارک تا امروز، هر چه از عمر پربرت رهبری می گذرد، گفتار، نوشتار، رفتار متصدی عظیم الشأن رهبری، کاشف از صحت ما وقع و صلاحیت و عظمت او بوده است؛ یزیدک روحه عظما إذا ما زدتّه نظرا. در اشعار مطول، یادتان هست که می گوید: «یزیدک وجهه حسنا إذا ما زدتّه نظرا». فقها هم در باره طلوع فجر دوم، این معنارامی گویند که ان، نوری است از افق، نور معترض فی الأفق یزیدک ضیاء و نورا إذا ما زدتّه نظرا، ما هم می گوئیم: «یزیدک روحه - روح این رهبر - عظما إذا ما زدتّه تأملاً و نظرا».

و از جمله نعمی که خداوند عنایت فرمود، اطاعت و خضوع مردم از رهبر معظم و موضع گیری های بجا و نیکو و قانونی اغلب متصدیان امور کشور در مقابل مقام رهبری است
اجلاس ششم دوره دوم، جلسه اول (۱۳۷۴/۱۲/۶)



۷ شعبان ۱۵ خرداد ۵ ژوئن

قیام خونین ۱۵ خرداد (۱۳۴۲ش) / اقیام مردم گیلان به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی (۱۲۹۹ش)
انتشار خبر دستگیری امام خمینی (ره) نه فقط قم و تهران، بلکه سراسر ایران را به جوش و خروش آورد. قیام ۱۵ خرداد در دفاع از حریم مرجعیت شیعه شکل گرفت و به تعبیر امام خمینی مبدأ تاریخ انقلاب اسلامی نام نهاده شد. این قیام مردمی که به تعبیر بسیاری از نویسندگان و محققان نقطه عطف تاریخ انقلاب اسلامی است زمینه ساز و جهت دهنده حرکت های بعدی مردم در نهضت اسلامی علیه رژیم پهلوی و حامیان آن شد. این قیام با داشتن ویژگی ها و مشخصاتی ماهیت نهضت اسلامی را از نهضت های دیگر جدا کرد. امام خمینی (ره) در سخنرانی تاریخی عصر عاشورای سال ۱۳۴۲ با شجاعت به انتقاد صریح از محمدرضا پهلوی و سیاست های ضد اسلامی و وطن فروشانه وی پرداخت. در پی این سخنرانی حماسی و سرنوشت ساز بود که حکومت به فکر تعرض به حریم مرجعیت افتاد. دستگیری امام خمینی در ۱۵ خرداد، مردم سراسر ایران را در حمایت از وی به صحنه آورد و جلوه ای مهم از پیوند مردم و مرجعیت شیعه را آفرید که ریشه در باورهای عمیق دینی داشت. بی شک یکی از مهم ترین وقایعی که در شکل گیری و تعیین ماهیت انقلاب اسلامی تاثیر گذار بوده، قیام ۱۵ خرداد است. امام خمینی (ره) در یکی از اشعار خود سروده اند: «سال های گذرد، حادثه های آید، انتظار فرج از نیمه خرداد کشم».



۱۱ شعبان ۹ ژوئن

ولادت حضرت علی اکبر (ع) (۳۳ق) / رحلت علامه محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰ق)

حضرت علی اکبر (ع) فرزند حسین بن علی بن ابیطالب (ع) و لیلی بنت ابی مره بن عروه بن مسعود ثقفی، در اوایل خلافت عثمان بن عفان، یازدهم شعبان سال ۳۳ هجری قمری در مدینه به دنیا آمد و در سن ۲۸ سالگی در کربلا به شهادت رسید.

از نظر وجهت و زیبایی، ملاحظت و دلربایی، شبیه‌ترین مردم به رسول خدا (ص) بود. همچنین دارای صورت و سیرتی جذاب و طبع بلند، منظره ملیح، دارای ادب و تربیت بی نظیر، و پیوسته با خضوع و خشوع و باصلابت و بزرگواری بود.

علی اکبر همچنین دارای صدای خوشی بود به گونه‌ای که گاهی که اباعبدالله الحسین (ع) برای صوت قرآن جدّ عزیزش دلتنگ می‌شد، به علی می‌فرمود: «علی جان! برایم قرآن بخوان تا از آن لذت و بهره برم.» او در ویژگی‌های معنوی و فضایل علمی و اخلاقی، رشد جسمی و اجتماعی و کمالات روحی و مناقب نفسانی و سجایای ملکوتی در میان تمام بنی هاشم و یاران پدر بزرگوارش امام حسین بن علی (ع) کم نظیر بود. این روحیه قوی و صفات شایسته، چنان ابهت و عظمت به علی اکبر داده بود که افزون بر دوستان، دشمنان اهل بیت نیز به برتری هایش اعتقاد و اعتماد داشتند و اعتراف می‌کردند.

روزی معاویه از اطرافیانش پرسید: «چه کسی در این زمان برای خلافت مسلمانان بر دیگران برتری دارد و برای حکمرانی بر مردم از دیگران سزاوارتر است؟» اطرافیان متعلق به ستایش خلیفه پرداختند و او را لایق این منصب معرفی کردند. ولی معاویه گفت: «نه چنین نیست، اولی الناس بهذا الامر علی بن الحسین بن علی، جدّه رسول الله و فیه شجاعه بنی هاشم و سخاوت بنی امیه و رهو ثقیف؛ شایسته‌ترین افراد برای امر حکومت، علی اکبر فرزند حسین است که جدّش رسول

خداست و شجاعت بنی هاشم، سخاوت بنی امیه و زیبایی قبیله ثقیف را در خود جمع کرده است.» شجاعت و دلاوری علی اکبر و رزم آوری و بصیرت دینی و سیاسی او، در سفر کربلا به ویژه در روز عاشورا تجلی کرد. از میان خاندان هاشمی، نخستین کسی که در کارزار کربلا به میدان شتافت، علی اکبر بود. همچنین زمانی که امام حسین بن علی (ع) از منزلگاه «قصر بنی مقاتل» گذشت، و خوابی به او دست داد و پس از بیداری «انا لله و انا الیه راجعون» گفت و خداوند را حمد کرد، وقتی علی اکبر سبب این حمد و استرجاع را پرسید، حضرت فرمود: «در خواب دیدم سواری می‌گوید این کاروان به سوی مرگ می‌رود.» علی اکبر پرسید: «مگر ما بر حق نیستیم؟» امام فرمود: «چرا.» علی اکبر عرض کرد: «فاننا انان لانبالی ان نموت محقین؛ پس باکی از مرگ در راه حق نداریم!»



۱۲ شعبان ۱۰ ژوئن

شهادت آیت الله سید محمدرضا سعیدی زیر شکنجه های رژیم ستمشاهی (۱۳۴۹ش)



۱۵ شعبان ۱۳ ژوئن

ولادت حضرت مهدی امام زمان (عج) (۲۵۵ق) / عملیات بیت المقدس ۷ منطقه عمومی شلمچه عراق (۱۳۶۷ش)



۱۸ شعبان ۱۶ ژوئن

شهادت محمد بخارایی، حاج صادق امانی، رضا صفار هرندی و مرتضی نیک نژاد (۱۳۴۴ش) / درگذشت فقیه مجاهد آیت الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل آزاد شدن دهلاویه از دست رژیم بعث عراق (۱۳۶۰ش)



۲۳ شعبان ۲۱ ژوئن

شهادت سردار رشید اسلام دکتر مصطفی چمران (۱۳۶۰ش) / اجرای عملیات / عملیات نصر ۴ استان

سلیمانیه عراق (۱۳۶۶ش)



۲۴ شعبان ۲۲ ژوئن

رحلت آیت الله محمدحسن شیرازی، معروف به میرزای بزرگ، صادر کننده فتوای تحریم تنباکو (۱۳۱۲ق) / تاسیس سازمان تبلیغات اسلامی به فرمان امام خمینی (ره) (۱۳۶۰ش) روز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی / عزل بنی صدر از ریاست جمهوری (۱۳۶۰ش)



۲۹ شعبان ۲۷ ژوئن

سو. قصد به آیت الله العظمی امام خامنه ای (۱۳۶۰ش) / قیام مردم تبریز به رهبری باقر خان و ستار خان بر علیه استبداد محمد علی شاه

قاجار (۱۲۸۷ش)



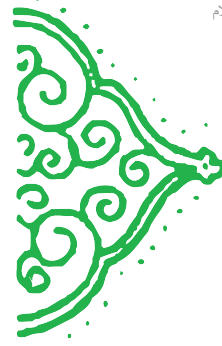
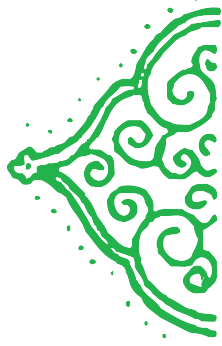
۳۰ شعبان ۲۸ ژوئن

شهادت مظلومانه دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یاران امام خمینی با انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی (۱۳۶۰ش) / بمباران شیمیایی سردشت توسط قوای بعث عراق (۱۳۶۶ش)

بخشی از پیام تاریخی امام خمینی (ره) به مناسبت فاجعه ۷ تیر:

گیرم که شما با شهید بهشتی که مظلوم زیست و مظلوم مُرد و خار در چشم دشمنان اسلام و خصوص شما بود دشمنی سرسختانه داشتید، با بیش از هفتاد نفر بیگناه که بسیاری شان از بهترین خدمتگزاران خلق و مخالف سرسخت با دشمنان کشور و ملت بودند چه دشمنی داشتید؟ جز آنکه شما با اسم خلق از دشمنان خلق و راه صاف کنان چپاولگران شرق و غرب می‌باشید. ماگر چه دوستان و عزیزان وفاداری را از دست دادیم که هر یک برای ملت ستمدیده استوانه بسیار قوی و پشتوانه ارزشمند بودند، ماگر چه برادران بسیار متعهدی را از دست دادیم که اشداء علی الکفار ر حماء بینهم بودند و برای ملت مظلوم و نهادهای انقلابی سدی استوار و شجره‌ای ثمر بخش به شمار می‌رفتند، لکن سیل خروشان خلق و امواج شکننده ملت با اتحاد و اتکال به خدای بزرگ هر کمبودی را جبران خواهد کرد. ملت ایران با اعتماد به قدرت لایزال قادر متعال همچون دریایی مواج به پیش می‌رود و در مقابل ابرقدرتها و تفاله‌های آنان با صافی مرصوح ایستاده است، و شما در ماندگان عاجز را که در سوراخها خزیده‌اید و نقسهای آخر را می‌کشید به جهنم می‌فرستد و خداوند بزرگ پشت و پناه این کشور و ملت است.

اینجانب بار دیگر این ضایعه عظیم را به حضور بقیة الله - ارواحنا له الفداء - و ملت‌های مظلوم جهان و ملت رزمنده ایران تبریک و تسلیت عرض می‌کنم. من با بازماندگان شریف و عزیز این شهدا در غم و سوگ شریک و رحمت واسعه خداوند رحمان را برای این مظلومان و صبر و شکیبایی را برای بازماندگان محترم آنان از درگاه خداوند متعال خواستارم. رحمت خدا و درودی بی‌پایان ملت بر شهدای انقلاب از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۷ تیر ماه ۶۰، و سلام و تحیت بر مظلومان جهان و مظلومان ایران در طول تاریخ. روح الله الموسوی الخمینی. صحیفه امام، ج ۱، ص ۳-۱



مسئول هیأت رزمندگان اسلام تربت حیدریه

همان‌هایی که در جنگ جبهه‌ها را اداره می‌کردند امروز ما را یاری می‌کنند

خیلی مورد توجه قرار گرفته است. برگزاری جلسات هفتگی هیأت به یادبود شهدای همان هفته کار دیگری است که مورد توجه خانواده‌های معظم شاهد می‌باشد.

هیأت به نظر شما آسیب‌هایی که امروزه برای هیأت‌ها وجود دارد چیست؟ وجه راهکارهایی پیشنهاد می‌کنید؟

امروزه تعداد تشکل‌های مذهبی که اکثراً توسط جوانان اداره می‌گردد زیاد شده و هر روزه جوانانی را می‌بینیم که مشغول علم کردن خیمه‌ها و تکاپا جهت برگزاری مراسم عزاداری سید و سالار شهیدان حضرت حسین بن علی (علیه السلام) می‌باشند. که این نشانه عشق به حسین بن علی (ع) است که صدها سال است از پدران و مادران ما به ما و فرزندان ما به ارث رسیده است و سینه به سینه ادامه یافته و هرگز پایانی نداشته و قطع نگردیده است البته فراز و فرود داشته است. هیأت‌های مذهبی محلی گردیده برای ظهور افکار معنوی و در بعضی مراحل تفکرات سیاسی یک گروه.

اما به نظر بنده در سال‌های گذشته متأسفانه به علت عدم وجود یک پایگاه جهت هماهنگی هیأت‌ها و عدم دخالت مسئولان فرهنگی

هیأت عاشقان ثارالله رزمندگان اسلام ادامه دادیم، در هیأت امناء هیأت سعی گردیده از همه صنوف حضور داشته باشند جانبازان، ایثارگران، پیشکسوتان، روحانیون، فرهنگیان و سایر اقشار. جلسات هفتگی هیأت هر هفته شب‌های دوشنبه در محل هیأت برگزار می‌گردد. تاکنون دومر حله از طرف ستاد مرکزی هیأت رزمندگان اسلام بعنوان هیأت نمونه انتخاب شده ایم

هیأت آیا تاکنون برنامه‌های نوآوری در هیأت داشته‌اید؟ وبه نظر شما چند درصد از اهداف شما در این برنامه‌ها اجرا گردیده است؟

بله، همه برنامه‌هایی که تاکنون توفیق برگزاری آن را داشته‌ایم برای اولین بار برگزار شده در بحث برگزاری کاروان‌های پیاده تجدید میثاق با ولایت در خراسان بزرگ ما پیش‌تاز هستیم و تاکنون ۲۰ سال متوالی است که برگزار می‌کنیم و در سال‌های اخیر چقدر مورد توجه قرار گرفته است. ما در شب‌های احیاء نماز یک‌صدر کعتی را بصورت جماعت در محل هیأت برگزار می‌کنیم که خیلی مورد استقبال خصوصاً جوانان قرار گرفته است. مراسم‌های شب قدر را در مزار شهدای گمنام برگزار می‌کنیم که

هیأت در ابتدا بیوگرافی از خود و شروع فعالیت در هیأت رزمندگان اسلام را بفرمائید؟

اینجانب حسین زنگنه متولد ۱۳۳۹. در دفاع مقدس توفیق داشتم در چند عملیات شرکت کنم و به عنوان خادم بسیجیان در رده فرمانده گردان، جانشین گردان حضور داشته باشم. دومر حله مجروح شدم، در عملیات بدر از ناحیه گردن باتیر مستقیم دچار آسیب نخاعی شدم. بعد از مجروحیت در سال ۱۳۶۵ در مسئولیت‌های مختلفی ماندم:

معاونت سیاسی ستاد نماز جمعه، رئیس ستاد نماز جمعه شهرستان، دبیر ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر شهرستان، مسئول ستاد بازسازی عتبات عالیات شهرستان، معاون سیاسی اجتماعی فرمانداری تربت حیدریه، انجام وظیفه نمودم.

هیأت تاریخچه‌ای از هیأت رزمندگان شهرستان خود بیان کنید؟

هیأت عاشقان ثارالله رزمندگان اسلام تربت حیدریه در سال ۱۳۷۲ با حضور خانواده‌های معظم شاهد و ایثارگر، مردم فهیم و ولایت مدار تربت حیدریه بویژه نوجوانان و جوانان تاسیس و تشکیل گردید. ابتدا با عنوان مکتب‌الزهر فعالیت نمودیم و سپس با عنوان



اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود - ارواحنا فداه و عجل الله فرجه - به وسیله ملت ایران برداشته شده است و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است.

ونقش کم رنگ بعضی متولیان، خرافه ها و تحریفاتی وارد هیأت ها شده که به نقل معلم اخلاق شهید آیت الله مرتضی مطهری باید به تحریفات مذهبی که وارد عزاداری امام حسین شده گریست نه بر مصیبت حسین (ع)

در مجالس عزاداری امام حسین (ع) بعضی مداحان جوان با استفاده از ادبیاتی نو و تقلید از صدا، و لهجه جدید و بیان برخی مطالب غیرواقعی که در هیچ مقتل و کتاب تاریخی ای نمی توان سند و مدرکی درباره اش پیدا کرد به عزاداری می پردازند. و این خرافه ها و تحریفات آسیب های جدی هیأت ها هستند.

و ما دقیقاً با تحریف واقعه کربلا و وارد کردن خرافه ها به عزاداری ها دقیقاً کاری را می کنیم که عباسیان و دیگر غاصبان خلافت آل محمد (ص) در طول تاریخ با شدت به دنبال آن بودند تا حقایق تاریخ عاشورای حسینی را تحریف نمایند

هیأت تاکنون چه برنامه هایی برای گرایش جوانان و نوجوانان به هیأت پیاده نموده اید و چه پیشنهادی برای دیگر مدیران در هیأت دارید؟

۱) برگزاری جلسات هفتگی ویژه نوجوانان و جوانان هر هفته شبهای جمعه داریم.

۲) برگزاری اردوهای راهیان نور و اردوهای سیاحتی و زیارتی

۳) راه اندازی کاروان پیاده تجدید میثاق با ولایت که هر ساله بصورت پیاده عازم مشهد مقدس می گردند

۴) واگذاری تبلیغات و ایستگاه های صلواتی و تزئین مراسمات به نوجوانان و جوانان

۵) پذیرایی مراسمات هیأت توسط خادمین هیأت که همه جوانان هستند.

هر برنامه ای که در هیأت داریم نظرات نوجوانان و جوانان را جویا می شویم اگر امکان اجرا توسط این عزیزان باشد کار را به آنها واگذار می کنیم. من معتقد هستم نوجوانان امروز هیأت

گردانندگان فردا هستند و به سایر مدیران عزیز هیأت ها نیز توصیه دارم که از وجود این عزیزان استفاده کرده و خودشان فقط نظارت و مدیریت کنند و در طرح ساخت حسینیه بزرگ ثارالله سالنی را برای برگزاری از دواج های آسان پیش بینی کرده ایم که احساس می کنیم یک نیاز برای قشر جوان است

هیأت آیا شما دارای مکان، سخنران و مداح ثابتی می باشید؟

در سال ۱۳۷۲ همزمان با تاسیس هیأت قدیمی ترین مسجد تربت حیدریه را که مسجد حاج شیخ یوسفعلی نام دارد را بازسازی کردیم و مکان ثابت شد (این مسجد در حال حاضر ثبت آثار ملی گردیده است) البته با استعانت از خداوند متعال و همت همه عزیزان هیأتی، در سال ۱۳۹۰ یک قطعه زمین در بهترین نقطه شهرستان تهیه و با توان مهند سین متعهد نقشه حسینیه بزرگ ثارالله را در چهار طبقه و ۳۶۰۰ مترمربع طراحی و کار ساخت آن را آغاز نمودیم والحمدالله کار ساخت نیز از رشد خوبی برخوردار است.

در مورد سخنران نیز ضمن اینکه سخنران ثابت داریم ولی در مراسمات از سخنرانان مختلف استفاده می کنیم. در مورد مداح نیز مداح ثابت هیأت برادر عباس نجاتی و برادر حمیدعیدی می باشد. البته جلسه نوجوانان مداح خودشان را دارند

هیأت به نظر شما هیأت رزمندگان اسلام تاکنون چند درصد از اهداف پیش بینی شده را پیاده نموده است؟ علت انجام نشدن برخی از اهداف چه چیزی می تواند باشد؟

۸۰ درصد از اهداف پیش بینی شده محقق شده و علت انجام نشدن برخی اهداف عدم بودجه کافی و عدم حضور سخنرانان و مداحان در شهرستانها می باشد.

هیأت شما در انجام کارهای هیأت بیشتر با چه کسانی مشورت و کمک می گیرید؟

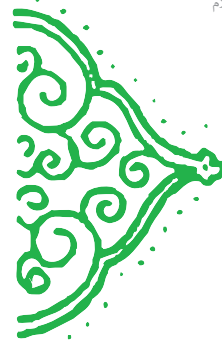
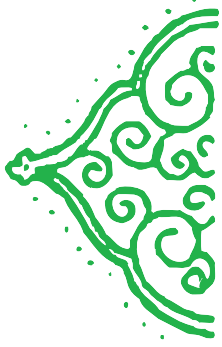
ما در هیأت جلسات هیأت امناء بصورت ماهانه و بطور منظم تشکیل می دهیم و همه برنامه پس از بحث و تبادل نظر نهایی اجراء می گردد. البته در برنامه هایی که بطور ویژه برگزار می گردد سعی می کنیم نظرات مسئولین بویژه امام جمعه محترم تربت حیدریه جلب نمائیم.

هیأت انتظارات خود را از مسئولین ستاد مرکزی بفرمائید؟

ضمن تقدیر و تشکر از همه مسئولین ستاد مرکزی که طی چند ساله اخیر فعالیت های خوبی را سازماندهی کرده اند. مادر حال حاضر مدت ۳ سال است مشغول ساخت حسینیه بزرگ ثارالله هستیم. تاکنون حدود ۵ میلیارد ریال وجه نقد و میلیونها تومان کمک های غیر نقدی هزینه کرده ایم خود صاحب اصلی هیأت حضرت اباعبدالله (ع) رسانده به بعد هم به همین امید کار را انجام می دهیم ، از سپاه و بسیج هم کمک نقدی و غیر نقدی دریافت نکرده ایم ، پروژه مذکور یک طرح منحصر به فرد در سطح شهرستان است. برای کمک مالی دست نیاز به سوی مردم دراز کرده ایم همان هایی که در زمان جنگ جبهه ها را اداره می کردند امروز نیز ما را یاری می کنند.

هیأت در پایان اگر صحبتی دارید بفرمائید؟

از همه عزیزان، از مردم فهیم و ولایت مدار تربت حیدریه که با شرکت گسترده در مراسمات ما را یاری می کنند، از هیأت امناء هیأت، از مسئولین شهرستان بویژه امام جمعه محترم و از دست اندر کاران ماهنامه وزین هیأت که این فرصت را در اختیار ما قرار دادند کمال تقدیر و تشکر را دارم.



سخنران هیأت‌رزمندگان اسلام تربت حیدریه

و عاظ قدر خود را بدانند، پیامبر مردمند

درست و منطقی برابر دستورات دینی و شرعی کاری انجام دهند باید با یک عالم بابصیرت در ارتباط باشند نه در حد تعارف و صوری بلکه در حد تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و قطعا از مهمترین عوامل موفقیت هیأت‌رزمندگان اسلام در تربیت نیرو و رسیدن به اهداف بلند و ارزشمند الهی انسانی و اعظ می باشد و نقش وی با هیچ چیز قابل مقایسه نیست.

هیأت نقش و عاظ را در برنامه های هیأت رزمندگان اسلام که پیش رو داریم را بفرمائید؟

و عاظ قدر خود را بدانند، پیامبر مردمند یعنی مردم دینشان را از علما و عاظ می گیرند خواه قبول کنند یا نه. چون برنامه های هیأت رزمندگان برای مردم طراحی شده است و عاظ نقش اولیه را در پیاده کردن این برنامه ها را دارند.

ر پایان اگر سخن خاصی دارید بفرمائید؟
 از فرصتی که در اختیار بنده قرار دادید تشکر می نمایم در گسترش کمی و کیفی هیأت رزمندگان باید کوشید، یعنی هم باید محتوا و غنای علمی، اعتقادی بر خواسته از اخلاص راسرلوحه کار قرار داد و هم باید به فکر جذب بیشتر جوانان به هیأت بود و لو با ایجاد هیأت های رزمندگان در محلات و شهرهای کوچک و برای همه کسانی که در اعتدالی مکتب اسلام و تشیع سعی و تلاش می نمایند و در زنده نگهداشتن ذکر خدا و یاد خدا از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند کمال تقدیر و تشکر را دارم و در اجرای منویات مقام معظم رهبری آرزوی توفیق دارم.

و تهذیب نتیجه بدهاگر بعنوان احیا امرنا باشد باید ببینیم چقدر در این مجالس احیا امر اهل بیت توجه شده است. ما باید اول عزاداری اصیل اسلامی را معرفی کنیم و بعد به دنبال تقویت این نوع عزاداری در میان مردم باشیم.

هیأت چگونه می توان یک هیأت را از حضور بیشتر جوانان بهره مند ساخت؟

باداشتن برنامه متنوع مربوط به جوانان در طول سال، و ایجاد جاذبه با تنوع مطالب و واگذاری مسئولیت های هیأت در بعضی بخش ها به جوانان. جذب جوانان به هیأت مذهبی بسیار مهم است ولی مهمتر آن است که برای جذب آنان و یا به بهانه جذب از هر وسیله ای استفاده نشود باید از راههایی استفاده کنیم که در جهت اهداف هیأت باشد لذا خطبا و منبری ها و مداحان نباید برای جذب از هر مطلبی و گفتاری و سبکی استفاده کنند چون این جذب برای حفظ ارزش ها نیست بلکه جذب برای هوا و هوس است

هیأت چگونه عاظ جوانان را به سمت خودشناسی و بالندگی مذهبی و روحیه نو پیش ببرند؟
 اول اینکه عاظ باید پند پذیر باشد نه لفاظ، ثانیاً: عالم عامل باشد، ثالثاً: داشتن منبر و خطابه هدفمند و برگرفته از متون صحیح و صریح و با زبان مخاطب و نیاز او صحبت کردن و یادمان باشد که هیأت یعنی توسل و توجه به اهل بیت (ع)

هیأت چه توصیه ای برای عاظ دارید؟
 به نظر بنده نه تنها هیأت های مذهبی بلکه هر مجموعه ای از انسانهای مومن که بخواهند

هیأت در ابتدا خودتان را معرفی کنید، و بفرمائید چه مدت با هیأت رزمندگان اسلام شهرتان همکاری دارید؟

بنده محمد گازری، و مدت ۱۲ سال است که با هیأت رزمندگان اسلام تربت حیدریه به عنوان سخنران و مستمع همکاری دارم.

هیأت از نظر شما یک منبر خوب چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

به نظر بنده یک منبر خوب منبری است که در سه بعد اعتقادات و اخلاق و احکام متناسب با نیاز مخاطب و به زمان، مطالبی را ارائه نماید. و یک نکته عرض کنم و آن اینکه منبر خودش موضوعیت دارد و باید منبر را بعنوان یک نماد ارزشی حفظ کنیم.

هیأت از نظر شما اخلاق یک و عاظ چگونه باید باشد؟

و عاظ باید اخلاقش همانند گفتارش باشد. یک سخنران باید به گفته های خود اعتقاد داشته باشد، عمل به سخنان خود یعنی اعتقاد به گفتارش. زمان عمل است که باید یک و عاظ را خوب شناخت. البته مردم سخنرانان خوب را خیلی خوب شناسایی می کنند.

هیأت از منظر شما چقدر بالگویی اسلامی در عزاداری هایمان فاصله گرفته ایم؟

در هیأت رزمندگان اسلام کمتر مشاهده می گردد ولی در مجموع عزادار به با عزاداری مطلوب بسیار فاصله داریم. باید ببینیم هدف اصلی از برپایی مجالس عزاداری چیست؟ اگر هدف تعظیم شعائر است باید تقوای قلبی و صفای باطن



ما به زمان ظهور امام زمان (عج) این محبوب حقیقی انسانها نزدیک شده ایم زیرا معرفت‌ها پیشرفت کرده است.

مسئول واحد پیروان عترت هیأت رزمندگان اسلام تربت حیدریه

پای صحبت هر سخنران و در هر هیأتی نباید رفت

ویژه مثل محرم و صفر، ماه رمضان، شعبان در منازل و هیأت برنامه های سخنرانی و آموزش های گوناگون برگزار می گردد. در سال حدود ۱۰۰ مجلس و کلاس و برنامه های آموزشی فرهنگی، گردهمایی، سیاسی برگزار می گردد و ادامه دارد و ان شاء... با ساخت مکان جدید جلسات با ایجاد دفتر ویژه خواهران و مناسب بودن مکان برنامه های بهتری اجرا خواهد شد.

هیأت در پایان سخن ناگفته ای دارید بفرمائید؟

با عنایت به وضعیت کنونی جامعه به جهات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی، اقتصادی از همه خانواده های محترم و بانوان عزیز تقاضا دارم ارتباطشان را با هیأت های مذهبی و مجالس و محافل، بسیجی، قرآنی، اجتماعات ویژه خواهران زیادتیر کنند تا در برابر هجمه های گوناگون دشمنان اسلام و مسلمین خودشان را آماده کنند و امروز در جامعه برنامه های مخرب و فساد زیادی با عناوین مختلف برگزار می گردد که قصدشان نابود کردن خانواده ها و از بین بردن وجهه اسلامی خواهران است که لازم است با شناخت حضور پیدا کنند. پای ماهواره، هر سخنران و هر جلسه ای نباید رفت و حضور پیدا کرد. بالگو قرارداد بانوان برجسته دین مبین اسلام و تربیت فرزندان اسلامی، شوهرداری اسلامی، همسایه داری مناسب و ارتباطات آگاه و درست در برپایی حکومت حضرت صاحب الزمان و اطاعت از مقام معظم رهبری کمک بسیاری می توانیم بکنیم. در پایان برای همه عزیزان عاقبت و عافیت دنیا و آخرت را مسألت دارم.

جامعه در مسائل مذهبی، اجتماعی و سیاسی فراوان و گوناگون است باید برنامه های بلند مدت و به روز داشته باشیم تا آموزش های گوناگون خانواده، اجتماع، بازار کار، تقویت بنیه اعتقادی و دینی در برنامه داشته باشیم برای قشرهای دانش آموز، دانشجوی، خانه دار، اداری و غیر برنامه داریم.

هیأت در حال حاضر برای رسیدن به اهدافتان چه مشکلاتی را پیش رو دارید؟

اول مشکل بودجه، دوم عدم وجود اساتید خواهر در سطح کشوری و استانی، سوم چون بیشتر مجالس مشترک است با آقایان و خواهران وقت کمتری دارند برای حضور مجالس ویژه خواهران و رفت و آمد مشکل است.

هیأت پیروان عترت در توسعه فرهنگی فاطمی چگونه می تواند نقش مهمی ایفا کند؟

با آگاهی دادن قشر خواهران در همه سطوح جامعه الگو قرار دادن بانوان اهل بیت (ع) به ویژه حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) فعال کردن امر به معروف و نهی از منکر در زمینه حجاب و عفاف خانواده، خانه داری، ازدواجهای آسان، اقتصاد مقاومتی و همه مسائل موجود در جامعه و مشکلات پیش رو.

هیأت برنامه هایی که برای واحد خواران دارید چیست؟

هر هفته شب های دوشنبه جلسه زیارت عاشورا و سخنرانی مشترک با برادران، ماهیانه جلسه ویژه خواهران با حضور اساتید خواهر شهرستان و زیارت عاشورا در ایام

هیأت در ابتدا خودتان را معرفی بفرمائید؟ و از چه زمانی با جلسات رزمندگان اسلام همکاری دارید؟

با عرض سلام به محضر مبارک حضرت ولی عصر «عج» و یار امام و شهداء (مقام معظم رهبری)، اینجانب حمیده واعظی. از ابتدای تشکیل جلسات رزمندگان همکاری داشته ام ولی از سال ۸۵ بعنوان مسئول واحد پیروان عترت انتخاب و کار می کردم.

هیأت در واحد خواهران شهرستان خود چگونه و بر اساس چه نیازهایی شروع به کار کرد؟

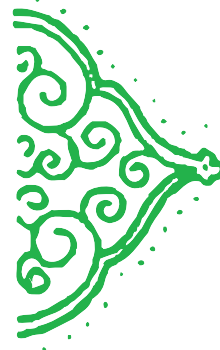
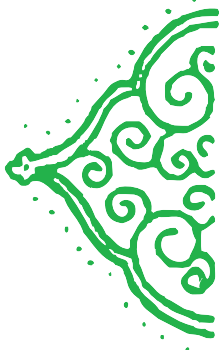
از ابتدای تشکیل هیأت همه مراسمات با حضور خواهران و برادران مشترک تشکیل می شد تا اینکه لازم بود بعضی مراسمات ویژه خواهران برگزار گردد، به مناسبت های مختلف و احساس این نیاز مایه راه اندازی هیأت خواهران شد.

هیأت شما به عنوان یک فعال مذهبی چه نیازهایی برای بانوان می بینید که بر روند اهداف هیأت مسئله مهمی می باشد؟

هیأت رزمندگان چون جایگاه مهمی در بین خواهران به ویژه خانواده های بسیجی رزمندگان، شهدا و ایثارگران دارد باید تأمین کننده ی نیازهای فرهنگی، مذهبی، آنان باشد و در مقابل این تهاجمات فرهنگی باید آنان را آگاهی کامل داد.

هیأت آيا شما در هیأت دارای اهداف بلند مدت نیز هستید؟ اگر دارید توضیح بدهید؟

بله از آنجایی که نیازهای قشر بانوان در



مداح هیأت رزمندگان اسلام تربیت حیدریه

در همه کارها و اعمال و رفتارمان دقت لازم را داشته باشیم

ماست، باشد. مداح باید در تشخیص شعر خوب تهر داشته باشد. شاید صدای خوب یکی از ارکان اصلی مداحی باشد اما شعر می تواند به گونه ای مخاطب را جذب کند که صدای مداح زیاد مد نظر قرار نگیرد.

هیأت از نظر شمانقاط ضعف و قوت کلاس های مداحی که الان در کشور برگزار می شود چیست؟

نقاط ضعف در این است که تربیت مداح کار بسیار سختی است و هر کسی توان و لیاقت کار را پیدا نمی کند و معلوم نیست بعداً چه بخواند و چه بگوید و قوت کار این است که وظیفه هر استاد است شاگردانی برای آینده هیأت تربیت کند که مدت ها در کنار دستش مداحی کند تا اشکالات برطرف گردد. متأسفانه بر روی این کلاسها نظارت دقیقی وجود ندارد که این خود می تواند

منتسب به رزمندگان و شهدا و ایثارگران هستیم و زیر پرچم ولایت سینه می زنیم در روضه، اشعار، اعمال مناسب باشیم.

هیأت یک مداح چگونه می تواند در کار خود رشد کند؟

اولاً مطالعات مذهبی، سیاسی، اجتماعی، زیاد داشته باشد. دوماً، اهل شعر و ادب باشد. سوماً، نسبت به کسی که مداحی می کند شناخت پیدا کند. چهارماً، هر مطلبی را که اطمینان ندارد نگوید و نخواند.

هیأت جایگاه شعر در مداحی کجاست؟

هم شاعر و هم شعر خوان مطلبی را که می خواهند بنویسند و بخوانند باید مستند و درست باشد، دقت در شعر و شاعری داشته باشند و اخلاص در عمل مد نظر باشد و قابل ارائه به یک جمعیت که وقتشان در اختیار

هیأت در ابتدا خودتان را معرفی نمائید؟ بفرمائید چند سال است که با هیأت رزمندگان اسلام شهرستان همکاری دارید؟

اینجانب عباس نجاتی از شهرستان تربیت حیدریه، مدت ۲۰ سال است مداح و عضو هیأت امنای هیأت رزمندگان شهرستان تربیت حیدریه هستم.

هیأت جایگاه مداح را در هیأت رزمندگان اسلام چگونه می بینید؟

یکی از ارکان هر هیأتی مداح آن است که جایگاه ویژه ای دارد مخصوصاً در شهرهای کوچک که مردم نسبت به هم شناخت دارند و خود مداح را که می شناسند جای خود دارد خانواده و فامیل را هم می شناسند بنابراین باید در همه کارها و اعمال و رفتارمان دقت لازم را داشته باشیم و چون



ملت منتظر ایران، با تکیه بر امید به پیشرفت و موفقیت، دست به اقدام، تلاش و انقلاب زد و پیروز شد لذا مردم ما باید روح انتظار را به تمام معنا، در زندگی خود زنده کنند.

آسیب جدی در آینده داشته باشد.

هیأت چقدر با الگوی اسلامی مداحی فاصله داریم؟

بعضی اوقات می بینیم شخصی در مراسم بعضی عروسی ها ترانه می خواند و مدتی بعد در مراسمات مداحی می کند. در بعضی مداحی ها از آهنگهای غیر اسلامی استفاده می شود، یا اشعار نامتناسب خوانده می شود یا حرکتی انجام می دهند که در شأن مجالس اهل بیت نیست. این نوع عزاداریها را باید جمع و به جای آن، عزاداریهای اصیل اسلامی را جایگزین کنیم.

هیأت مداحان شهرستان از نظر شما در چه سطحی قرار دارند؟

چند سطح مداح داریم، بعضی استاد هستند و کشوری مثل حاج احمد و حاج عباس واعظی بعضی در سطح استانی هستند - بعضی از دوستان در حد شهرستانی و تعدادی در حد هیأت کوچک و غیر معروف و در کل خوب هستند.

هیأت آیا شما توانسته اید به رسالت خود که در زمینه مداحی می باشد را خوب ادا کنید؟

خیر، چون عقیده حقیر این است که در مدت ۳۰ سال که مداحی کرده ام، می توانستم بهتر از این ادای وظیفه کنم؛ هر چی در توان بوده انجام داده ام و هنوز هم راضی نیستم گاهی پنجاه هزار نفر گاهی ۵ نفر وقتشان را در اختیارم گذاشته اند، یا ساعتها منتظر بوده اند و مشکلات دیگر رفت و آمد و غیره تا یک مداح بخواند و حقیر باید خیلی بهتر از این می بوده ام امیدوارم از من راضی باشند و مرا ببخشند.

هیأت آیا یک مداح باید آداب و اخلاق خاصی داشته باشد؟

بله، صددرصد، مداح به عنوان یک الگو شناخته می شود و خیلی ها مرید او می شوند، علاقه پیدا می کنند و دوستش دارند به اعمال و کردارش، گفتارش توجه دارند، باید دارای روابط عمومی خوبی باشد با همه مستمع ها خوب ارتباط برقرار کند توان

خاصی در مجالس غم و شادی ها داشته باشد، ظاهر مناسبی داشته باشد، اعتقاد و اخلاص و عمل واقعی داشته باشد.

هیأت سبک هایی که در مداحی و یا در مولودی انتخاب می کنید، آیا تقلیدی است و یا اینکه خودتان در این زمینه خلاقیت به خرج می دهید؟

بنده بنا به نوع شعر خودم آهنگ انتخاب می کنم حالا یا به توان مستمع که چه نوع جمعیتی هستند مثلاً هیأت باشد، بیرون هیأت، دانشجویی، ورزشکاری، خانم ها یا آقایان، اداری، بستگی به نوع جمعیت آهنگ انتخاب می کنم.

هیأت در پایان اگر سخن خاصی دارید بفرمائید؟

سخن خاصی نیست، فقط از تمامی عزیزانیکه در اجرای برنامه های هیأت فعالیت دارند خسته نباشید می گویم و امیدوارم در تمامی کارهایشان همانند هیأت داری موفق باشند.



باقق

دومین یادواره یکصد شهید تدارکات و پشتیبانی استان یزد همراه با ۲۶۶ شهید شهرستان باقق با همکاری هیأت رزمندگان اسلام باقق در تاریخ ۹۳/۲/۲۵ همزمان با وفات پیام رسان کربلا حضرت زینب کبری سلام الله علیها در صحن متبرک امام زاده عبدالله علیه السلام گلزار شهیدا برگزار گردید. آغاز این مراسم هیأت مذهبی که با دستجات سینه زنی به یاد سقای دشت کربلا حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و وفات حضرت زینب کبری بود با سینه زنی و مدیحه سرایی وارد مجلس شدند و سپس خانواده محترم شهیدا با در دست داشتن تصاویر شهیدا وارد مراسم شدند که توسط برادران بسیجی مورد احترام و گلباران قرار گرفتند. امام جمعه محترم شهرستان باقق عرض خیر مقدم به خانواده محترم شهید از سراسر استان و مدعوین محترم و هیأت‌های مذهبی، گزارشی از فعالیتهای پشتیبانی و تدارکات باقق در ۸ سال دفاع مقدس را بیان نمودند. حضرت حجه الاسلام شیرازی نماینده محترم ولی فقیه در سیاه سخنران دیگر مراسم بودند. وی در مورد عظمت ملت ایران گفت: عظمت ملت ایران، ذلت دشمنان اسلام، دفاع از اسلام بوده. کجا ارزشها روشن می شود؟ کجا مرد و نامرد مشخص می شود؟ به قول شهید بزرگوار چمران: آن موقعی که شیپور جنگ زده شد. در دهم فروردین سال ۵۷ مردم استان یزد در چهلم حرکت انقلابی و شهدای تبریز در مقابل دشمن ایستادند و شهید می دهند که اسلام حیات بگیرد و پیام امام این ملت، رهبر این امت، روی زمین نماند. کجا؟ در میدان انقلاب در میدان جنگ، ۸ سال نبرد ملت ایران با دشمنان، آنجا روشن می شود. وی در ادامه بیان داشت: ملت ایران چه عظمتی دارد و دشمنان چه ذلتی دارند. تا میدان جنگی نباشد شهید همتهای و ابراهیمیها و میثمیها و جعفر یزاده ها و همه شهدای عزیز و روحیه شهادت طلبی آنها روشن نمی شود. این پیام مادران شهدای عصر انقلاب بود که به ستاد اعزام تهران رفت. می گفت مرا به جبهه اعزام کنید. به او گفتند مادر چهار فرزندت را در راه اسلام فدا کردی! گفت من خجالت می کشم که امام من ندای هل من ناصرش بلند است من فرزند دیگری ندارم به جبهه بفرستم آمدم که خودم به جبهه بروم.

در خاتمه از خانواده های محترم شهیدا و پیشکسوتان تدارکات و پشتیبانی تقدیر و تشکر بعمل آمد، و از یادمان و کتاب اولین پشتیبان دفاع مقدس رونمایی صورت گرفت. از برنامه های جنبی دیگر این یادواره ایجاد نمایشگاه با شکوه از فعالیتهای پشتیبانی در ۸ سال دفاع مقدس از کلیه شهرهای استان بود که نظر باز دید کنندگان را به خود جلب نموده بود.

ورامین

در میان خیل مشتاقان عرصه ولایت و شهادت مراسم یادواره شهدای فکه در شامگاه ولادت امام جواد علیه السلام در جوار حرم مطهر شهدای گمنام و در حسینیه ثارالله هیأت رزمندگان اسلام شهرستان ورامین برگزار گردید. در این مراسم که با اقامه نماز مغرب و عشاء و قرائت قاری ممتاز شهرستان برادر میلادارستانی آغاز و در ادامه با قرائت زیارت عاشورا همراه بود چند از مسئولین شهرستان نیز حضور بهم رسانیده بودند.

سخنران ابتدایی مراسم سردار فلکی از رزمندگان دوران دفاع مقدس بودند که در مورد عملیات فکه مواردی را مطرح نمودند. در ادامه از سخنان رزمندگان عزیز برادران ژاله رو، داودی فر، شیرازی و بختیاری از شهرهای تهران، شهریار، کرج و ورامین استفاده گردید.

شفت

با همت هیأت رزمندگان اسلام شهرستان شفت دعای پر فیض کمیل به مناسبت وفات حضرت زینب سلام الله علیها با حضور قشورهای مختلف مردم به ویژه بسیجیان گردان امام حسین علیه السلام شهرستان شفت و خواهران در حسینیه حرم شهدای گمنام شفت برگزار گردید. در ابتدای این مراسم نماز جماعت مغرب و عشاء به امامت حجت الاسلام و المسلمین راهنما اقامه شد و وی طی سخنانی ویژگی های حضرت زینب سلام الله علیها و همراهی او با امام حسین علیه السلام در کربلا و رساندن پیام عاشورا به مردم رانقل نمود. راهنما ادامه داد: حضرت زینب اسوه صبر و مقاومت و مبارزه برای زنان و دختران جامعه ماست. در ادامه قرائت دعای پرفیض کمیل توسط برادر عموزاده برگزار شد و در پایان به روضه خوانی و ذکر مصائب حضرت زینب سلام الله علیها پرداخت. برنامه ویژه دعای کمیل آخرین پنجشنبه هر ماه همزمان با اقامه نماز مغرب و عشاء در حسینیه پنج شهید گمنام شهر شفت برگزار می شود.

هرمزگان

به همت هیأت رزمندگان اسلام استان هرمزگان مراسم معنوی اعتکاف ویژه برادران در گروه سنی نوجوان و جوان و همچنین ویژه خواهران در همین گروه سنی از شامگاه ۱۳ رجب ۹۳/۲/۲۳ در دو مکان مجزا مسجد امام حسین گلشهر ویژه برادران به تعداد ۱۰۰ نفر و خواهران ۱۲۰ نفر در مسجد ناصری بندر عباس برگزار گردید.

اهواز

به مناسبت میلاد امام علی (ع) هیأت رزمندگان اسلام اهواز با همکاری معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری اهواز مراسم جشنی را با حضور مردم ولایت مدار این شهر برگزار نمود. این مراسم که در حسینیه ثارالله اهواز برگزار شد حجت الاسلام والمسلمین شیخ موسی بهاءالدینی عاملی به سخنرانی در مورد فضایل امام علی (ع) پرداختند و در ادامه مداح اهل بیت عصمت و طهارت (ع) حاج رضا نبوی به مولودی خوانی پرداخت.

در این مراسم گروه نمایشی میثاق به اجرای نمایش پرداختند و در ادامه با برگزاری مسابقه به قید قرعه جوایز نفیسی از جمله سفر به کربلای معلی برای ۲ نفر به برندگان اهدا گردید.

لنگرود

همزمان با شب ولادت نخستین مهر فروزان آسمان ولایت و امامت حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) مجلس جشن و سرور در غروب دوشنبه ۲۲/۲/۹۳ بعد از اقامه نماز مغرب و عشاء در مسجد شهداء لنگرود برگزار گردید. این مراسم که با همت هیأت رزمندگان اسلام لنگرود برگزار شده بود جمعی از مسولان شهرستان و مردم ولایتمدار این شهر حضور بعمل آورده بودند. در این مراسم مداح اهل بیت عصمت و طهارت (ع) ابوذر روحی به مولودی پرداخت و در پایان به شرکت کنندگانی که نام علی داشتند به قید قرعه جوایزی اهدا گردید.

هرسین

به مناسبت سالروز عملیات غرور آفرین بازی دراز هیأت رزمندگان اسلام شهرستان هرسین در روزهای پنجشنبه و جمعه مورخ ۴ و ۵/۲/۹۳ اقدام به برگزاری اردوی دو روزه از بین نوجوانان و جوانان عاشورایی هیأت و همچنین اعضاء پیروان عترت (ع) واحد خواهران نمود. در این اردوی دو روزه محل حرکت کاروان به سمت شهرستان سرپل ذهاب از روبروی دفتر هیأت رزمندگان اسلام هرسین بود که در محوطه حرم مطهر احمد ابن اسحاق حضرت آیت الله علما نماینده ولی فقیه و امام جمعه محترم کرمانشاه به ایراد سخنرانی در رابطه با شهدای غرب کشور و همچنین گرامی داشت عملیات غرور آفرین بازی دراز مطالبی را بیان نمودند. و در ادامه برادر رضائی با صدای بسیار خوبی در رابطه با منطقه عملیاتی بازی دراز به مداحی پرداختند. سپس در صبح روز جمعه حضور کاروانهای راهیان نور در بازی دراز و صعود ارتفاعات برادر سردار حاج محمد کوثری در این منطقه به سخنرانی در رابطه با شهداء و همچنین یادی هم از شهید ابراهیم هادی نمودند.

مراسم جشن میلاد امام علی (ع) و امام جواد الاثمه (ع) دوشنبه ۲۲/۲/۹۳ ساعت ۹:۳۰ توسط هیأت رزمندگان اسلام و با همکاری دفتر امام جمعه، اداره تبلیغات اسلامی، معاونت فرهنگی آموزش و پرورش، واحد فرهنگی امامزاده مهدی (ع)، شهرداری و شورای اسلامی در سالن الزهرا (شلام الله علیها) برگزار شد. این مراسم ابتدا با صدای بسیار خوب قاری قرآن برادر محمد خواجوی آغاز و در ادامه حجت الاسلام رضائی از قم ضمن تبریک ایام ولادت حضرت علی (علیه السلام) و امام جواد الاثمه (علیه السلام) با اشاره به فضایل اخلاقی و ابعاد شخصیتی این دو بزرگوار اظهار داشت مولود کعبه از چنان مقامی برخوردار است که در درون کعبه متولد شد و اولین کسی بود که به پیامبر اسلام لبیک گفت و مسلمان شد. وی در رابطه با ویژگی اخلاقی حضرت امام جواد (ع) افزود امام نهم شیعیان با دارا بودن تمام صفات زیبای اخلاقی و انسانی سرآمد خوبان روزگار خود بود و پارسایی، علم و دانش و بخشندگیش موجب شد با القاب جواد، تقی، مرتضی و منتجب شناخته شود و حضرت امام جواد (ع) با سرمایه معنوی خود که از سرچشمه زلال الهی نشأت گرفته بود، احکام اسلامی و به تعلیم و ارشاد مسلمانان پرداخت.

در ادامه مداحان اهل بیت (علیه السلام) برادر روح الله لطفی و برادر فرهاد رضایی به مولودی خوانی در وصف این دو امام بزرگوار پرداختند، و در پایان نیز به افرادی که نامشان به اسماء متبرک این دو امام بزرگوار بود به قید قرعه جوایزی اهدا شد.

مراسم اعتکاف در مسجد جامع بازار واحدنوجوانان عاشورایی هیأت رزمندگان اسلام



جشن میلاد امام باقر (ع) حسینیه شهدای بسیج



مولودی خوانی سید مهنی میر داماد



سخنرانی حجت الاسلام مهنی ماندگاری



سازمان همايش سردار شهيد ميرزا محمد باسدار نورعلي موسوي

مقدم مسئولين
ات رزمندگان اسلام
ضاهي گرام

سازمان همايش سردار شهيد ميرزا محمد باسدار نورعلي موسوي

سازمان همايش سردار شهيد ميرزا محمد باسدار نورعلي موسوي

جمعي از مديران نشر كتاب گنبد مهر پيشتامين همايش سراسري همايش رزمندگان اسلام



غموی ما، عباس، دارای بینشی ژرف
و ایمانی راسخ بود؛ همراه با امام حسین علیه السلام جهاد کرد
و نیک آزمایش داد و به شهادت رسید.

امام صادق علیه السلام